



گاهنامه علمی
مرکز نخبگان و استعداد های برتر و وظیفه
نیرو های مسلح
« حوزه علوم پزشکی »



Scientific Journal of
the Center for Elites and Top talents
Armed Forces
«Medical Science Field»

سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۴۰۴



Year 2, No.6, Summer 2025



گاهنامه مرکز نخبگان و استعداد های برتر و وظیفه نیرو های مسلح «حوزه علوم پزشکی» سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۴۰۴



آدرس: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از خروجی بزرگراه هنگام، ضلع شمالی بزرگراه
دانشگاه عالی دفاع ملی
تلفن: ۲۷۳۵۴۴۱۷ نمابر: ۲۲۹۵۳۶۱۲ پست الکترونیکی: pmram@sndu.ac.ir



گاهنامه علمی

مرکز نخبگان و استعداد های برتر وظیفه
نیروهای مسلح

سال دوم – شماره ۶

«حوزه علوم پزشکی»

تنظیم:

تابستان ۱۴۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسنامه گاهنامه

عنوان	:	گاهنامه علمی مرکز نخبگان و استعدادهای برتر وظیفه ن.م
موضوع	:	علوم پزشکی
تهیه و تنظیم	:	مرکز نخبگان و استعدادهای برتر وظیفه
تعداد نسخه	:	۶۰
تاریخ تهیه	:	تابستان ۱۴۰۴
چاپ	:	انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

مرکز انتشارات راهبردی

نشانی انتشارات: تهران. ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام،
دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

نشانی اینترنتی: www.sndu.ac.ir

تلفن: ۲۲۹۷۰۳۴۳

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱	• بررسی ارتباط بین نوع و میزان ناتوانی مولتیپل اسکلروزیس (MS) با تعداد زایمان و سقط جنین در بیماران ثبت شده در سیستم ثبت ام اس ایران
۲	• بررسی میزان کارایی فرایند تجزیه فتوکاتالیستی با نانوفتوکاتالیست Ti^{3+} self- TiO_2 doping تحت تابش نمرئی در حذف سم ارگانوفسفره کلرپیریفوس از محلول های آبی
۳	• بررسی میزان بیان $miR-21$ ، $miR-204$ ، $miR-132$ ، $miR-29a$ و $miR-138$ در پلاسمای بیماران مبتلا به کارسینوم سلول سنگفرشی دهان اولیه در مقایسه با افراد سالم
۴	• تدوین مدل نسخه نویسی اجتماعی در نظام سلامت ایران
۵	• تاثیر حافظه کاری بر مهارت های گفتگان به همراه معرفی شاخص های ارزیابی گفتمان روایتی
۶	• طراحی و تولید فرمولاسیون فرآورده دارویی خوراکی (قرص/کپسول) عصاره میوه گیاه زرشک ایرانی (<i>Berberis integerrima</i>) برای بهبود دیابت
۷	• بررسی اثرات سینرژستیک مکمل یاری پروبیوتیک های منتخب ویتامین د۳ عصاره انار بره موم کورکومین در مقایسه با مسالازین بر سیمای بالینی و ایمنو لوژیک مدل موشی کولیت اولسر اتیو خود ایمن
۸	• مقایسه کارائی دو روش $semi-high-resoluting\ melting\ (hrm)\ analysis$ و $nested\ pcr$ در تشخیص مستقیم مورکور مایکوزیس و افتراق گونه های مولد آن با استفاده از نمونه های تازه بالینی
۹	• ارزیابی روش مولکولی در شناسایی و تعیین هویت کلنی و نمونه های مستقیم خون بیماران مبتلا به کاندیدی
۱۰	• بررسی ژن ها و مسیرهای بیولوژیکی مشترک در بیماران آرتریت روماتوئید و افراد دا رای چاقی/اض افه وزن با استفاده از آنالیز داده های بیانی $microarray$ پایگاه داده ها ی GEO
۱۱	• بررسی تغییرات سیستم $redox$ طول درمان بادارو های $ant-tnf$ برروی بیماران مبتلا به بیماری های التهابی روده
۱۲	• سیمای مرگ و میر در استان خراسان جنوبی طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹
۱۳	• بررسی پارامترهای کلینیکی و پاراکلینیک مرتبط با التهاب سیستمیک در بیماران باشکایت کمر درد همراه با ضایعات مودیک در تصویربرداری پژواک مغناطیسی

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱۴	• بررسی نقش جنسیت در تظاهرات بالینی و پیامدهای بیماران مبتلا به سنکوپ رفلکس در میان افرادی که تحت تست تیلت قرار گرفتهاند: مطالعه‌ی مشاهد‌های در مرکز قلب تهران در سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰
۱۵	• بررسی اثرات ضد دردی عصاره هیدروالکلی میوه به (Cydonia oblonga) بدنبال القای درد احشایی و درد نوروپاتیک در موش بزرگ آزمایشگاهی
۱۶	• پدافند زیست محیطی کشور درمقابل با تهدیدات بیولوژیک نوظهور
۱۷	• ساخت و بررسی ویژگی های زخم پوش نانو الیاف آلژینات - PVA بارگزاری شده با نانوذرات نقره و کورکومین لیپوزمال: مطالعه in vitro
۱۸	• تعیین کارایی فرآیند فتوکاتالیستی اکسید تنگستن داپ شده با اکسید روی درتجزیه فاوپیراویر (داروی پرمصرف در کووید ۱۹) موجود در محلول های آبی و ارزیابی میزان معدنی سازی آن
۱۹	• بررسی اثرات درمانی اگزوزوم های مشتق از سلول های بنیادی مزانشیمی بند ناف انسانی غنی شده با RNA غیر کد کننده RNVSK بر سلول های سرطانی انسانی ریه
۲۰	• بررسی الگوی بیان ژن های (Notch۱,۲,۳,۴ و DLL۱,۳,۴) در بیماران مبتلا به COVID-۱۹
۲۱	• طراحی الگوی پشتیبان تصمیم گیری در مدیریت تیم های عملیاتی بیمارستانی و پیش بیمارستانی در حوادث شیمیایی
۲۲	• : بررسی نقش آپی ژنین برحافظه، اضطراب و پرخاشگری به واسطه تغییرات IL-۶ و BDNF در مدل ایزوله اجتماعی در موش صحرایی نر (مطالعه ملکولی، رفتاری و بافت شناسی)
۲۳	• تدوین پروتکل مدیریت بالینی مصدومین شیمیایی مواجهه یافته با عوامل شیمیایی صنعتی خطرناک
۲۴	• بهبود شرایط ارگونومیک محیط کار کارکنان و کارمندان یکی از ایستگاه های عملیات انتقال گاز بر اساس پیاده سازی سامانه ارگونومی مشارکتی
۲۵	• فرمولاسیون کپسول خوراکی مولنوپیراویر ۴۰۰ میلی گرم به منظور استفاده در درمان بیماری کووید-۱۹
۲۶	• ارائه ابزار ارزیابی و بررسی اثر مولفه ها اجتماعی سلامت بر بستری شدن در بیمارستان از دیدگاه بیماران
۲۷	• پیش بینی فعالیت مهارکننده های آنزیم اپوکسید هیدرولاز محلول با ارائه مدل کمی رابطه بین ساختمان فعالیت
۲۸	• بررسی قابلیت لنتکول های اسمایل (SMILE) رسلولار شده با سلول های بنیادی

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
	مزانشیمی تمایز یافته در بهبود آسیب های لایه اندوتلیال قرنیه در مدل حیوانی
۲۹	• بومی سازی و اعتباریابی ابزار ارزیابی آمادگی بحران و ارائه راهکارهای ارتقاء سطح آمادگی بحران در پرستاران اتاق عمل
۳۰	• بررسی ارزش تشخیصی کسر حجم خارج سلولی (fECV) و میزان انهسمنت فازپورتال وریدی (VP-ER) در سی تی اسکن مولتی فازیک جهت تخمین شدت فیبروز کبدی در مقایسه با یافته های پاتولوژی در بیماران مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی از سال ۱۳۹۲ تا تابستان ۱۴۰۲
۳۱	• بررسی ارزش تشخیصی درجه بندی اندولیمفاتیک هیدروپس چهار مرحله ای و سه مرحله ای وستیبول و حلزون گوش و نسبت تقویت پرلیمفاتیک سمت علامتدار به سمت بدون علامت در MRI، برای افتراق بیماران قطعی از احتمالی و افتراق افراد سالم از بیماران قطعی در بیماری منیر
۳۲	• ارزیابی میزان شیوع درگیری قسمت های مختلف مجرای گوارشی فوقانی ، تعیین پروگنوز و عوامل خطر مربوط به آن در بیماری کرون ، یک مطالعه ی مروری نظام مند
۳۳	• مرور نظاممند مراجعات غیر ضروری به بخش اورژانس: علل ، پیامدها و راهکارها
۳۴	• بررسی وضعیت موجود و شکاف های تحقیقاتی حوزه بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی در ایران: مرور دامنه و روش دلفی
۳۵	• ارتباط ضخامت لایه فیبر عصبی شبکیه (RNFL) و یافته های گاز خون شریانی (ABG) با پیش آگهی بینایی در نوروپاتی بینایی ناشی از متانول: یک تحلیل گذشته نگر با پیگیری ۱۲ ماهه
۳۶	• تدوین برنامه سلامت باروری و جنسی مردان جوان : یک مطالعه ترکیبی متوالی اکتشافی
۳۷	• بررسی بیان مولکول های آسپرو سین (asprosin) و لاکتات دهیدروژناز در ریزمحیط توموری بیماران مبتلا به سرطان پانکراس به منظور بررسی پیش آگهی و تغییرات پاسخ های ایمنی
۳۸	• الگوی نفوذ جریانی آمریکا در ایران بر اساس دیدگاه علوم شناختی
۳۹	• تعیین اثر عدم ثبات وزن بر بروز بیماری های قلب و عروق و مرگ و میر در بالغین دیابتی و غیر دیابتی در مطالعه آینده نگر قند و لیپید تهران
۴۰	• تاثیر ترکیب لیزر nd yag عصاره الوئه ورا و سلول بنیادی مشتق از چربی بر بازسازی استخوان در دیفکت کالواریای موش
۴۱	• تاثیر رادیوتراپی پروفیلاکتیک مغز با دز ۱۸ گری بر عود مجدد بیماری و روند رشد کودکان مبتلا به لوئمی لنفوبلاستیک حاد
۴۲	• بررسی و مقایسه لاکتوباسیلوس های جداشده از مدفوع افراد چاق دیابتی و غیردیابتی

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۴۳	• شناسایی ژن های مرتبط با انفیلتراسیون سلول های T در تومورهای آدنوکارسینوم پانکراس با استفاده از آنالیز سلول به سلول اطلاعات توالی های RNA
۴۴	• بررسی تغییرات پروفایل متابولومیکسی ادرار افراد مبتلا به نفروپاتی ناشی از فشارخون در مقایسه با افراد دارای فشارخون و افراد سالم
۴۵	• بررسی اثرات ملاتونین بر کیفیت خواب و عملکرد شناختی کارکنان دارای اختلال خواب متعاقب کار شیفتی
۴۶	• بررسی عوامل موثر بر پیش آگهی در خانم های مبتلا به سرطان پستان با استفاده از برنامه نویسی ژنتیک چند ژنی در مرکز تحقیقات بیماری های پستان دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۴۷	• مقایسه ی نتایج تست های عملکردی وستیبولار در نژاد افغانی و ایرانی
۴۸	• بررسی حذف دیازینون (عامل اعصاب شیمیایی) از محلول آبی با استفاده از چارچوب آلی فلزی و گرافن عامل دار شده
۴۹	• بررسی و تهیه مدلهای حیوانی سرطان و سکنه مغزی استاندارد در حیوانات کوچک آزمایشگاهی به منظور استفاده در مطالعات پیش بالینی
۵۰	• ارزیابی فناوری سلامت در استفاده از روش های تصویربرداری جهت تشخیص زودهنگام سرطان پستان
۵۱	• بررسی اپیدمیولوژی کلانژیوکارسینوما و ریسک فاکتورهای مرتبط با آن در بیماران مراجعه کننده به بیمارستان افضلی پور شهر کرمان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲
۵۲	• تشخیص زودهنگام بیماری آلزایمر با یادگیری عمیق مبتنی بر تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی
۵۳	• بررسی تاثیر تیمار با داروی ایورمکتین بر روی بیان فاکتورهای التهابی و ضدالتهابی در سلول های دندریتیک مشتق از مونوسیت
۵۴	• تشخیص سن فرد از تصاویر رادیولوژی مچ دست به کمک شبکههای عصبی همراه با یادگیری عمیق
۵۵	• اعتبارسنجی و ارزیابی دقت مدل امتیاز دهی هشدار زود هنگام ملی انگلستان (نیوز) در پیش بینی پیامد ۲۴ ساعته بیماران ترومایی و غیر ترومایی بستری در بخش اورژانس
۵۶	• تهیه و ارزیابی نانوفایبرهای حاوی فلوکونازول همراه با هیالورونیک اسید جهت درمان عفونت های قارچی دهان
۵۷	• تهیه و ارزیابی نانو فایبرهای حاوی عصاره چای سبز به منظور درمان ضایعات قارچی دهان
۵۸	• بررسی میزان اثربخشی مداخله فعالیت بدنی خانواده محور "مدام" (مفرح، آسان، در دسترس و موثر) در سطح فعالیت بدنی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی تهران

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۵۹	• شناسایی استراتژی های اثربخش منابع انسانی سلامت در دوران کوید ۱۹ و پسا کرونا برای ایران
۶۰	• بررسی تاثیر محرک های هیجانی بر فعالیت مغزی افراد با توجه به عوامل شخصیتی در مراجع عین مراکز درمانی: یک مطالعه الکتروانسفالوگرافی کمی
۶۱	• مقایسه ایمنی و اثربخشی دو داروی اورسوداکسی کولیک اسید (کولیکری) و اورسوفار (کوشان فارمد) در بیماران مبتلا به بیماری های صفراوی و کبد چرب
۶۲	• بررسی تاثیر گلیکاسیون بر ساختار و ویژگی اتصالی آلبومین سرم گاوی با ترکیب های فلانوئیدی کور کومین و الاژیک اسید مشتق از گیاهان دارویی
۶۳	• ارزیابی ژن ها و مسیر های ملکولی مشترک بین اترواسکلروز و بیماری التهابی روده: رویکرد سیستم بیولوژی
۶۴	• بررسی اثرات گیاه مورد <i>Myrtus communis</i> در پاکسازی هوا از بنزن تولوین اتیل بنزن و گزین BTEX
۶۵	• بررسی اثرات فوتوتراپی در کنترل وضعیت پریدنتال بیماران سرطانی متعاقب شیمی درمانی
۶۶	• طراحی و ساخت یک سیستم هوش مصنوعی برای انجام smile analysis با استفاده از فتوگراف های لبخند و مقایسه ی آن با سیستم مرسوم آنالیز لبخند
۶۷	• بررسی اثر طولانی مدت مداخله ی جامعه محور سبک زندگی سالم بر نمایه توده بدنی بزرگسالان شرکت کننده در مطالعه ی قند و لیپید تهران: آنالیز رگرسیون چندکی
۶۸	• بررسی اثرات ضد التهابی تجویز درون بینی سازواره نوترکیب pcDNA ^{3.1} (+)-melittin بر مدل تجربی التهاب دستگاه تنفسی فوقانی
۶۹	• تولید و ارزیابی اثر سلول های NK جدا شده از خون محیطی و مهندسی شده با گیرنده های آنتی ژن کایمیریک اختصاصی BVH ³ به منظور هدف قرار دادن رده های سلول توموری گلیوبلاستوما ی انسانی
۷۰	• استفاده از شبکه برای یادگیری عمیق برای تشخیص AVN سر فمور در رادیوگرافی دیجیتال
۷۱	• بررسی میزان بیان SALL ⁴ -A در بافت های سرطانی پانکراس و ارتباط آن با بقا و ویژگی های کلینیکوپاتولوژیک بیماران
۷۲	• بررسی میزان بیان SALL ⁴ -A در بافت های سرطانی معده و ارتباط آن با بقا و مشخصات کلینیکوپاتولوژیک بیماران
۷۳	• بررسی بیان ژن های ATXN ¹ , CDC ⁴² EP ¹ و lncRNA های مرتبط در کارسینوم سلول سنگفرشی دهان
۷۴	• بررسی خواص نکروزان هندوانه ابوجهل در درمان پالپتومی دندان

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۷۵	• ادغام کاندیشن مدیوم حاصل از کشت سلول های بنیادی مزانشیمی پالپ دندان با هیدروژل آلژینات سدیم حاوی یک پپتید آنتی باکتریال به عنوان استراژی جدید درمانی جهت درمان زخم پوستی در مدل حیوانی
۷۶	• طراحی و ساخت سامانه ی تشخیص اختلالات روانی با استفاده از سیستم تصمیم یار مبتنی بر یادگیری ماشین
۷۷	• مقایسه اثرات ضد دردی و ضد التهابی عصاره آبی - الکلی گیاه <i>Scrophularia striata</i> Boiss و گاباپنتین بدنال القای درد نوروپاتیک در موش بزرگ آزمایشگاهی
۷۸	• شناسایی مولکولی و تعیین الگوی حساسیت دارویی عوامل کاندیدایی جدا شده از سوندهای ادراری بیماران بستری در بخش مراقبت های ویژه (ICU)
۷۹	• بررسی اثربخشی پروتکل نوین حساسیت زدایی با تزریق پلاکت در کاهش تیترا آنتی بادی HLA و افزایش شانس پیوند
۸۰	• مطالعه و امکان سنجی ساخت نمونه آزمایشگاهی حساسه های دزیمتری فردی پرتوهای غیر یونساز صوتی
۸۱	• اثرات درمانی ۷۳۱-miRNA اگزوزومی به دست آمده از سلول های بنیادی بافت چربی بر سلول های سرطان گلیوبلاستوما انسانی در شرایط آزمایشگاهی
۸۲	• طراحی و تدوین الگوی مناسب آموزش مهارت استدلال بالینی برای دانشجویان پزشکی عمومی در قالب برنامه نوین ادغام طولی در نظام آموزش پزشکی؛ یک مطالعه ی چند فازي با روش مختلط
۸۳	• مقایسه اثر پلی مورفیسم های CYP۴۵۰ بر متابولیسم داروهای با narrow interval therapeutic در یک مطالعه network meta-analysis
۸۴	• بررسی ارتباط سطح سرمی فلزات سرب کادنیوم و روی با کم کاری و پر کاری تیروئید و مقایسه آن با افراد سالم: یک مطالعه مروری نظام مند
۸۵	• بررسی میزان تاثیر برنامه آموزشی بر آگاهی و نگرش و عملکرد در رابطه با تب روماتیسمی در مادران مراجعه کننده به مراکز منتخب درمانی شهر یزد
۸۶	• بهینه سازی ایمنی بیمار در اتاق عمل چشم : یک مطالعه اقدام پژوهی مشارکتی
۸۷	• بررسی شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا و درمان با داروهای منع کننده PCSK۹ و فالو آپ یکساله آنها
۸۸	• بررسی شیوع و توزیع ژنوتایپ های در زنان مبتلا به بیماری مولتیپل اسکلروزیس تحت درمان با HPV داروهای ایمونوساپرسیو مراجعه کننده به مرکز تحقیقات بیماری های مغز و اعصاب بیمارستان امام خمینی طی سال های ۱۴۰۱-۱۴۰۲
۸۹	• ارزیابی فناوری سلامت HTA در رژیم دارویی گلساپروویر/ پیرنتاسویر و گرازوپروویر/ البازویر در مقایسه با داروهای ضد ویروسی HCV برای درمان بیماران مبتلا به هپاتیت C

«فهرست مطالب»

عنوان	صفحه
در ایران سال ۱۴۰۰	
• بررسی الگوی بیان ژنی LC3A، miR-۱۵۵ و LncRNA-GAS۵ و بررسی متیلاسیون پروموتوری LC3A در بیماران مبتلا به AML	۹۰
• طراحی الگوریتم های هوش مصنوعی بر مبنای تصاویر تشدید مغناطیسی با هدف افزایش کیفیت طراحی درمان در پرتودرمانی سرطان پروستات	۹۱
• بررسی عملکرد نانوکامپوزیت اکسید روی-داپ شده با فلز نیکل در حذف داروی ضد ویروس رمدمسیور با فرایند الکتروفوتوکاتالیزستی از محیط های آبی	۹۲
• تزریق داخل دترسور سلول های اتولوگ مشتق از بافت ماهیچه ای جهت درمان مثانه کم کار	۹۳
• منابع پیوند استخوان آلوژنی در بیماران مبتلا به شکاف کام و لب : مطالعه مروری نظام مند	۹۴
• شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر پنج بیماری اولویت دار در سطح استان اصفهان	۹۵
• ارزیابی نظام مند تاثیر داروها و وسایل بیهوشی در بروز التهاب تار های صوتی	۹۶
• ثبت رجیستری اختلالات اکتسابی ماده سفید در بیماران سنین ۱ ماه تا ۱۸ سال	۹۷
• نوع و الگوی آسیب، درمان و پیامد آسیب های چشمی ناشی از گلوله در بیماران بیمارستان امام حسین (ع) و پیشنهاد ایجاد رجیستری مرتبط	۹۸
• طراحی روشی غیرشیمیایی به منظور سلول زدایی بافت عصب محیطی بر مبنای الکتروپوراسیون غیرحرارتی برگشت ناپذیر و ارزیابی آزمایشگاهی آن	۹۹
• نقش MRI در بیماری صرع: مطالعه یادگیری ماشین و علم سنجی	۱۰۰

سخن ناشر

دانشگاه عالی دفاع ملی به عنوان سازوکاری علمی و سازمانی در توسعه ادبیات راهبردی و آموزش مدیران عالی کشور، در حوزه مسائل راهبردی، دفاعی و امنیتی، با بهره‌گیری از بنیان‌ها و نظریه‌های بومی، درصدد تدوین راهبردهای تعالی بخش برای تحقق اهداف منبعث از رسالت و مأموریت علمی خویش است. این دانشگاه از مراکز علمی کلیدی و حساس در عرصه مسائل راهبردی است که از بدو تشکیل و راه اندازی آن پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه آموزش مسائل دفاعی- امنیتی به منظور کادرسازی متناسب با اهداف مقدس جمهوری اسلامی در سطوح مدیران عالی کشوری و لشکری پیش قدم بوده و وظیفه خطیر خود در جهت آموزش فرماندهان و مدیران عالی رتبه کشور را سرلوحه تمامی برنامه‌های خود قرار داده است.

این امر هنگامی مهم‌تر می‌نماید که نگاهی پژوهشی و عمیق به پیرامون کشور، منطقه و جهان داشته باشیم؛ چراکه با ظهور تهدیدات نوین در عرصه بین‌الملل، لزوم داشتن چنین کانونی برای به هنگام نگاه داشتن مدیران عالی و فرماندهان نظامی کاملاً ملموس خواهد بود. از سوی دیگر ایده ایجاد تمدنی بزرگ موجب می‌شود تا این تلاش و تعهد موجب توسعه همکاری‌ها و ترغیب سازمان‌هایی گردد که برای پیروی از این اهداف متعالی و ایجاد تحول در برنامه‌ها و فعالیت‌ها تولید و توزیع ادبیات راهبردی را یاری نمایند. با نگرش به این رویکرد و اهمیت موضوع، لزوم تولید و توزیع ادبیات راهبردی در دانشگاه که حاصل تلاش اساتید و فرهیختگان متخصص در علوم راهبردی و دانش آموختگانی است که با نهایت تلاش و کوشش مدت زمان مفیدی از دوران زندگی خود را جهت فراگیری مفاهیم و اصول علوم راهبردی و تدوین رساله دکتری در دانشگاه طی نموده‌اند، نمایان می‌گردد.

در این راستا انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی در سه حوزه مدیریت راهبردی، دفاع ملی و امنیت ملی با اهتمام به برنامه‌ها و در چارچوب اهداف و مفاهیم عالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت امام‌خامنه‌ای ^{مدظله العالی}، سعی در انتقال مفاهیم و آموزه‌های خود به سطوح مختلف مدیران و ارکان جامعه داشته و در این راستا دست‌های پرتوانی که نیل به این اهداف را تسهیل می‌نمایند به گرمی می‌فشارد.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب
دانشگاه عالی دفاع ملی

سخن سردییر گاهنامه

به نام خدا

با سلام و درود به روان پاک شهدای اسلام ، روح بلند و ملکوتی حضرت امام خمینی (ره) و آرزوی طول عمر و سلامتی برای مقام معزز رهبری و فرمانده معظم کل قوا (مدظله‌العالی)، مرکز نخبگان و استعداد‌های برتر وظیفه نیروهای مسلح با هدف ارائه تازه‌ترین نظریه‌ها و یافته‌های علمی و نشر افکار و اندیشه‌های بدیع، در اولین قدم از چکیده پروژه‌های برگزیده نخبگان و استعداد‌های برتر وظیفه نیروهای مسلح در رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی کشاورزی، زبان‌های خارجی و هنر و رسانه اقدام به تهیه «گاهنامه علمی» نموده است. ششمین شماره این گاهنامه در حوزه علوم پزشکی تهیه و ارائه گردیده است. بدیهی است صاحب نظران و استادان فرهیخته در نیروهای مسلح ضمن ملاحظه محتوای چکیده‌ها می‌توانند در صورت نیاز به استفاده از اصل تحقیقات صورت گرفته با رعایت اصل مالکیت مادی و معنوی مربوطه با هماهنگی این مرکز از نتایج علمی حاصله بهره‌مند گردند. امید است در ظل توجهات الهی در توسعه دانش کشور و در جهت نیل به اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی موثر واقع گردد.

نام و نشان پژوهشگر: سجاد قانع عزآبادی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی ارتباط بین نوع و میزان ناتوانی مولتیپل اسکلروزیس (MS) با تعداد زایمان و سقط جنین در بیماران ثبت شده در سیستم ثبت ام اس ایران

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

شناسه پژوهش: ۵۱۹

چکیده پژوهش

زمینه، سوالات و فرضیات: مولتیپل اسکلروزیس عمدتاً زنان در سنین باروری را تحت تأثیر قرار می دهد و بر کیفیت زندگی این بیماران تأثیر منفی می گذارد. تشخیص ام اس ممکن است منجر به تغییر در قصد بارداری شود و با تغییر در وضعیت ناتوانی ناشی از تغییرات فارماکولوژیک و هورمونی در دوران بارداری همراه شود. اهداف پژوهش: در این مطالعه، ویژگی های باروری و ارتباط آن با مقیاس وضعیت ناتوانی گسترده (EDSS) و تمایل به بارداری قبل و بعد از تشخیص ام اس در بیماران زن مبتلا به ام اس در جمعیت ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. روش و نوع پژوهش، شیوه گردآوری داده ها و جامعه آماری: این تجزیه و تحلیل داده های ثانویه با استفاده از رجیستری ملی ام اس ایران (NMSRI) از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ با استفاده از حداقل مجموعه داده های استاندارد شده برای تعیین تمایل به بارداری و ارتباط ویژگی های باروری با ناتوانی در بیماران ام اس انجام شد. ویژگی های پایه، تظاهرات بالینی، نوع ام اس، تشخیص و درمان، سابقه باروری و بارداری و سطح ناتوانی به کمک نرم افزار SPSS وارد تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: در این مطالعه داده های ۱۱۲۰ بیمار مورد آنالیز قرار گرفت. نمره EDSS در بیماران با سابقه بارداری ($P = 0.02$) یا سقط ($P = 0.04$) به طور قابل توجهی بالاتر از بیماران بدون سابقه بارداری یا سقط بود. چند فرزندی ($K \leq 2$) قبل از تشخیص MS با نمره $EDSS \geq 5$ همراه بود ($OR: 2.41$; 95% فاصله اطمینان $1.02-5.7$; $P = 0.04$). علاوه بر این، نمره $EDSS \geq 5$ به طور قابل توجهی با زایمان کمتر پس از تشخیص ام اس همراه بود ($OR: 3.35$; 95% فاصله اطمینان $1.01-11.09$; $P = 0.047$). نتیجه گیری: بارداری و زایمان بدون توجه به علائم بالینی، سن تشخیص و نوع ام اس ممکن است بر ناتوانی در بیماران ام اس تأثیر بگذارد. علاوه بر این، تصمیم برای باردار شدن، ممکن است تحت تأثیر نمره ناتوانی بالاتر باشد که باید در بالین مورد توجه قرار گیرد.



نام و نشان پژوهشگر: منصور سرافراز

رشته تحصیلی: بهداشت محیط

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی میزان کارآیی فرایند تجزیه فتوکاتالیستی با نانوفتوکاتالیست $\text{TiO}_2 + \text{self-doping}$ TiO_2 تحت تابش نور مرئی در حذف سم ارگانوفسفره کلروپیریفوس از محلول های آبی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

شناسه پژوهش: ۵۲۳

چکیده پژوهش

زمینه: احتمال استفاده از سلاح های شیمیایی بوسیله نیروهای نظامی یا گروه های تروریستی یکی از بزرگترین تهدیدها در دنیای مدرن است. در میان این سلاح ها، عامل اعصاب بعثت اثرات مخرب فوق العاده زیاد بر روی انسان ها بیشترین نگرانی را به خود معطوف کرده است. کلروپیریفوس، یکی از اعضای کلرینه سموم ارگانوفسفره، دارای سمیت حاد، ثبات شیمیایی و بیولوژیکی و دارای پتانسیل تجمع زیستی می باشد. بطور خاص، کلروپیریفوس منجر به اختلال در سیستم عصبی و تنفسی انسان و ناتوانی و مرگ پستانداران میگردد. در کشور ایران با توجه به توسعه کشاورزی و تنوع آفات گیاهی، استفاده از سموم آفت کش گسترش روز افزونی یافته است و در نتیجه تولید فاضلاب های حاوی سموم آفت کش لزوم دستیابی به یک روش اقتصادی و کارا جهت حذف آلاینده ها وجود دارد. بنابراین هدف از این تحقیق بررسی میزان کارآیی فرایند تجزیه فتوکاتالیستی با استفاده از نانوفتوکاتالیست $\text{TiO}_2 + \text{self-doping}$ تحت تابش نور مرئی در حذف سم ارگانوفسفره کلروپیریفوس از محلول های آبی است. مواد و روش ها: ابتدا نانوذرات $\text{TiO}_2 + \text{self-doping}$ بوسیله یک روش ساده احیاء با NaBH_4 تهیه شده و برای انجام آزمایش های تجزیه فتوکاتالیستی مورد استفاده قرار گرفت. مشخصات نانوذرات $\text{TiO}_2 + \text{self-doping}$ سنتز شده با استفاده از آزمون های XRD، UV-DRS، BET، EIS، PL، FE-SEM، EDS و HR-TEM تعیین گردید. یافته ها: آزمون های انجام شده نشان دادند که نانوذرات $\text{TiO}_2 + \text{self-doping}$ دارای باندگپ پایین، مزوپور و با خصوصیات کریستالی بالایی هستند که برای استفاده بعنوان کاتالیست در فرایند تجزیه فتوکاتالیستی تحت تابش نور مرئی مطلوب است. علاوه بر این تاثیر متغیرهای بهره برداری همچون دز فتوکاتالیست، pH، غلظت اولیه آلاینده و زمان واکنش در فرایند تجزیه فتوکاتالیستی تحت تابش نور مرئی LED مورد مطالعه قرار گرفت. شرایط بهینه برای تجزیه شامل pH برابر ۷، دز کاتالیست ۲/۰ g/l، زمان ماند ۵۰ دقیقه و غلظت اولیه کلروپیریفوس ۱ mg/l بوده که در این حالت کارایی نزدیک به ۱۰۰ برای حذف آلاینده بدست آمد. همچنین نتایج حاصل نشان می دهد که سنتیک واکنش در حذف کلروپیریفوس به وسیله فرایند تجزیه فتوکاتالیستی از مدل شبه درجه یک پیروی می کند. علاوه بر این میزان مصرف انرژی جهت بررسی فرایند از نقطه نظر اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان دادند که این فرایند نسبت به سایر مطالعات مصرف انرژی پایین تری دارد. همچنین قابلیت استفاده مجدد کاتالیست مورد مطالعه در پنج سیکل مورد بررسی قرار گرفت که فقط با ۸/۵ کاهش عملکرد پس از پنج سیکل عملکرد بالایی را نشان داد. نتیجه گیری: در مجموع با توجه به نتایج مطالعه حاضر می توان بیان کرد که نانوذرات $\text{TiO}_2 + \text{self-doping}$ دارای خاصیت فتوکاتالیستی بالایی است که می توان از آن در مقیاس صنعتی برای پساب صنایع تولید سم و همچنین تصفیه آب استفاده کرد.

نام و نشان پژوهشگر: **لطف الله کمالی حکیم**رشته تحصیلی: **جراحی دهان و فک و صورت**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**عنوان پروژه: **بررسی میزان بیان miR-29a، miR-132، miR-204، miR-21، miR-138 و miR-138 در پلاسمای****مبتلا به کارسینوم سلول سنگفرشی دهان اولیه در مقایسه با افراد سالم**تاریخ اجرا: **۱۳۹۹/۱۱/۰۱**شناسه پژوهش: **۵۵۱**

چکیده پژوهش

مقدمه: سرطان سلول سنگفرشی دهان شایع ترین سرطان در دهان و ناحیه ی ماگزیلوفاسیال با بروز بالا و نیز میزان بدخیمی بالاست که به عنوان هشتمین تومور بدخیم در جهان شناخته می شود. چالش کلیدی برای کاهش mortality و morbidity این بیماری، دستیابی به استراتژی هایی برای شناسایی و تشخیص OSCC در مراحل بسیار اولیه است که می تواند در مداخلات درمانی مؤثر باشد. miRNAها گروهی از RNAهای کوچک هستند که در تنظیم، تکامل، تمایز و تکثیر سلولی نقش داشته و بیان miRNA نشانگر بهتری برای تعیین وضعیت فیزیولوژیکی سلول نسبت به mRNA است. این مولکول از ادرار، بزاق، پلاسما، مایع آمنیوتیک و ترشحات تومورهای بدخیم جداسازی و بیان شده و این موضوع نشان می دهد در پروسه ی کارسینوژنز نقش مهمی دارد. تحقیق حاضر با هدف تعیین مقادیر miR-29a، miR-21، miR-204، miR-132 و miR-138 در پلاسمای بیماران مبتلا به سرطان سلول سنگفرشی دهان اولیه و افراد سالم انجام شد. روش اجرا در این مطالعه از ۳۸ فرد سالم و ۳۸ فرد مبتلا به OSCC اولیه نمونه خون تهیه شد و مقادیر میزان بیان miR-21، miR-29a، miR-132، miR-138، miR-204 و miR-138 با استفاده از تکنیک Real Time-PCR در پلاسما این افراد مورد ارزیابی قرار گرفت. داده های کمی بیان این miRNAها با واحد ΔCT و با آزمونهای آماری از نظر توزیع نرمال بررسی و مورد تایید قرار گرفت. جهت مقایسه میزان بیان ژن در دو گروه بیمار و مبتلا از آزمون t-Test unpaired استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان بیان این میکرو RNA ها را میتوان به عنوان بیومارکر خونی در تشخیص درمان و سلامت بیماران خواهد کرد و از اهمیت بالایی در پروسه درمان برخوردار است که با انجام این تحقیق اولیه در تشخیص زودهنگام این بیماری برداشته شد.



نام و نشان پژوهشگر: **رضا ابراهیم اوغلی**رشته تحصیلی: **مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**

عنوان پروژه:

تدوین مدل نسخه نویسی اجتماعی در نظام سلامت ایرانتاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۰۴/۰۱**شناسه پژوهش: **۸۲۵****چکیده پژوهش**

مقدمه: عوامل اقتصادی اجتماعی از جمله مهم ترین موارد موثر بر سلامتی می باشد. با توجه به این مهم، انتظار می رود که نظام های سلامت نیز سهم خود را در پاسخ به این عوامل ایفا نماید. نظر به این که نظام های سلامت دارای منابع محدودی هستند که با آن به ندرت می توانند نیازهای پزشکی بیماران و جمعیت تحت پوشش خود را به طور کامل برآورده نمایند، لذا نظام سلامت می تواند با ایجاد ارتباط بین افراد نیازمند به حمایت های اجتماعی با سایر بخش ها نقش حیاتی خود را ایفا نماید. یکی از مهم ترین رویکردها برای تحقق این مهم نسخه نویسی اجتماعی است. هدف: مطالعه حاضر با پیاده سازی مرور نظام مند و گسترده تمامی مقالات مرتبط قصد دارد تا مجموعه عناصر و ابعاد برنامه های مشارکت اجتماعی را شناسایی و جمع بندی نماید و با تلفیق این عناصر از طریق دریافت نظرات خبرگان و ذی نفعان به ارائه یک مدل جامع برای طراحی و پیاده سازی برنامه های نسخه نویسی اجتماعی برای نظام سلامت ایران بپردازد. روش کار و مواد: این پژوهش یک پژوهش چند روشی می باشد. ترکیبی از مطالعات کیفی و کمی برای طراحی مدل نسخه نویسی اجتماعی در ایران به کار گرفته شده است. روش کیفی مطالعه برای شناسایی عناصر مدل های نسخه نویسی اجتماعی در دنیا به کار گرفته شده است. سپس در یک مطالعه پانل خبرگان و نیز مطالعه دلفی (کمی) به بررسی و انطباق این عناصر با ساختار های نظام سلامت ایران پرداخته گردید. یافته ها: در کنار عوامل مرتبط با بیمار (بیمار محوری، پیچیدگی بالینی، ادراک، دانش)، سه مجموعه عامل اصلی برنامه های نسخه نویسی اجتماعی (شامل ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی، کارکنان پیوندی، و بخش داوطلبان و اجتماعی) را تحت تاثیر قرار می دهند و در این مدل ارائه شده گنجانده شده است: ۱) ویژگی های فردی (دانش، ادراک، ترکیب مهارت)؛ ۲) روابط بین فردی (همکاری، اعتماد، بازخورد، جو حمایتی، پیگیری، ارتباط پایدار، حمایت همتایان در داخل و بین بخش ها)؛ موارد سازمانی (کفایت منابع، کارکنان، آموزش، شرح نقش، تداوم پشتیبانی، مدیریت حجم پرونده، نظارت، مقرون به صرفه بودن، دسترسی، معیارهای ارجاع، و پشتیبانی مناسب)؛ و ۴) زمینه سیاسی (سیاست ملی و هدایت، سرپرستی، برنامه ریزی، ایجاد مشارکت، بوروکراسی، وضعیت اقتصادی، و تعداد سازمان های حمایتی). نتیجه گیری: چارچوب ارائه شده در این مطالعه بر اساس ادبیات موجود و نظرات خبرگان در مورد عوامل مؤثر بر تجویز اجتماعی و به طور سیستماتیک به ادغام نسخه نویسی اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان پرداخته است. این چارچوب می تواند به منظور طراحی، پیاده سازی و نیز ارزشیابی برنامه های نسخه نویسی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.



نام و نشان پژوهشگر: احسان همتی گلپان

رشته تحصیلی: علوم اعصاب

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: تاثیر حافظه کاری بر مهارت های گفتگان به همراه معرفی شاخص های ارزیابی گفتمان

روایتی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۸۵۰

چکیده پژوهش

گفتمان و فن بیان همواره و در طول تاریخ آدمی یکی از مهم ترین راه های تاثیر گذاری بر افراد جامعه و سرمنشأ جنبش ها و تحولات زیادی در طول قرن های متمادی بوده است. تحلیل گفتمان، اطلاعات با ارزشی را در مورد ماهیت آسیب های ارتباطی در زبان را به همراه دارد و این خصوصیت، تحلیل گفتمان را به عنوان یک ابزار مناسب برای شناسایی نقایص ارتباطی تبدیل می کند. در بحرانی ترین دقایق مبارزه یک واحد نظامی نیز که همه چیز بر حسب مقیاس ثانیه ها و لحظه ها تغییر می کند، تنها یک سخنرانی موجز و موثر فرمانده است که موفقیت واحد را تضمین می کند. برای یک نظامی در هر موقعیت و وضعیت که قرار دارد، خوب حرف زدن یکی از واجب ترین مسائل مورد احتیاج است. از تحلیل گفتمان، ممکن است به عنوان ابزاری قدرتمند برای آشکارساختن محتواها، ساختارها و راهبردهای بنیادین بازنمایی های اجتماعی استفاده شود. در تحلیل گفتمان، شناخت معنای کانونی و بنیادی متن مورد مطالعه، که می تواند یک فیلم یا سخنرانی یا کتاب یا اثر هنری باشد، هدف است و احاطه ی جوانب و ظواهر و نشانگان متنوع به امور کانونی برای فهم معنای کانونی از جمله کارهایی است که در تحلیل گفتمان صورت می گیرد. آنچه در جنگ به پیروزی می انجامد، استفاده از سلاح های بهینه و نیروی انسانی کارآمد می باشد. با توجه به تاثیر استرس های مشاغل نظامی بر عملکرد شناختی افراد، به نظر می رسد که تهیه و تدوین تست های حافظه که بتواند در کوتاه مدت و بدون عارضه یا مداخله ای این عملکردها را به بوته آزمایش بکشد، مهم و حیاتی است. حافظه کاری با بسیاری از فرایندهای سطوح بالای شناختی از جمله زبان و فرآیند تولید زبان در ارتباط است اما ماهیت ارتباط بین حافظه کاری در تولید زبان، علیرغم تحقیقات وسیعی که صورت گرفته به طور واضح مشخص نیست و نیازمند تحقیقات بیشتر، به طور ویژه است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی تاثیر حافظه کاری بر مهارت های گفتمان به همراه معرفی شاخص های ارزیابی گفتمان روایتی می باشد. به این منظور در این مطالعه، بررسی آزمون های مربوط به حافظه کاری و گفتمان روایتی برای آزمودنی ها، که به دو گروه تک زبانه و دوزبانه تقسیم شدند، توسط پژوهشگر انجام شد و مقایسه عملکرد بین دو گروه ۲۰ نفره که در مجموع ۴۰ نفر مشارکت داشتند؛ و بررسی نقش حافظه کاری در مهارت های گفتمان انجام شد. بر این اساس از خرده آزمون "فراخوانی ارقام" هوش و کسملر نسخه بزرگسالان ویرایش چهارم، برای ارزیابی مسیر واجی حافظه کاری استفاده شد و برای ارزیابی قسمت اجرای مرکزی حافظه کاری نیز از تکلیف ان بک استفاده شد. همچنین برای بررسی مهارت های گفتمان، آزمون گفتمان روایتی دکتر قیومی و همکاران از هر آزمودنی به صورت جداگانه گرفته شد. نتایج مطالعه به طور کلی حکایت از ظرفیت و عملکرد حافظه کاری در افراد تک زبانه مشابه افراد دوزبانه می باشد اما در بررسی گفتمان روایتی مشخص شد که افراد تک زبانه عملکرد بهتری در مقایسه با افراد دوزبانه برای تولید گفتمان داشتند. بررسی ارتباط بین عملکرد حافظه کاری با متغیرهای گفتمان نشان داد که در افراد تک زبانه ظرفیت حافظه کاری می تواند پیش گو کننده توانایی های زبانی و ارتباطی باشد. در بررسی ارتباط بین ظرفیت حافظه کاری و متغیرهای گفتمان در افراد دوزبانه مشخص شد که فقط بین متغیر پیچیدگی جمله ای در گفتمان با سیستم اجرایی مرکزی حافظه کاری ارتباط معنادار و مثبت وجود دارد و در سایر موارد ارتباط معنادار مشاهده نشد. بنابراین در افراد تک زبانه، هر چقدر ظرفیت شناختی به ویژه در حافظه کاری بیشتر باشد، در تمام سطوح ارتباطی از جمله گفتمان، سخنرانی و اقناع مخاطبین می توانند تاثیرگذار عمل می کنند. به همین دلیل پیشنهاد می شود که در سازمان های دولتی و خصوصی برای جذب افرادی که نیاز به توانایی های سخنوری برای اقناع مخاطب خودشان دارند علاوه بر ارزیابی های متغیرهای زبانی مرتبط با گفتمان در هنگام مصاحبه، از تست های تکمیلی شناختی از جمله بررسی عملکرد حافظه کاری استفاده شود تا افراد با توانایی های بالای زبانی را راحت تر بتواند شناسایی و جذب کنند.



نام و نشان پژوهشگر: کامران شورگشتی

رشته تحصیلی: داروسازی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه‌ای (پزشکی)

عنوان پروژه: طراحی و تولید فرمولاسیون فرآورده دارویی خوراکی (قرص/کپسول) عصاره میوه گیاه
زرشک ایرانی (Berberis integerrima) برای بهبود دیابت

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۸۶۴

چکیده پژوهش

هدف: طراحی و تولید فرمولاسیون فرآورده دارویی خوراکی (قرص/کپسول) عصاره میوه گیاه زرشک ایرانی (Berberis integerrima) برای بهبود دیابت روش اجرا و مواد مورد استفاده: ابتدا کیفیت گیاه با توجه به استاندارد ایران احراز شد. سپس عصاره های هیدروالکلی از گیاه تهیه شد و در نهایت برای تهیه عصاره خشک اقدام شد، خواص فیزیکوشیمیایی عصاره مورد ارزیابی قرار گرفت، بهترین عصاره حاصل در تهیه پنج فرمولاسیون کرانولاسیون مرطوب برای ساخت جند فرمول مختلف از قرص حاوی عصاره میوه زرشک مورد استفاده قرار گرفت. مطالعات بیش فرمولاسیون از جمله سرعت جریان، دانسیته بالک و ضربه ای و توزیع اندازه ذره ای بر روی کرانول ها انجام گرفت، بر اساس جریان گرانول ها، همچنین سختی و زمان باز شدن قرص ها، فرمولاسیون بهینه انتخاب شد. آزمون های بررسی خصوصیات فیزیکوشیمیایی قرصها طبق دستورالعمل فارماکوپه انجام گرفت. همچنین، استانداردسازی قرص بر اساس میزان فلاونوئید تام انجام گرفت. یافته ها: طبق آزمایشهای انجام شده سه فرمول بهینه برای ساخت قرص میوه زرشک انتخاب شدند که جریان یابی گراول، سختی قرص و زمان باز شدن مناسبی داشتند. پس از انجام آزمون های گرانول و قرص، فرمولاسیونی که حاوی ۵۰ درصد عصاره، ۲۵ درصد نشاسته و ۲۵ درصد اویسل بود خصوصیات فیزیکی و شیمیایی بهتری نسبت به سایر فرمول ها نشان داد. نتایج حاصل از استانداردسازی قرص نشان داد که محتوای فلاونوئید تام در طی ساخت و نگهداری ثابت ماند. نتیجه گیری: روش گرانولاسیون مرطوب میتواند روش مناسبی برای تهیه قرص خوراکی عصاره میوه زرشک باشد. این روش ضمن فراهم کردن مقادیر بالای عصاره در یک دوز دارویی واحد، قابلیت حفظ قابل توجهی از محتوای فلاونوئید تام عصاره را دارد. با این حال پیشنهاد می شود که در مطالعات آینده روش های دیگر نیز برای تولید صنعتی و استاندارد این داروی ارزشمند بومی مورد ارزیابی قرار گیرد.



نام و نشان پژوهشگر: محمدرسلول زارعی نژاد

رشته تحصیلی: ایمنی شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی اثرات سینرژستیک مکمل یاری پروبیوتیک های منتخب ویتامین D۳ عصاره انار بره موم کورکومین در مقایسه با مسالازین بر سیمای بالینی و ایمنو لوزیک مدل موشی کولیت

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

شناسه پژوهش: ۹۴۴

چکیده پژوهش

زمینه: افراد مبتلا به بیماری کرون و کولیت اولسراتیو از بیماری های روده ای مزمن موسوم به «بیماری های التهابی روده یا IBD» رنج می برند که درمان آن پرهزینه است. علیرغم داروهایی که در حال حاضر تجویز می شود، هنوز هم عوارض جانبی زیادی وجود دارد که باید کاهش یا به طور کامل اجتناب شود. بنابراین، استفاده از مکمل های طبیعی ممکن است برای کاهش دوز دارو و علائم بیماری مفید باشد. هدف: هدف از مطالعه حاضر، بررسی اثرات هم افزایی درمان ترکیبی پروبیوتیک های منتخب، ویتامین D، عصاره انار، بره موم و کورکومین در مقایسه با مسالازین بر ویژگی های بالینی و ایمنونولوژیک موش های مدل کولیت اولسراتیو است. روش ها: موشها به ۹ گروه ۵ تایی تقسیم بندی شده اند و پس از القای مدل حیوانی با اسید استیک، هر گروه یک تیمار یا ترکیبی از داروها را دریافت کرده اند. پس از یک ماه، از موشها خون گرفته شد و از تکنیک های رنگ سنجی برای ارزیابی سطح بیان سایتوکاین های التهابی (IL-۱، IL-۶ و TNF-α) و عوامل اکسیداتیو مثل میلو پراکسیداز و اکسید نیتریک استفاده شد. شاخص فعالیت بیماری (DAI) و وضعیت هیستوپاتولوژیک بعد از سکریفیس کردن موشها نیز در نظر گرفته شد. سنجش MTT برای ارزیابی تکثیر سلولی مورد استفاده قرار گرفت. یافته ها: نتایج ما نشان داد که درمان ترکیبی باعث کاهش تکثیر سلول ها و سیتوکین های التهابی و فاکتورهای اکسیداتیو در گروه های تحت درمان شد. اگرچه گروه های تحت درمان کاهش نمرات پاتولوژی و شاخص فعالیت بیماری بهتری را تجربه کردن ولی این کاهش ها تنها زمانی معنی دار بود که ترکیبی از مکمل ها استفاده شده بود. همانطور که در این مطالعه نشان داده شد، ترکیبی از عوامل ضد التهابی اثرات مهارکنندگی قابل مقایسه با مسالازین داشت.

نام و نشان پژوهشگر: **کاظم احمدی کیا**رشته تحصیلی: **قارچ شناسی پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**

عنوان پروژه:

مقایسه کارائی دو روش semi-high-resolving melting (hrm) analysis و high-resolving melting (hrm) analysis**nested pcr در تشخیص مستقیم مورکور مایکوزیس و افتراق گونه های مولد آن با**تاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۰۳/۰۱**شناسه پژوهش: **۱۰۴۵**

چکیده پژوهش

مقدمه و هدف: موکورال ها بطور گسترده ای در محیط پراکنده هستند و می توانند باعث عفونت های شدید موکورمایکوزیس در افراد دارای نقص سیستم ایمنی مانند بیماران با ویروس نقص ایمنی انسانی (HIV)، نوتروپنی و پیوند اعضا و مغز استخوان، بدخیمی های خون، دیابت کنترل نشده، افراد با نارسایی کلیوی و افراد تحت درمان با کورتیکواستروئید شوند. موکورمایست ها همچنین می توانند افرادی را که دارای سیستم ایمنی سالم هستند و دچار تلقیح تروماتیک زیر جلدی با مقادیر زیادی خاک و مواد آلوده قرار گرفته اند، عفونت ایجاد کنند. بیشتر موارد موکورمایکوزیس (بیش از ۹۰٪) توسط رایزوپوس و به دنبال آن، موکور، لیکنشیا، رایزوموکور پوسیلوس و به ندرت به علت برخی از گونه های دیگر ایجاد می شود. تشخیص به موقع و دقیق موکورمایکوزیس، از آنجا که عفونت به سرعت و بطور ویرانگر پیشرفت می رود و اغلب به درمان متفاوت و / یا تهاجمی تر نسبت به قارچ های دیگر نیاز دارد، امری حیاتی است. روش های تشخیص مولکولی بطور موفقیت آمیزی در تشخیص عفونت های قارچی ناشی از موکورمایست ها و سایر گونه های قارچی استفاده شده است. در این مطالعه، ما کارایی روش های PCR-HRM و semi-nested PCR را با استفاده از پرایمرهای اختصاصی موکورال ها، که یک قطعه ۱۸۰ جفت باز از ناحیه rDNA ۱۸S را مورد هدف قرار می دهد، در تشخیص مولکولی و شناسایی DNA موکورال ها در نمونه های بافتی تازه را در مقایسه با ارزش تشخیصی آزمایش مستقیم و کشت مورد بررسی قرار دادیم. مواد و روش ها: نمونه های جمع آوری شده از بیمارانی که طبق توصیه ها و معیارهایی که توسط EORTC / MSG مشکوک به داشتن عفونت های قارچی تهاجمی بودند، بوسیله هیستوپاتولوژیک و آزمایش مستقیم (KOH ۱۵) از جهت تشخیص موکورمایکوزیس مورد بررسی قرار گرفت. نمونه ها کشت داده شدند. حساسیت کشت قارچ برای تشخیص موکورمایکوزیس نیز ارزیابی شد. برای شناسایی ایزوله های کشت، ITS-PCR با استفاده از پرایمرهای پان فونگال انجام شد. برای تشخیص مولکولی مستقیم موکورمایکوزیس، روش HRM و semi-nested PCR با استفاده از پرایمرهای اختصاصی موکورال ها استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل منحنی های امپلیفیکاسیون و ذوب HRM از نرم افزار Light cycler ۹۶ Real time-PCR استفاده شد. جهت تعیین گونه عامل بیماری، امپلیکون های بدست آمده در semi-nested PCR و ITS PCR مورد توالی یابی قرار گرفتند. نتایج: در مجموع، از تیر ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۲، از ۳۴۱ نمونه بررسی شده، ۳۱ مورد موکورمایکوزیس (شیوع ۹ درصد بیماری) تشخیص داده شده است. دیابت کنترل نشده (۴۸٪) و بدخیمی های خونی (۴۲٪) بیشترین عوامل خطر ساز در ایجاد موکورمایکوزیس بودند. میانگین سنی بیماران مبتلا به موکورمایکوزیس ۴۶ سال بود (دامنه سنی ۸۱-۹). جنس مذکر ۵۲٪ از کل جمعیت موکورمایکوزیس را تشکیل داد. موکورمایکوزیس رینواوربیتوسربرال (۴۵٪) شایعترین فرم بالینی بیماری بود. میزان مرگ و میر در بین بیماران مبتلا به موکورمایکوزیس ۶۴/۵ درصد بود. بیست و نه نمونه تازه برای کشت و تشخیص مولکولی در دسترس بود. کشت در ۲۲ نمونه (۷۶٪) مثبت شد. تعیین توالی ناحیه ITS بدین ترتیب بود: رایزوپوس اوریزه آ (۱۶ مورد)، و یک مورد از هر یک از گونه های رایزوپوس میکروسپوروس، لیکنشیا کورمیفرا، رایزوموکور پوسیلوس، آپوفیزومایسس الگانس، ساکنه آ وازیفرمیس و ساکنه آ ترازیسیپورا. semi-nested PCR در ۲۶ مورد موکورمایکوزیس را تایید کرد (حساسیت ۹۰٪). با این حال، ۱۰۰ درصد نمونه های تازه موکورمایکوزیس از طریق PCR-HRM نتایج مثبت نشان دادند. ویژگی، ارزش اخباری منفی و مثبت PCR / HRMA برای تشخیص موکورمایکوزیس ۱۰۰٪ بود. علاوه بر این، شناسایی گونه های موکورال ها در همه بیماران از طریق تجزیه و تحلیل منحنی دمای ذوب در PCR-HRM امکان پذیر بود. نتیجه گیری: به طور کلی، شایع ترین بیماری زمینه ای در بین بیماران موکورمایکوزیس، دیابت کنترل نشده بود. روش PCR-HRM نسبت به semi-nested PCR و کشت در تشخیص موکورمایکوزیس و شناسایی عوامل آن حساس تر، سریعتر و از لحاظ انجام آسان تر بود.



نام و نشان پژوهشگر: محمد کرد

رشته تحصیلی: فارغ‌شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: ارزیابی روش مولکولی در شناسایی و تعیین هویت کلنی و نمونه های مستقیم خون بیماران مبتلا به کاندیدی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۰۵۰

چکیده پژوهش

مقدمه: عفونت های مخمری خون یکی از دلایل مهم مرگ و میر در بین بیماران با شرایط زمینه ای و همچنین بیماران بستری در بخش های مراقبت های ویژه بیمارستان ها می باشد. گونه های مخمری کاندیدا در چند دهه ی گذشته رو به افزایش بوده و الگوی مقاومت دارویی در این گونه ها متفاوت است. تعیین هویت دقیق این عوامل در مدیریت و درمان صحیح بیماری حائز اهمیت است. هدف از این مطالعه ارزیابی روش مولکولی PCR ۲۰-plex در تعیین هویت مخمرهای رشد یافته از کشت خون و همچنین نمونه های مستقیم خون بود. مواد و روش ها: در این مطالعه ی آینده نگر نمونه گیری از آذر ماه سال ۱۴۰۰ لغایت دی ماه ۱۴۰۱ به مدت ۱۴ ماه از دو بیمارستان امام خمینی و طالقانی در شهر تهران انجام شد. تعداد ۱۲۰ نمونه کشت خون مثبت از نظر مخمر و به همین تعداد نمونه کشت خون منفی انتخاب و وارد مطالعه گردید. اطلاعات دموگرافیک بیماران شامل سن، جنس، بیماری زمینه ای، طول مدت بستری، داروهای مصرفی و ریسک فاکتورها ثبت شد. کلنی های رشد یافته از نمونه های کشت خون استخراج DNA از کلنی های رشد یافته و همچنین نمونه های خون بیماران انجام گرفت و بر روی آنها آزمایش مولکولی PCR انجام شد. جهت بررسی قدرت شناسایی مستقیم ژنوم فارچ در نمونه خون توسط روش PCR سوسپانسیون مخمری تهیه و رقت های مختلف در نمونه ی خون کامل برای گونه های مخمری مورد مطالعه تهیه شد. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار ۱۶ SPSS و آمار توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج: روش PCR و MALDI-TOF قادر به شناسایی ۱۰۰ ایزوله های مخمری جدا شده از کشت خون در مقایسه با روش استاندارد طلایی تعیین توالی بود، در حالی که کروم آگار کاندیدا قادر به شناسایی صحیح ۹۰/۵٪ از ایزوله های مخمری بود. حساسیت، ویژگی، ارزش اخباری مثبت و ارزش اخباری منفی روش PCR بر روی نمونه های مستقیم کشت خون به ترتیب برابر با ۹۶/۶، ۹۴/۸، ۹۷ و ۹۳/۴ بود. نتیجه گیری: افزایش گونه های غیرآلیکس در بیماران پرخطر با توجه به افزایش مقاومت دارویی در این گونه ها می تواند یک هشدار باشد. تشخیص به موقع و شناخت ریسک فاکتورهای مرتبط با عفونت های مخمری خون و همچنین تعیین هویت دقیق عامل بیماری می تواند در مدیریت درمان کمک کننده باشد. استفاده از روش هایی غیر از تعیین توالی نوکلئوتیدی مانند PCR می تواند بعنوان یک روش دقیق، سریع و ارزان، جایگزین مناسبی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باشد.



نام و نشان پژوهشگر: سپهر جوادى كوش

رشته تحصیلی: ژنتیک

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه:

بررسی ژن ها و مسیرهای بیولوژیکی مشترک در بیماران آرتریت روماتوئید و افراد دارای

چاقی/اضافه وزن با استفاده از آنالیز داده های بیانی microarray پایگاه داده های GEO

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۰۹۸

چکیده پژوهش

مطالعات مختلف ارتباطاتی بین چاقی و آرتریت روماتوئید شناسایی کرده اند و نقش چاقی در پیشرفت و شدت بیماری آرتریت روماتوئید هم گزارش شده است. این مطالعه با سوال فرض وجود پروفایل بیان ژنی و مسیرهای زیستی مشترک در هر دو اختلال و با هدف شناسایی آنها انجام گرفت. در این مطالعه با رویکرد بیوانفورماتیک ادغامی با استفاده از داده های بیانی Microarray مرتبط با چاقی و بیماری آرتریت روماتوئید موجود در سایت GEO، داده های بیانی مربوط به ۳۱۸ فرد آرتریت روماتوئید و ۱۰۰ فرد چاق/اضافه وزن و ۱۰۲ فرد کنترل مورد بررسی قرار گرفت و بعد از کنترل کیفی داده ها و ادغام و یکپارچه سازی و اصلاح Batch Effect آنها و آنالیز بیان ژن ها در گروه افراد چاق و بیماران آرتریت روماتوئید مطالعات system biology صورت گرفت. در گروه چاقی در مجموع ۱۷۰ DEG شناسایی شد که ۹۹ ژن کاهش بیان و ۷۱ ژن افزایش بیان داشتند. در گروه آرتریت روماتوئید نیز ۴۵ DEG شناسایی شد که ۳۸ ژن افزایش بیان و ۷ ژن کاهش بیان داشتند. ۸ DEG مشترک بین گروه چاقی و گروه آرتریت روماتوئید گزارش شد که $\log \text{fold change} \leq 0.4$ بود. این ۸ DEG مرتبط با ۵ مسیر بیولوژیکی بودند که عمدتاً در ایمنی ذاتی علیه میکروب ها نقش داشتند. با توجه به این یافته محتمل است که این تغییرات مربوط به دسیسوسیس روده در هر دو اختلال آرتریت روماتوئید و چاقی بوده و به این شکل ارتباط بین چاقی و آرتریت روماتوئید توضیح داده شود.





نام و نشان پژوهشگر: محمد جواد توسلی فر

رشته تحصیلی: ایمنی شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: بررسی تغییرات سیستم redox طول درمان با داروهای anti-tnf بر روی بیماران مبتلا به بیماری های التهابی روده

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

شناسه پژوهش: ۱۱۶۸

چکیده پژوهش

نوع تحقیق: مطالعه مقطعی Cross-sectional study جامعه آماری و روش گردآوری داده های پژوهش: بیماران مبتلا به IBD که تشخیص آنها براساس آندوسکوپی توسط پزشک معالج انجام شده است به مدت ۶ ماه با دارو anti-TNF تحت درمان قرار گرفتند. از ۲۲ بیمار قبل از درمان و در هفته ۱۴ نمونه خون و بافت روده جمع آوری شده است. هدف طرح: بررسی تغییرات سیستم Redox در طول درمان با anti-TNF در WBC و بافت روده بیماران پاسخ داده و پاسخ نداده به درمان با anti-TNF. فرضیات تحقیق: ۱. در طول درمان با anti-TNF سطح GSH و TOS پلاسما بیماران پاسخ داده به درمان با anti-TNF در مقایسه پاسخ نداده به درمان با anti-TNF افزایش/کاهش می یابد. ۲. در طول درمان با anti-TNF بیان ژن کاتالاز، SOD۱، gp۹۱phox، Nrf۲ و SOD۲ در بافت روده بیماران پاسخ داده به درمان با anti-TNF در مقایسه پاسخ نداده به درمان با anti-TNF افزایش می یابد. روش تجزیه و تحلیل داده ها: برای مقایسه داده های مستقل بین دو گروه از Independent Samples T test و یا Mann-Whitney U Test استفاده شد. نتایج: بیان بافتی ژن های آنتی اکسیدان و فعالیت های CAT و SOD پلاسما و سطح GSH در UCR در هفته ۱۴ نسبت به شروع مطالعه افزایش یافت. در ابتدا، سطوح TOS و GP۹۱-PHOX در UCN نسبت به UCR افزایش یافت، در حالی که سطح TOS در UCR در هفته ۱۴ کمتر بود. ادغام ویژگی های بالینی ردوکس خون بهترین عملکرد را برای پیش بینی بیماران پاسخ دهنده به درمان ضد TNF داشت.



نام و نشان پژوهشگر: علی بیدختی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

سیمای مرگ و میر در استان خراسان جنوبی طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۱۸۵

چکیده پژوهش

مقدمه: راهبرد اصلی ارتقای سلامت اعضای جامعه و افزایش طول عمر آن ها شناسایی عوامل خطر و مقابله با عوامل سبب ساز آن ها بر اساس وضعیت مرگ و میر و علل مهم آن است. اطلاعات دقیق در مورد علل و روند مرگ و میر در هر منطقه، نقش مهمی در برنامه ریزی سلامت دارد. به علاوه، بررسی مرگ و میر در زیر گروه های سنی، جنسی و محل سکونت (شهری، روستایی) نمایانگر میزان بهره مندی زیر گروه های مختلف جامعه از خدمات بهداشتی و درمانی است. همچنین، شاخص های نظیر مرگ و میر نوزادان و کودکان زیر ۵ سال، سال های از دست رفته عمر و امید به زندگی از مهم ترین شاخص های بهداشتی هستند که در سیمای مرگ و میر به آن ها پرداخته می شود. نظر به عدم تهیه ی سیمای مرگ و میر در استان خراسان جنوبی و ضرورت این گونه مطالعات برای برنامه ریزی در زمینه ی سلامت جامعه و تدوین سیاست ها و راهبردهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مطالعه حاضر تلاشی در جهت برآورد و تحلیل مرگ و میر در استان خراسان جنوبی در سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است. روش: اطلاعات خام برنامه ثبت مرگ در سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در قالب فایل اکسل از معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و اطلاعات جمعیتی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی و سایت های سازمان ثبت احوال کشور و اداره کل ثبت احوال خراسان جنوبی به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۶، نرم افزار ANACONDA نسخه ۵ و نرم افزار تحت وب ۳ ANACoD استفاده شده است. مهم ترین علل مرگ و میر و سال های از دست رفته عمر به تفکیک گروه های سنی و جنسی مشخص شد. همچنین، شاخص های مرگ و میر، شاخص مرگ و میر کودکان، روند کد های بد تعریف شده و پوچ علل فوت، امید به زندگی و روند تغییرات میزان مرگ ناشی از علل مهم مرگ و میر مشخص شد. یافته ها: در بازه ۵ ساله ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ تعداد ۲۰۰۶ مرگ (۵۴.۵ درصد مردان و ۴۵.۵ درصد زنان) در استان خراسان جنوبی ثبت شده است. میزان مرگ و میر از ۴۷۰.۲ مورد مرگ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۵ به ۵۹۷.۲ مورد مرگ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۹ رسیده است. میانگین سنی افراد فوت شده 77.9 ± 14.6 سال بوده است. چهار علت اول مرگ در کل جمعیت در این ۵ سال به ترتیب بیماری های قلبی و عروقی (۴۰.۳ درصد، میانگین سنی 77.9 ± 14.6 سال)، سرطان ها و تومورها (۱۲.۸ درصد، میانگین سنی 66.4 ± 18.5 سال)، بیماری های دستگاه تنفسی (۱۲.۸ درصد، میانگین سنی 75.7 ± 18.5 سال)، حوادث غیر عمدی (۹.۵ درصد، میانگین سنی 40.1 ± 24.3 سال) بوده اند. بیشترین سهم در سال های از دست رفته عمر (در مجموع 413471.6 سال) به ترتیب مربوط به بیماری های قلبی و عروقی (۲۳.۶ درصد)، حوادث غیر عمدی (۱۹.۳ درصد) و سرطان ها و تومورها (۱۲.۴ درصد)، بیماری های دوران حول تولد (۱۱.۰ درصد)، و بیماری های دستگاه تنفسی (۸.۵۴ درصد) بوده است. سال های از دست رفته عمر در استان خراسان جنوبی در بازه ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ از 10124.4 سال در صد هزار نفر جمعیت به 11375.0 سال در صد هزار نفر جمعیت رسیده است. نتیجه گیری: در بازه ی ۵ ساله ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ نسبت به بازه ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، مرگ و میر مردان ۵ درصد کاهش و مرگ و میر زنان ۶ درصد افزایش یافته است. درصد مرگ های بیمارستانی در هر دو جنس و در جمعیت شهری و روستایی افزایش یافته است که کمترین میزان افزایش در جمعیت روستایی است. میانگین سنی افراد فوت شده در زنان، مردان، شهرها و روستاها نسبت به سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ از ۷ تا ۹ سال افزایش یافته است. در میان علل مرگ و میر، سهم بیماری های قلبی عروقی، سرطان ها، بیماری های دستگاه تنفسی افزایش و سهم بیماری های واگیر، مادری، پری ناتال و تغذیه ای و تا حدودی حوادث و سوانح کاهش یافته است



نام و نشان پژوهشگر: سينا اولياء

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: بررسی پارامترهای کلینیکی و پاراکلینیک مرتبط با التهاب سیستمیک در بیماران با شکایت کمر درد همراه با ضایعات مودیک در تصویربرداری پژواک مغناطیسی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۲۵۹

چکیده پژوهش

معرفی تغییرات مودیک مشاهده شده در تصویربرداری رزونانس مغناطیسی کمری (MRI) با کمردرد مرتبط است، اما مکانیسم های زمینه ای همچنان نامشخص است. این مطالعه با هدف بررسی ویژگی های بالینی و آزمایشگاهی حاکی از التهاب در بیماران مبتلا به تغییرات مودیک در MRI کمر انجام شد. بیماران و روش ها: تجزیه و تحلیل گذشته نگر بر روی گروهی از بیماران با تغییرات مودیک شناسایی شده در MRI کمر انجام شد. داده های بالینی شامل سن، جنسیت، شاخص توده بدنی (BMI)، وجود درد در طول شب و طول مدت علائم جمع آوری شد. بررسی های آزمایشگاهی، از جمله میزان رسوب گلبول قرمز (ESR) و سطح پروتئین CRP نیز به دست آمد. تغییرات Modic بر اساس الگوهای سیگنال MRI آنها طبقه بندی شدند. وجود نشانگرهای التهابی و ارتباط آنها با ویژگی های بالینی با استفاده از روش های آماری مناسب ارزیابی شد. نتایج: در مجموع ۱۶۹ بیمار در این مطالعه وارد شدند. اکثر بیماران تغییرات مودیک نوع ۱ (۱۶.۵، ۲۸.۲)، به دنبال آن تغییرات نوع ۲ (۸۲.۴، ۱۳۹.۸) و نوع ۳ (۱.۱، ۲.۰) را نشان دادند. در میان ویژگی های بالینی، بیماران با تغییرات نوع ۱ با شیوع بالاتر CRP مثبت (p کوچکتر از ۰.۰۰۱، ۶.۷۶-۲۰.۲۴)، سفتی صبحگاهی (p مساوی ۰.۰۰۶، ۴.۲۷-۱۲.۸۵) و درد ارائه شدند. در طول شب (p مساوی ۰.۰۱۶، ۲.۶۱-۱.۱۸-۵.۷۸) نتیجه: ویژگی های کمردرد التهابی در بیماران مبتلا به تغییرات مودیک در MRI کمر ممکن است نوید بخش التهابی این بیماری باشد، چراکه ممکن است آنها مراحل اولیه یک کمردرد اختصاصی باشند.

نام و نشان پژوهشگر: **حامد طاوولی نژاد**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**عنوان پروژه: **بررسی نقش جنسیت در تظاهرات بالینی و پیامدهای بیماران مبتلا به سنکوپ رفلکس در****میان افرادی که تحت تست تیلت قرار گرفتند: مطالعۀی مشاهدۀی در مرکز قلب تهران**در سالهای **۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰**تاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۰۹/۰۱**شناسه پژوهش: **۱۳۱۶**

چکیده پژوهش

پیش زمینه و اهداف: شواهد قبلی در مطالعات انجام شده حاکی از ویژگی های مهم سنکوپ وازوواگال (VVS) مربوط به جنس و سن است. هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت در تظاهرات، علائم و پاسخ تست سر به بالا (HUTT) در بیماران مبتلا به VVS بین جنس و گروه سنی می باشد. روش اجرا: این مطالعه داده های رجیستری HUTT در واحد سنکوپ مرکز قلب تهران، از جمله بزرگسالان ۱۸ سال یا بالاتر را که مبتلا به VVS بودند، تجزیه و تحلیل کرد. تشخیص بر اساس تاریخچه بالینی بیمار، معاینه فیزیکی و آخرین دستورالعمل سنکوپ بود. ویژگی های بالینی و نتایج آزمون شیب سر به بالا برای درک ویژگی های جنسی و سنی VVS.ces در تظاهرات، علائم و پاسخ تست سر به بالا (HUTT) در بیماران مبتلا به VVS بین جنس ها و گروه های سنی ثبت و تجزیه و تحلیل شد. نتایج: از ۱۹۱۴ بیمار واجد شرایط، ۴۹ درصد زن و میانگین سنی 46.43 ± 17.77 سال بود. زنان بیشتر احتمال دارد علائم پیش درآمدی مانند حالت تهوع و ناراحتی شکمی را تجربه کنند. نتایج آزمون شیب سر به بالا بر اساس جنسیت تفاوت معنی داری نداشت. بیماران جوان تر احتمال بیشتری داشت که محرک های خاصی را تجربه کنند و علائم پیش درآمدی را آشکار کنند و با حرکات تشنجی تظاهر کنند. بیماران مسن تر احتمال کمتری داشتند که در طول HUTT پاسخ مهارتی قلبی داشته باشند. بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر تفاوت های موجود در تظاهرات بالینی VVS بر اساس جنس و سن را برجسته می کند و اطلاعات ارزشمندی را برای تشخیص و مدیریت این بیماری ارائه می دهد. مطالعات بیشتری برای درک مکانیسم های پشت این تفاوت ها و ایجاد برنامه های درمانی مناسب برای VVS مورد نیاز است.



نام و نشان پژوهشگر: **احمد قاسمی**رشته تحصیلی: **فیزیولوژی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**

عنوان پروژه:

بررسی اثرات ضد دردی عصاره هیدروالکلی میوه به (Cydonia oblonga) بدنبال القای**درد احشایی و درد نوروپاتیک در موش بزرگ آزمایشگاهی**تاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۱۰/۰۱**شناسه پژوهش: **۱۳۳۷****چکیده پژوهش**

هدف: با توجه به پیامدهای جانبی استرس اکسیداتیو و تأثیرات آن در دردهای عصبی، تلاش برای یافتن ترکیبات مؤثر با منشأ طبیعی جدید و کمترین عوارض جانبی در دستور کار قرار دارد. در این تحقیق، تأثیر عصاره هیدروالکلی میوه به، به دلیل داشتن خواص آنتی اکسیدانی بالا، بر مارکهای اکسیداتیو و تأثیر آن بر فعالیت دستگاه عصبی (سینگولیت قدامی) مورد بررسی قرار گرفته است. مواد و روش ها: ۳۶ موش صحرایی نر ویستار به صورت تصادفی در ۶ گروه برای درد نوروپاتیک و احشایی قرار گرفتند. برای درد نوروپاتیک گروه sham، درد نوروپاتیک یا CCI و درد نوروپاتیک با درمان ۲۱ روزه با ۵۰۰ mg/kg عصاره هیدروالکلی میوه به (CO+CCI) تقسیم شدند. درد نوروپاتیک در روز صفر با استفاده از روش آسیب انقباض فشاری (CCI) القا شد. آلودینیا سرد و رفتارهای شبه اضطرابی یک روز قبل از عمل CCI روز ۱- و همچنین در روزهای ۲، ۷ و ۲۱ پس از CCI ارزیابی شد. در گروه های درد احشایی، اثر درد حاد احشایی پس از ۲ هفته درمان با عصاره مورد ارزیابی قرار گرفت. اثرات عصاره CO بر نشانگرهای استرس اکسیداتیو و فرکانس هسته سینگولیت قدامی در روز ۲۱ پس از CCI اندازه گیری و ثبت شد. نتایج: مصرف خوراکی عصاره الکلی CO به طور معنی داری آلودینیا سرد را در روزهای ۲، ۷، ۱۴ و ۲۱ پس از CCI کاهش داد (P)





نام و نشان پژوهشگر: رضا حسینی قطار

رشته تحصیلی: ایمنی شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: پدافند زیست محیطی کشور در مقابله با تهدیدات بیولوژیک نوظهور

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۳۷۷

چکیده پژوهش

تجربیات ما از شیوع بیماری هایی همانند SARS، MERS و COVID-۱۹ نشان می دهد که عدم داشتن آمادگی مناسب و پاسخ سریع به این عوامل بیولوژیک چقدر می تواند تبعات سنگینی داشته و ابعاد مختلف کشور در سطح خورد و کلان را تحت تاثیر قرار دهد. همه گیری این نوع بیماری ها نشان می دهد که در سال های آینده با توجه به نزاع قدرت های بزرگ جهانی و شکل گیری قدرت های منطقه ای باید منتظر وقوع بیشتر حوادثی از این دست باشیم. لذا نیاز هست که با شناخت دقیق تر از تهدیدات زیستی بالقوه تلاش کنیم که سازوکارهای پدافند زیستی را در کشور ارتقاء دهیم تا در صورت تکرار تهدیدات زیستی از این قبیل با آمادگی و سرعت بهتری مقابله کنیم. در حقیقت شناخت هر چه بهتر تهدیدات زیستی و سازوکارهای دفاعی موجود در پیش بینی و پیشگیری درست از این نوع تهدیدات مهمترین هدف پدافند زیستی هست که تحقق آن نیاز به مطالعات گسترده و راهکاری درست و عملیاتی است که در این پروژه سعی شده است به مطالعه آن پرداخته شود.





نام و نشان پژوهشگر: محمد محقق

رشته تحصیلی: بیوتکنولوژی پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: ساخت و بررسی ویژگی های زخم پوش نانو الیاف آلژینات - PVA بارگذاری شده با نانوذرات نقره و کورکومین لیپوزمال: مطالعه in vitro

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۴۳۹

چکیده پژوهش

زخم پوش ها دسته مهمی از وسایل پزشکی و دارویی مراقبت از زخم می باشند که به طور وسیعی در انواع زخم ها استفاده میشوند. استفاده از تکنولوژی های جدید برای ساخت این زخم پوش ها، شرایطی را فراهم آورده که امکان دستیابی به محصولی هدفمند و پیشرفته به منظور ترمیم زخم فراهم شود. فرآیند ترمیم زخم ها به خصوص زخم های سوختگی یک فرآیند پیچیده است که چندین فاز را شامل میشود. مهمترین عواملی که فرایند ترمیم زخم را در زخم سوختگی با چالش مواجه میکند عفونت و التهاب مزمن است هدف این پروژه ساخت و بررسی ویژگی های نانوالیاف آلژینات-PVA لود شده با نانو کورکومین لیپوزومی و نانوذرات نقره به عنوان زخم پوش بود. در این پژوهش، ابتدا بهینه سازی شرایط الکتروریسی نانوالیاف به منظور دستیابی به الیافی با اندازه ذرات مناسب با توزیع هموزن بوسیله دستگاه فورس اسپینینگ انجام شد. نسبت های مختلف پلیمر ها با دماهای مختلف و اندازه نازل های مختلف بررسی شد. از لیپوزومال کردن کورکومین به منظور بهبود حلالیت و فراهمی زیستی و لودینگ مناسب آن بانانوالیاف به منظور رهایش مناسب و کنترل شده با هدف ضد التهابی و تسریع ترمیم استفاده شد و همچنین با ترکیب کردن نانوذرات نقره به سامانه فوق با هدف جلوگیری از عفونت و انتی باکتریال، یک سامانه مناسب به عنوان زخم پوش ایجاد و پیشنهاد شد. آزمایشات سمیت سلولی و خواص ضد میکروبی آن بررسی شد و نشان داده شد که این سامانه میتواند به عنوان یک زخم پوش مناسب در انواع زخم ها به خصوص زخم های سوختگی مورد استفاده قرار گیرد.





نام و نشان پژوهشگر: محمدرضا عالی پور

رشته تحصیلی: بهداشت محیط

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: تعیین کارایی فرآیند فتوکاتالیستی اکسید تنگستن داپ شده با اکسید روی در تجزیه
فاوپیروایر (داروی پر مصرف در کووید ۱۹) موجود در محلول های آبی و ارزیابی میزان

معدنی سازی آن

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۴۷۲

چکیده پژوهش

مطالعه حاضر با هدف طراحی نوع جدیدی از کاتالیزور هتروژن اکسید تنگستن داپ شده با روی برای تخریب داروی فاوپیروایر با استفاده از نور مرئی (LED) انجام شده است. فاوپیروایر، آنتی ویروسی است که برای انفولانزا، کووید-۱۹، برونشیت و عفونت های دستگاه تنفسی استفاده می شود و در برابر هر دو باکتری گرم مثبت و گرم منفی مؤثر است. با توجه به گسترش بیماری های ویروسی جدید در سراسر جهان به ویژه کرونا و همچنین مصرف بالای فاوپیروایر در درمان عفونت های ویروسی مانند انفولانزا و ورود و سمیت این داروها در محیط های آبی، کاهش غلظت این داروها امری مهم و ضروری است. اکسیداسیون فتوکاتالیستی با نور مرئی نسبت به استفاده از نور ماورابنفش یک روش بهینه و کم هزینه تری برای کاهش آلاینده های دارویی و مقاوم می باشد. محصول نهایی ناشی از حذف ترکیبات آلی مقاوم به روش فتوکاتالیستی، شامل دی اکسید کربن، آب و یک سری ترکیبات با خطر کمتر برای محیط زیست می باشند. داپینگ Zn بر کاتالیزور WO₃ نیز می تواند شکاف نوری کاتالیزور را کاهش دهد و در نتیجه جذب نور را افزایش داده و سطح بزرگ تری برای تماس با نور ایجاد کند که باعث فعال شدن کاتالیزور در طیف نور مرئی می شود. در این مطالعه از روش (RSM) یا سطح-پاسخ با استفاده از نرم افزار R به عنوان ابزاری برای بهینه سازی متغیر های مقادیر کاتالیزور و غلظت فاوپیروایر، زمان و pH استفاده شد. بر اساس تحلیل ها و نتایج به دست آمده از آنالیزهای ANOVA و رگرسیون، مشخص شد که نتایج ارائه شده بهترین برازش را با مدل کاهش یافته مرتبه دوم دارند. سپس مقادیر بهینه هر یک از پارامترها با روش (solver) تعیین و تأثیر متغیرهای مختلف بر یکدیگر ارزیابی شدند. تحت شرایط بهینه پارامترها (pH، ۴.۹۶، مقدار کاتالیزور، ۲ g L⁻¹، مقدار غلظت ۱۰ mg L⁻¹ Favipiravir، و زمان ۶۰ دقیقه)، حداکثر راندمان حذف (۹۹.۹۹٪) به دست آمد. همچنین ۸۵/۸ درصد معدنی سازی فاوپیروایر در شرایط بهینه، مشاهده شد. آزمایش های کوئچ برای بررسی مکانیسم واکنش انجام گرفت و نتایج نشان داد که رادیکال های اکسیدکننده سوپراکسید و هیدروکسیل نقش اساسی در تخریب فاوپیروایر دارند. با توجه به نتایج ارائه شده، فرآیند مورد استفاده در این تحقیق می تواند مسیرهای جدیدی را برای توسعه و استفاده از کاتالیزورهای هتروژن در تخریب آلاینده های محیط زیست فراهم کند.



نام و نشان پژوهشگر: شاهین آغه میری

رشته تحصیلی: زیست فناوری پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: بررسی اثرات درمانی اگزوزوم های مشتق از سلول های بنیادی مزانشیمی بند ناف انسانی

غنی شده با RNA غیر کد کننده RN٧SK بر سلول های سرطانی انسانی ریه

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۴۷۷

چکیده پژوهش

پژوهش های اندکی به ارتباط مستقیم بین VSK (یک RNA بلند غیر کد کننده با فراوانی بالا) و سرطان پرداخته اند. در این پروژه اثرات ضد سرطانی VSK بر سلول های سرطانی کولورکتال (HT-۲۹) مورد مطالعه قرار گرفت. یافته های ما نشان داد که تیمار سلول های HT-۲۹ با Exo-VSK می تواند منجر به افزایش معنادار سطح VSK، کاهش قابلیت زنده ماندن، کاهش تکثیر سلولی و کاهش مهاجرت سلولی شود. همچنین، انتقال اگزوزومی VSK منجر به کاهش قابل توجه بیان ژن BCL-۲ و افزایش معنادار بیان ژن BAX گردید. این یافته ها نشان می دهد که تحویل اگزوزومی VSK ممکن است آپوپتوز را در سلول های HT-۲۹ را افزایش دهد. در نهایت، نتایج ما نشان می دهد که انتقال VSK با استفاده از اگزوزوم می تواند برخی از فنوتیپ های مرتبط با سرطان کولورکتال را مهار کند.



نام و نشان پژوهشگر: **علیرضا خاتمی**رشته تحصیلی: **ویروس شناسی پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**عنوان پروژه: **بررسی الگوی بیان ژن های (Notch1, 2, 3, 4 و DLL1, 3, 4) در بیماران مبتلا به COVID-19**تاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۱۱/۰۱**شناسه پژوهش: **۱۵۰۳**

چکیده پژوهش

زمینه: از آنجایی که التهاب در بیماریزایی کرونا ویروس ۲۰۱۹ (COVID-19) بسیار مهم است، عوامل التهابی یا مسیر های التهابی که با SARS-CoV-2 تعامل دارند، بسیار با اهمیت می باشد. هدف: هدف از مطالعه حاضر بررسی الگوی بیان ژن های مسیر Notch (Notch1, 2, 3, 4 و DLL1, 3, 4) بین بیماران COVID-19 با افراد سالم و همچنین مقایسه بیان این ژن ها در بیماران مبتلا به COVID-19 با علائم بالینی خفیف، متوسط و شدید می باشد. روش ها: در این بررسی مقطعی شصت و سه بیمار مبتلا به کووید-۱۹ و همچنین بیست فرد سالم وارد مطالعه حاضر شدند. از نمونه خون بیماران و همچنین افراد سالم، سلول های تک هسته ای خون محیطی جدا شد و سپس RNA توتال این نمونه ها استخراج گردید و پس از سنتز cDNA، سطح بیان ژن های انتخابی مرتبط با مسیر Notch (Notch1, 2, 3, 4 و Notch Real Time PCR) و همچنین سطح بیان ژن GAPDH به عنوان کنترل داخلی در نمونه های مورد بررسی، با روش

به کرونا با علائم متوسط افزایش بیان داشتند و میزان بیان ژن های Notch1 و Notch4 در گروه بیماران مبتلا به کرونا با علائم شدید افزایش بیان داشتند. با این حال میزان بیان ژن های (Notch1, 2, 3, 4 و DLL1, 3, 4) در گروه بیماران مبتلا به کرونا با علائم خفیف با گروه کنترل سالم تفاوت معنی داری نداشت. نتیجه گیری: عدم تنظیم ژن های مسیر Notch در بیماران COVID-19، به ویژه Notch1، می تواند به عنوان نشانگر های زیستی امیدوارکننده ای برای نظارت بر COVID-19 باشد.





نام و نشان پژوهشگر: هیمین زارعی

رشته تحصیلی: بهداشت حرفه ای

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: طراحی الگوی پشتیبان تصمیم گیری در مدیریت تیم های عملیاتی بیمارستانی و پیش بیمارستانی در حوادث شیمیایی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۶۲۲

چکیده پژوهش

مقدمه: امروزه محبوبیت استفاده از ابزارهایی که مدیران و تیم های پاسخ را در تصمیم گیری و تصمیم سازی نحوه آمادگی و پاسخ به حوادث یاری می نماید، درحال افزایش است. با توجه به اینکه مدیریت و کنترل حوادث شیمیایی دارای ویژگی های منحصر به فرد می باشد، بکارگیری این ابزار در مدیریت مناسب و کنترل حادثه و کاهش خسارات، تلفات و پیامدها نقش مؤثری دارد و به سازمان های پاسخ دهنده در جهت بهبود تصمیم سازی، ارتقاء عملکرد، کاهش زمان پاسخ و سایر فاکتورهای تاثیرگذار در مدیریت حادثه کمک شایانی می نماید. مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-کاربردی و به روش ترکیبی بوده که با هدف شناسایی مؤلفه ها و طراحی الگوی بومی پشتیبان تصمیم گیری در مدیریت حوادث شیمیایی انجام شد. در این مطالعه با درنظرگرفتن ساختار یک سیستم پشتیبان تصمیم گیری کلیه منابع، متون علمی، نرم افزارها و وب سایت های مرتبط و در دسترس بررسی شد و مؤلفه های استخراج شده با استفاده از میزان تکرار و سپس نظرات خبرگی در جلساتی متشکل از نیروهای عملیاتی سازمان های اورژانس، آتش نشانی کشور مورد بررسی و دسته بندی قرار گرفتند. در گام بعدی مؤلفه ها در پرسشنامه ای جهت اولویت بندی قرار داده شدند و پس از تعیین روایی و پایایی پرسشنامه، مدیران و تیم های عملیاتی که دارای تجارب حضور در حوادث بودند، مؤلفه ها را براساس نقش افراد در دو حیطه مدیریت و عملیات اولویت گذاری نمودند. پرسشنامه ها با استفاده از رویکرد آثروپی و تاپسیس تحلیل و دسته بندی مؤلفه ها تا ۳ زیرلایه جهت تدوین الگوی بومی انجام شد. نتایج: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که از ۷۲ سیستم بررسی شده در قالب بررسی ۱۹مقاله کامل و ۱۴ نرم افزار با دسترسی کامل، با درنظرگرفتن گروه های هدف، بالاترین درصد نرم افزارهای بررسی شده مربوط به کاربران تیم های اورژانس و پس از آن تیم های آتش نشانی و حراست بود. همچنین ۹۳ درصد سامانه ها به مدیریت حوادث پیش بیمارستانی و ۷ درصد به مدیریت حوادث بیمارستانی مرتبط بوده اند. در بخش تدوین الگوی بومی پشتیبان تصمیم گیری، ۵ دسته اصلی شامل شناسایی مواد شیمیایی، آمادگی، پاسخ، آماد-پشتیبانی و ابزارهای کاربردی به همراه ۲۴۹ زیرمؤلفه شناسایی شدند که با اولویت بندی آنها از دیدگاه مدیران عملیاتی، بخش آمادگی نسبت به سایر مؤلفه ها از بیشترین و ابزارهای کاربردی از کمترین اهمیت برخوردار می باشند. (۲۸ و ۱۱) این درحالی است که از دیدگاه تیم های عملیاتی، گروه پاسخ بیشترین و ابزارهای کاربردی، کمترین اهمیت را نسبت به سایر گروه ها به خود اختصاص داده اند (۳۰ و ۶). نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که در یک سیستم پشتیبان تصمیم گیری درحوادث شیمیایی با رویکرد دو جنبه کاربران و رابط کاربری، از دیدگاه مدیران و تیم های عملیاتی ۵ مؤلفه: شناسایی مواد شیمیایی، آمادگی، پاسخ، لجستیک و ابزارهای کاربردی مهمترین مؤلفه های مورد نیاز تیم های پاسخ می باشند. همچنین نحوه دسترسی به اطلاعات این مؤلفه ها و زیرگروه های آنها به عنوان ابزار تصمیم گیری، در قالب نرم افزار کاربردی است که مستلزم استفاده از بانک های اطلاعاتی دقیق و جامع جهت پشتیبانی از اخذ تصمیمات با کمترین خطای ممکن در شرایط اضطراری می باشد.



نام و نشان پژوهشگر: علی محمد خانی زاده

رشته تحصیلی: فیزیولوژی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه:

بررسی نقش آپی ژنین برحافظه، اضطراب و پرخاشگری به واسطه تغییرات IL-6 و BDNF

در مدل ایزوله اجتماعی در موش صحرایی نر (مطالعه ملکولی، رفتاری و بافت شناسی)

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۶۲۹

چکیده پژوهش

روش تحقیق: مطالعه مورد-شاهدی نوع تحقیق: تجربی روش گردآوری داده ها: این مطالعه بر روی ۴۰ سر موش صحرایی نژاد ویستار با سن ۲۱ روز انجام شد که به طور تصادفی به ۴ گروه و در هر گروه ۱۰ موش تقسیم شدند روش تجزیه و تحلیل داده ها: روش آماری One way ANOVA با نرم افزار SPSS سوالات و فرضیات تحقیق: آیا ایزولاسیون اجتماعی و اسارت و درمان با آپی ژنین موجب تغییر معنا دار اضطراب و رفتارهای پرخاشگرانه و سطح BDNF و IL-6 می شود؟ اهداف تحقیق: بررسی نقش آپی ژنین برحافظه، اضطراب و پرخاشگری IL-6 و BDNF در مدل ایزوله اجتماعی مطالعه ما نشان داد که آپی-ژنین باعث اثرات ضد پرخاشگری، اثرات ضد اضطرابی ($P < 0.01$)، بهبود حافظه ($P < 0.05$) و بهبود شاخص اجتماعی و ترجیحات اجتماعی ($P < 0.01$) می شود. آپیژنین باعث کاهش سطح IL-6 (P)



نام و نشان پژوهشگر: **علیرضا عسگری**رشته تحصیلی: **بیماری های داخلی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**

عنوان پروژه:

تدوین پروتکل مدیریت بالینی مصدومین شیمیایی مواجهه یافته با عوامل شیمیایی صنعتی**خطرناک**تاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۱۱/۰۱**شناسه پژوهش: **۱۶۹۴****چکیده پژوهش**

مقدمه: حوادث شیمیایی صنعتی علاوه بر تحمیل خسارات اقتصادی شدید بر جوامع انسانی و آسیب های جبران ناپذیر زیست محیطی ممکن است تبعات بسیاری برای سلامتی انسان داشته باشد با توجه به سابقه وقوع حوادث شیمیایی صنعتی و آسیب های گسترده مرتبط با سلامت ناشی از آن و نقش اساسی بخش بهداشت و درمان در پیشگیری و کنترل این آسیب ها، نیاز به مداخلات علمی، روش مند، یکپارچه و هماهنگ بیش از پیش احساس می شود. این طرح پژوهشی در پی آن است که برپایه به روز ترین داده های علمی، با توجه به وضعیت آسیب های شیمیایی حاضر کشور، یک پروتکل و راهنمای بالینی برای استفاده کادر بهداشتی و درمانی درگیر این حوادث تدوین نماید. روش کار: ابتدا با همکاری دو مرکز آسیب های شیمیایی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله و سازمان پدافند غیر عامل کشور، ۱۰ عامل شیمیایی انتخاب شد. سپس با جست و جوی علائم بالینی و روش های درمانی هر عامل شیمیایی در پایگاه های داده مرتبط با عوامل شیمیایی شامل CDC, ATDSR, PubChem, NIOSH, OSHA, CHEMM, WISER اطلاعات مربوط به هر عامل شیمیایی استخراج شد و در چهارچوب پروتکل درمانی قرار گرفت. پروتکل ها طبق ابزار نقد راهنماهای بالینی AGREE توسط ۲ کارشناس آسیب های شیمیایی (فوق تخصص ریه) مورد بررسی و تایید قرار گرفت. یافته ها: پروتکل درمانی نحوه مدیریت مصدومین مواجهه یافته با عوامل: استون سیانوهیدرین، برم، کلرواستیل کلرید، کلروسولفونیک اسید، کربن دی سولفید، فسژن، فسفین، فسفر اکسی کلرید، گوگرد دی اکسید و گوگرد تری اکسید در بخش های: مشخصات ماده شیمیایی، تجهیزات حفاظت فردی، اثرات بر بدن انسان، کمک های اولیه و اقدامات درمانی تدوین شد. بحث و نتیجه گیری: پروتکل های تدوین شده و تایید شده بر اساس ابزار نقد راهنماهای بالینی مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی (AGREE Instruments)، جهت استفاده گروه های فوریت های پزشکی، پزشکان و پرستاران شاغل در مراکز درمانی مجاور مراکز صنعتی شیمیایی در اختیار مرکز آسیب های شیمیایی قرار گرفت.



نام و نشان پژوهشگر: اشکان جعفری ملک آباد

رشته تحصیلی: بهداشت حرفه ای

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه:

بهبود شرایط ارگونومیک محیط کار کارکنان و کارمندان یکی از ایستگاه های عملیات انتقال

گاز بر اساس پیاده سازی سامانه ارگونومی مشارکتی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۷۰۶

چکیده پژوهش

اهمیت موضوع: ارگونومی مشارکتی که یک استراتژی ماکرو ارگونومی می باشد و بر بهره گیری از پتانسیل های کارگران و کارمندان برای اجرای بهبودهای ارگونومیک در محیط کار تأکید دارد. ارگونومی مشارکتی می تواند یک تجربه یادگیری برای طراح و دیگر متخصصین فنی باشد. با ایجاد علاقه، درک و تخصص ارگونومی در مشارکت کنندگان و با جلب نظر و تمایل به مشارکت در بین همکاران، راه حل ها می تواند عمومیت پیدا کنند و ارگونومی در کل سازمان جاری شود. مطمئناً اگر افراد در اجرای تغییرات ارگونومی سهیم باشند بهتر قادر خواهند بود در مقایسه با شرایطی که راه حل توسط عامل خارجی طراحی و اجرا شده باشد با تغییر شرایط تطبیق پیدا کنند و محیط کار را برای خود به شکل مناسبی تغییر دهند و از بروز اختلالات جلوگیری کنند. محیط کاری نامناسب باعث بروز اختلالات اسکلتی عضلانی، عوارض روانی و کاهش بهره وری نیروی کار می گردد. و با توجه به اینکه ایستگاه های انتقال گاز دارای وظایف و ریسک فاکتورهای متفاوتی می باشد، و از آنجایی که هیچ مطالعه ای در ایران برای اصلاح کلیه اختلالات و خطرات ارگونومیک کارکنان این ایستگاه ها انجام نشده است، این مطالعه با هدف کاهش ریسک فاکتورهای کاری و بهبود شرایط ارگونومیک محیط کار کارکنان و کارمندان در یکی از ایستگاه های عملیات انتقال گاز بر اساس پیاده سازی سامانه ارگونومی مشارکتی، صورت میگیرد. پیشینه تحقیق: در مطالعه ای با استفاده از تیم های ارگونومی مشارکتی، نشان داده شده است که این تیم ها با تکیه بر روش های حل مسئله قادرند به طور مؤثر در سازمان عمل نمایند. در مطالعه ای به منظور بهبود وضعیت در کارهای اداری، از ارگونومی مشارکتی استفاده شد. در این پژوهش، یک کمیته راهبری و یک تیم کوچک ارگونومی تشکیل و هدایت پروژه و عهده دار و موفق شد بهبودهایی را در محیط کار و طراحی مجدد ارگونومیک به انجام رساند. سهرابی و همکاران در سال ۲۰۲۰ در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که میزان رضایت شغلی قبل و بعد از اجرای مداخلات ارگونومی مشارکتی با وجود افزایش نسبی، تغییر معنی داری نداشت، اما در یکی از مقیاس های آن یعنی جو سازمانی، تغییر معنی داری ایجاد شده بود. همچنین توان بالقوه انگیزشی کارکنان بعد از اجرای مداخله، نسبت به قبل از آن افزایش معنی داری داشت. رستمی و همکاران در سال ۲۰۲۱ در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که اجرای برنامه مداخله ارگونومی در صنعت فولاد به طور قابل توجهی منجر به افزایش بهره وری نیروی انسانی شد. پس از مداخلات، شیوع اختلالات اسکلتی در اکثر نواحی بدن به طور قابل توجهی کاهش یافت. علاوه بر این، این برنامه به طور قابل توجهی سلامت عمومی را بهبود بخشید و خشکی شغلی را در بین کارکنان کاهش داد. روش تحقیق: این مطالعه به صورت تجربی و از نوع مداخله ای بوده که در سال ۱۴۰۱ در منطقه پنج عملیات انتقال گاز (ایستگاه تقویت گاز خاوران) با هدف بهبود شرایط ارگونومیک محیط کار کارکنان و کارمندان این ایستگاه بر اساس پیاده سازی سامانه ارگونومی مشارکتی، صورت گرفت. در این مطالعه، ۸۰ نفر از جمعیت ایستگاه (تقریباً تمام پرسنل) به عنوان جامعه مورد مطالعه قرار گرفتند. مداخله به صورت مشارکتی به اجرا درآمد. به طور کلی مراحل انجام کار به ترتیب به صورت زیر می باشد: ۱- بازاریابی از محیط های کاری و شناسایی ریسک فاکتورها (با مشاهده) ۲- ارزیابی پوسچر مشاغل گوناگون با روش های ارزیابی پوسچر مناسب (روش های ارزیابی ROSA, REBA, OWAS, WISHA) ۳- ارائه پرسشنامه ناسا تی ال ایکس (NASA TLX) و کنترل (CMDQ) به کارکنان و کارمندان جهت ارزیابی بار کاری ذهنی و ارزیابی اختلالات اسکلتی-عضلانی ۴- آموزش افراد به صورت چهره به چهره و ارائه پمفلت و موارد آموزشی به تمام افراد ۵- ایجاد مداخله و اصلاح محیط کار با مشارکت کارکنان. اهم نتایج مطالعه: مشخص گردید که کارکنان در ایستگاه های کاری خود در معرض ریسک فاکتورهای گوناگونی قرار دارند که اغلب آن ها از پوسچر نامطلوب خود فرد در حین انجام کار و چیدمان نامصحیح ایستگاه کاری آن ها ناشی می شود. که می تواند منجر به ایجاد اختلالات اسکلتی-عضلانی، اعمال بار کاری ذهنی بیش از حد و ناراضیاتی شغلی برای آن ها گردد. مهم ترین ریسک فاکتورها شامل: پوسچر نامناسب، کار تکراری، بلند کردن بار، بار کاری ذهنی بود. مشخص گردید که، ایجاد مداخله ارگونومی در بین کارکنان ایستگاه تقویت فشار گاز نتایج مثبتی به همراه داشته است، به طوری که مقایسه نتایج پرسشنامه های NASA TLX و CMDQ، و همچنین مقایسه نتایج ارزیابی پوسچر قبل و بعد از مداخله، نشان از بهبود شرایط کاری کارکنان داشت. نتایج بدست آمده از پرسشنامه CMDQ نشان داد که بیشترین درد در ناحیه کمر افراد بود که ۵۴ درصد افراد را شامل می شد و کمترین گزارش درد برای ناحیه کف پا می باشد. کاهش قابل توجه در سطوح ناراضی در مناطق مختلف بدن بعد از مداخله، نشان دهنده اثربخشی تغییرات اعمال شده در ایستگاه کاری کارکنان است. ارزیابی های CMDQ، هم قبل و هم بعد از مداخلات ارگونومیک، شواهد علمی قانع کننده ای از تأثیرات مثبت این مداخلات بر سلامت فیزیکی کارکنان ارائه می دهد. نتایج حاصل از پرسشنامه CMDQ نشان می دهد که که رویکرد ارگونومی مشارکتی به عنوان یک استراتژی مناسب برای دستیابی به محیط های کاری سالم تر، راحت تر و پربازده تر است. نتایج بدست آمده از پرسشنامه NASA TLX قبل از مداخله نشان داد که، میانگین بارکار ذهنی ۶۲/۹۱±۱۳/۳۳ می باشد، که در این میان مقیاس تلاش و کوشش، نیازمندی های فیزیکی و نیازمندی های ذهنی بیشترین امتیاز را داشته اند. نتایج حاصل از پرسشنامه های NASA TLX حاکی از کاهش قابل توجهی در بار کار فیزیکی، ذهنی و تلاش و کوشش پس از مداخله بود. این کاهش بار کاری ذهنی نشان می دهد که تغییرات ارگونومیک نه تنها راحتی فیزیکی را افزایش داده، بلکه تقاضاهای شناختی کارکنان را در طول وظایفشان نیز کاهش یافته است. چنین نتیجه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا می تواند پیامدهای گسترده ای برای بهره وری کارکنان و رضایت شغلی داشته باشد. یافته های این مطالعه بر مزایای چندوجهی ایستگاه های کاری بهینه سازی شده ارگونومیک تأکید می کند. فراتر از راحتی فیزیکی، مداخلات ارگونومیک این پتانسیل را دارند که هم بار کاری فیزیکی و هم ذهنی را کاهش دهند. این کاهش در بار کاری درک شده می تواند نتایج مثبتی از جمله بهبود بهره وری، کاهش سطح استرس، افزایش رضایت شغلی و محیط کار ایمن تر به همراه داشته باشد. نتایج نشان داد که آموزش مداوم کارکنان در زمینه انجام کار به شیوه های صحیح، همکاری مدیران ارشد و همچنین پیگیری و مشارکت کارکنان جهت انجام کارها به شیوه های درست و شیوه هایی که آموزش دیده اند، نقش به سزایی در کارآمدی مداخله ارگونومی، کاهش ریسک فاکتورهای ایجاد کننده اختلالات اسکلتی عضلانی و همچنین بهبود شرایط ارگونومیک آنها دارد و بهترین روش برای اصلاح محیط کاری و در نتیجه کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی و کاهش بار کاری، مشارکت فعال کارکنان در بهبود ایستگاه های کاری می باشد. تحلیل نتایج: با استفاده از نرم افزار SPSS و ضریب همبستگی اسپیرمن صورت گرفت.



نام و نشان پژوهشگر: احسان خبازیان

رشته تحصیلی: فارماسیوتیکس

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: فرمولاسیون کپسول خوراکی مولتیپیراویتر ۴۰۰ میلی گرم به منظور استفاده در درمان بیماری کووید-۱۹

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۷۶۷

چکیده پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توسعه ای-کاربردی و آزمایش محور بوده و به روش تجربی انجام گردید. داده های حاصل به صورت مستقیم از طریق آزمایش های تجربی در محیط آزمایشگاه بدست آمد و با نرم افزار آماری طراحی آزمون (Design Expert) مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت. هدف اصلی در این مطالعه فرمولاسیون، موفق کپسول خوراکی مولتیپیراویتر ۴۰۰ میلی گرم به عنوان گزینه درمان بیماری کووید-۱۹ در موارد خفیف تا متوسط و در نتیجه کاهش مراجعات به بیمارستان و بستری شدن می باشد. مهمترین مسئله در این پژوهش، بررسی تاثیر نوع و نسبت مواد جانبی در کنار شرایط ساخت بهینه به منظور دستیابی به فرمولاسیونی پایدار بود و فرض بر این بود که نسبت ماده بهم چسباننده مهمترین تاثیر را در ایجاد فرمولاسیونی پایدار خواهد داشت و شرایط ساخت در دمای اتاق و به کار گیری روش گرانولاسیون مرطوب می تواند در نهایت منجر به ایجاد فرمولاسیونی پایدار گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که فرمولاسیون پیشنهادی که بر اساس آنالیز آماری و تغییر متغیر های مختلف به صورت هدفمند بدست آمد می تواند در طول مدت ۶ ماه در شرایط تعریف شده پایداری یعنی در دمای ۴۰ درجه و رطوبت ۷۵ درصد پایدار باقی بماند و مشخصات خود را همچون میزان محتوای ماده مؤثره و میزان ناخالصی ها در کنار تست های عملکردی همچون انحلال و زمان از هم پاشیدن در محدوده قابل قبول نگه دارد. بنابراین این فرمولاسیون می تواند در آینده به منظور تولید انبوه و در نتیجه رفع نیاز کشور و جلوگیری از خروج ارز مورد بهره برداری قرار گیرد.





نام و نشان پژوهشگر: علی اردکانی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: ارائه ابزار ارزیابی و بررسی اثر مولفه ها اجتماعی سلامت بر بستری شدن در بیمارستان از

دیدگاه بیماران

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۷۹۵

چکیده پژوهش

مقدمه: تأثیر متقابل عوامل اجتماعی موثر سلامت (SDOH) و بستری شدن در بیمارستان اخیراً توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است. زیرا مداخلات هدفمند می تواند وضعیت اجتماعی افراد را بهبود بخشد. این رابطه متقابل از نظر تاریخی در مراقبت های بهداشتی نادیده گرفته شده است. روش: این مطالعه با یک رویکرد جامع در سه فاز مجزا طراحی شد. در فاز اول ما مروری بر مقالات منتشر شده تا ۱ سپتامبر ۲۰۲۲ بدون محدودیت زمانی انجام دادیم. پایگاه های Google Scholar، PubMed، Embase، Web of Science، Scopus و Scholar را جست و جو کردیم تا مطالعات مرتبط را با استفاده از عباراتی که نشان دهنده «عوامل اجتماعی موثر بر سلامت» و «بستری شدن» هستند، بیابیم. بررسی مرجع رو به جلو و عقب برای مطالعات وارد شده انجام شد. تمام مطالعاتی که از داده های گزارش شده توسط بیمار به عنوان وسیله ای برای ارزیابی و تعیین ارتباط بین عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و میزان بستری شدن در بیمارستان استفاده می کردند، وارد شدند. فرآیندهای غربالگری و استخراج داده ها به طور مستقل توسط دو نویسنده انجام شد. در صورت عدم توافق، با نویسندگان ارشد مشورت شد. در فاز دوم با استفاده از پنل خبرگان متشکل از یازده تن از خبرگان در حوزه بهداشت و علوم اجتماعی پرسشنامه چند وجهی برای بررسی کامل عوامل اجتماعی موثر بر سلامت تهیه شد. در فاز سوم و در طول ۹ ماه داده از بیماران در بیمارستان های نمازی و شهید فقیهی شیراز جمع آوری شد. همچنین یک ماه پس از ترخیص بیماران از طریق تماس تلفنی درباره وضعیت آنان سوال به عمل آمد. نتایج: در مطالعه مروری، روند جستجوی ما در مجموع ۱۴۸۵۲ مطالعه را بازبینی کرد. پس از فرآیند حذف و غربالگری، هشت مطالعه دارای معیارهای مورد نظر بودند که همه آنها از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ منتشر شده بودند. حجم نمونه مطالعات از ۲۲۶ تا ۵۶۱۵۵ شرکت کننده متغیر بود. هر هشت مطالعه تأثیر امنیت غذایی بر بستری شدن در بیمارستان و شش مطالعه وضعیت اقتصادی را بررسی کردند. در سه مطالعه تحلیل کلاس پنهان برای تقسیم شرکت کنندگان بر اساس خطرات اجتماعی آنها اعمال شد. هفت مطالعه ارتباط آماری معناداری را بین خطرات اجتماعی و میزان بستری شدن در بیمارستان نشان دادند. در فاز جمع آوری داده، از ۲۶۸ بیمار بستری در بیمارستان داده جمع آوری شد. پس از پیگیری بیماران یک ماه بعد از ترخیص مشخص شد ۶۳ نفر (۲۳.۵ درصد) دچار بستری مجدد برنامه ریزی نشده و ۲۲ نفر (۹.۲ درصد) دچار مرگ شده بودند. پس از انجام آنالیز کلاس پنهان و رگرسیون لجستیک مشخص شد در صورت تعدیل برای عوامل مخدوش گر بستری شدن در بیمارستان با دارایی افراد، عوامل مربوط به نظام سلامت، وضعیت مالی، وضعیت سواد، و سلامت روان مرتبط است. نتیجه گیری: افراد با عوامل خطر اجتماعی بیشتر، مستعد بستری شدن در بیمارستان هستند. برای پاسخگویی به این نیازها و کاهش تعداد بستری های قابل پیشگیری، نیاز به تغییر الگو در برخورد با عوامل اجتماعی موثر بر سلامت وجود دارد.



نام و نشان پژوهشگر: تیمور واحدپور

رشته تحصیلی: شیمی دارویی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: پیش بینی فعالیت مهارکننده های آنزیم اپوکسید هیدرولاز محلول با ارائه ی مدل کمی رابطه بین ساختمان فعالیت

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۸۱۰

چکیده پژوهش

روش تحقیق: ۷۶ ساختار مولکولی مربوط به تحقیقات شرکت Boehringer Ingelheim انتخاب و توسط HyperChem رسم و از نظر انرژی بهینه سازی شدند. توصیفگرهای مولکولی مختلف محاسبه و پیش پردازش شدند. توصیفگرهای باقیمانده پردازش و توصیفگرهای با اهمیت برای ساخت مدل کمی رابطه ی بین ساختمان-فعالیت (QSAR) به کار گرفته شدند. مدل های مختلفی به دست آمد که اعتبار آنها بررسی گردید. نوع تحقیق: کاربردی روش گردآوری داده ها: تمامی ساختارهای مولکولی که از سال ۲۰۰۰ تا کنون به عنوان مهارکننده ی آنزیم اپوکسید هیدرولاز محلول گزارش شده بودند توسط مرورگرهای google scholar، pubmed و scopus جستجو و بررسی گردید. یک دیتا ست معتبر متشکل از ۷۶ ساختار مولکولی انتخاب شد. توصیفگرهای مولکولی توسط نرم افزارهای HyperChem، Dragon، ACDLabs محاسبه گردید. پیش پردازش و پردازش توصیفگرها به ترتیب توسط نرم افزارهای V-WSP و MATLAB انجام شد. مدل های مختلف QSAR توسط نرم افزار DTC-QSAR به دست آمد. روش تجزیه و تحلیل داده ها: پارامترهای اعتبارسنجی داخلی از جمله Q_2 (LOO)، SDEP، average R_{2m} (test)، Q_2F_1 ، Q_2F_2 ، average R_{2m} (test)، MAE و R_{2m} (LOO)، Q_2R_{2m} (LOO)، CCC و R_{2m} (test) برای تجزیه و تحلیل مدل های مختلف QSAR و انتخاب بهترین مدل مورد استفاده قرار گرفتند. سؤالات/ فرضیات تحقیق: ۱- انتخاب ترکیبات مهارکننده ی آنزیم اپوکسید هیدرولاز محلول، رسم ساختار و بهینه سازی انرژی آنها امکان پذیر می باشد. ۲- محاسبه ی توصیفگرهای مولکولی، پیش پردازش آنها و انتخاب توصیفگرهای با اهمیت ممکن می باشد. ۳- ساخت مدل های مختلف QSAR و اعتبارسنجی آنها امکان پذیر می باشد. اهداف تحقیق: ۱- انتخاب ترکیبات مهارکننده ی آنزیم اپوکسید هیدرولاز محلول از مقالات معتبر ۲- رسم ساختار ترکیبات انتخاب شده و بهینه سازی انرژی آنها ۳- محاسبه ی توصیفگرهای مولکولی ۴- انتخاب توصیفگرهای با اهمیت ۵- ساخت مدل های مختلف QSAR و اعتبارسنجی آنها جامعه ی آماری تحقیق: مهارکننده های آنزیم اپوکسید هیدرولاز محلول نتایج حاصله از تحقیق: مدل های مختلف QSAR به دست آمد و تمامی پارامترهای اعتبارسنجی آنها بررسی گردید و در نهایت یک مدل حاوی ۴ توصیفگر مولکولی با پارامترهای اعتبارسنجی قابل قبول ارائه گردید.



نام و نشان پژوهشگر: مرتضی کریمی

رشته تحصیلی: چشم پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی قابلیت لنتیکول های اسمایل (SMILE) رسلولار شده با سلول های بنیادی مزانشیمی

تمایز یافته در بهبود آسیب های لایه اندوتلیال قرنیه در مدل حیوانی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۸۴۰

چکیده پژوهش

هدف: ارزیابی نتایج حاصل از جاگذاری سلول های اندوتلیال کشت داده شده بر روی بستر لنتیکول اسمایل (Small Incision Lenticule Extraction (SMILE) دسلولاریزه شده به عنوان بافت Descemet Stripping Automated Endothelial Keratoplasty (DSAEK) در مدل حیوانی خرگوش نیوزیلندی سفید از جهت بررسی پیامدهای بالینی مربوطه. مواد و روش ها: این یک مطالعه animal study Interventional prospective می باشد. در هر دو گروه ۵ خرگوش به عنوان گروه مورد و شاهد در نظر گرفته شد. سلول های اندوتلیال خرگوش بر روی بستر لنتیکول اسمایل که دسلولار شده است، کشت داده شد. در گروه مورد، اندوتلیوم برداشته شد و سپس از طریق روش DSAEK بستر آماده شده ایمپلنت شد. در گروه شاهد، اندوتلیوم برداشته شد و اقدام دیگری انجام نگردید. در انتهای ماه های ۱ و ۳، قرنیه خرگوش ها از نظر عملکرد اندوتلیوم بررسی شد. در معاینه ی بالینی معیار هایی مانند میزان شفافیت قرنیه، واسکولاریزاسیون و میزان واکنش سلولی در اتاق قدامی مورد بررسی قرار گرفت. ضخامت قرنیه با پاکی متری و اسپیکولار میکروسکوپی جهت بررسی تعداد سلول های اندوتلیوم انجام شد و در نهایت قرنیه خرگوش ها جهت بررسی پاتولوژیک به آزمایشگاه ارسال شد. نتایج به صورت توصیفی با ذکر تعداد موارد، درصد و در صورت انجام چند تست با میانگین بیان شد. نتایج: در تصویربرداری قرنیه، پیوندها در عمق مطلوب با یکپارچگی ساختاری مناسب در قرنیه میزبان دیده شدند. در هیستوپاتولوژی، لنتیکول ها با کمترین گسستگی با بافت مجاور به خوبی یکپارچه شدند که این نتایج در ماه سوم نسبت به ماه اول بهتر بود. پس از انجام مداخله در گروه مورد، در ماه اول فقط دو قرنیه حاوی نئوسکولاریزاسیون مرکزی بود که در ماه سوم، فقط یک قرنیه دارای دچار این عارضه بود در حالیکه در گروه شاهد کلیه قرنیه ها دچار نئوسکولاریزاسیون شده بود. در انتهای ماه سوم کلیه قرنیه های گروه مورد بر خلاف گروه شاهد شفافیت مرکزی داشت. در انتهای ماه اول در گروه مورد، ۳ خرگوش دارای سلول های التهابی در اتاقک قدامی بودند که این واکنش التهابی در انتهای ماه سوم در هیچ کدام از خرگوش های گروه مورد مشاهده نگردید. نتیجه گیری: این مدل جدید کراتوپلاستی لایه ای با ایمنی و ادغام زیستی قابل قبولی همراه است. میزان بالای شفافیت قرنیه و بروز کم واسکولاریزاسیون، نتایج مطلوب این مطالعه بودند. بعد از ۳ ماه هیچ واکنش التهابی در اتاقک قدامی این خرگوش ها مشاهده نگردید. لذا این روش نوین انجام DSAEK میتواند بعد از انجام مطالعات تکمیلی و امتحان در مدل های انسانی به عنوان روشی نوین در اندوتلیال کراتوپلاستی مطرح باشد.



نام و نشان پژوهشگر: محمد رستمی

رشته تحصیلی: اتاق عمل

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: بومی سازی و اعتباریابی ابزار ارزیابی آمادگی بحران و ارائه راهکارهای ارتقاء سطح آمادگی بحران در پرستاران اتاق عمل

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۸۶۵

چکیده پژوهش

زمینه و هدف: بحران ها می توانند در هر زمان و مکانی رخ دهند و به اختلال در عملکرد سیستم درمانی منجر شوند. پرستاران به عنوان بزرگترین بخش نظام سلامت نقش مهمی در زمان بحران ایفا می کنند و اغلب اولین حاضران در عملیات امدادسانی در محل بحران می باشند. علیرغم نقش پرستاران اتاق عمل در بحران های مختلف، تجربیات و جایگاه پرستاران اتاق عمل در آمادگی بحران نادیده گرفته شده است. این مطالعه با هدف اعتباریابی ابزار ارزیابی آمادگی بحران و ارائه راهکارهای ارتقاء سطح آمادگی بحران در پرستاران اتاق عمل انجام شد. روش کار: این مطالعه ترکیبی با استفاده از تحلیل محتوای قراردادی در بخش کیفی و مراحل روانسنجی و پایایی ابزار در بخش کمی انجام شد. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از پرستاران اتاق عمل که تجربه درگیری در آمادگی بحران را داشتند، انجام شد. مصاحبه ها به صورت کلمه به کلمه پیاده شدند و با استفاده از تحلیل محتوا قراردادی در نرم افزار مکس کیودا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تامین استحکام و قابلیت انتقال پژوهش از معیارهای گویا و لینکن استفاده شد. پس از انجام تحلیل محتوا، تهیه ی استخر گویه ها بر اساس کدها و طبقات حاصل شده اجرا شد. سپس مراحل اعتباریابی شامل تهیه درفت اولیه، بررسی روایی صوری، بررسی روایی محتوایی، پیش آزمون، ارزیابی روایی سازه با تحلیل عاملی اکتشافی با ۳۰۴ مشارکت کننده و پس از آن ارزیابی پایایی آزمون مجدد با ۳۰ پرستار اتاق عمل انجام شد. نتایج: نتایج تحلیل داده ها در تم عمده "آمادگی بلایا ناکافی به دلیل آمادگی کم رنگ شده و راهکارهای ارتقاء سطح آن" نشان داده شد. ۶ مقوله اصلی و ۱۸ زیر مقوله با توجه به تجربیات آمادگی در برابر بلایای استخراج شد. مقولات اصلی عبارتند از: ۱- دانش و ادراک خود آمادگی بلایا ۲- برنامه های آموزشی و تمریناتی بلایا ۳- آمادگی های تجهیزاتی برای بلایا ۴- آمادگی های مدیریتی - سازماندهی برای بلایا ۵- مهارت های کلینیکال پاسخ به بلایا ۶- توانایی تاب آوری در شرایط پاسخ به بلایا. در مرحله کمی، تحلیل عاملی اکتشافی ۳۰ گویه را در ۵ عامل شامل آشنایی علمی با ساختار و شرح وظایف مدیریت بحران در اتاق عمل، آمادگی تخصصی و عمومی در مواجهه با بحران، هماهنگی بین بخشی در مواقع بحران، آمادگی جهت استفاده از تجهیزات مورد نیاز در مواقع بحران و توانمندی شخصی در مواجهه با چالش های مواقع بحران را استخراج کرد. بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر چندین جنبه در وضعیت آمادگی بلایای پرستاران اتاق عمل در مواجهه با بحران ها را شناسایی کرد. بنابراین مدیران پرستاری می توانند با طراحی استراتژی های موثر و حمایت بیشتر در جنبه های ارتقاء سطح دانشی، آموزشی، آمادگی تجهیزاتی برای مقابله با بحران ها، تقویت برنامه ها و ساختارهای مدیریتی منسجم، تقویت جنبه های مهارتی و تبیین استراتژی های تاب آوری در شرایط بلایا در بهبود سطح آمادگی بلایا پرستاران اتاق عمل و تیم های بلایای سازمان های درمانی گام های اساسی بردارند. ابزار ارزیابی آمادگی بحران پرستاران اتاق عمل، سازگاری درونی خوب، تکرارپذیری کافی و روانسنجی مناسب برای استفاده جهت ارزیابی سطح آمادگی بحران در پرستاران اتاق عمل را نشان داد.



نام و نشان پژوهشگر: سينا صاديان

رشته تحصیلی: رادیولوژی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی ارزش تشخیصی کسر حجم خارج سلولی (fECV) و میزان انهمنت فازپورتال وریدی (VP-ER) در سی تی اسکن مولتی فازیک جهت تخمین شدت فیروز کبدی در مقایسه با یافته های

پاتولوژی در بیماران مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی از سال ۱۳۹۲ تا تابستان ۱۴۰۲

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۹۲۴

چکیده پژوهش

چکیده فیروز کبدی یک پاسخ به آسیب مزمن کبدی است که می تواند منجر به سیروز و نارسایی کبد و افزایش ریسک کانسر هپاتوسلولار کبدی شود. (۱) مطالعات جدید نشان داده اند که فیروز کبدی می تواند در مراحل اولیه قابل برگشت باشد لذا تشخیص زودهنگام و درمان آن می تواند نتایج بسیار مهمی داشته باشد (۲-۴) در حال حاضر بیوپسی کبد بهترین معیار استاندارد در ارزیابی شدت آسیب کبدی می باشد ولی با توجه به تهاجمی بودن آن می تواند ریسک مورتالیتی و موربیدیتی را برای بیمار افزایش بدهد. همچنین اغلب این بیماران نیاز به بیوپسی های مجدد جهت پیگیری و پاسخ به درمان دارند برخی بیماران نیز با توجه به شرایط بالینی آنها امکان انجام این پروسیجر برای بیمار مقدور نیست لذا با توجه به موارد ذکر شده نیاز به یک اقدام غیر تهاجمی جهت ارزیابی شدت فیروز کبدی جهت تشخیص و فالوآپ بیماران مورد نیاز می باشد (۵-۸) روش اجرا: این مطالعه کراس سکشنال شامل کلیه بیمارانی که از سال ۱۳۹۲ تا تابستان ۱۴۰۲ تحت بیوپسی کبد، از راه پوست یا جراحی، به دلیل علل مختلف، مانند پیوند کبد، افزایش سطح آنزیم های کبدی، یا توده های کبدی مشکوک در بیمارستان تحت بررسی قرار گرفتند و در بررسی پاتولوژی اطلاعات در مورد فیروز کبد و شدت آن دارند. نتایج: در مجموع ۹۳ بیمار در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها نشان داد که میانگین سنی افراد مورد مطالعه $47/7 \pm 12/7$ سال، بین ۲۰ تا ۷۲ سال بود که ۵۶/۹ درصد از بیماران مرد بودند. دو گروه فیروز پاتولوژیک توزیع سنی قابل مقایسه ای داشتند و تفاوت معنی داری بین آنها مشاهده نشد. ($P > 0.05$) یافته ها نشان داد که VP-ER و fECV نشانگرهای مفیدی برای ارزیابی درجه فیروز کبد در بیماران با بیوپسی کبد هستند. دقت تشخیصی VP-ER و کسر ECV برای تشخیص فیروز کبدی با استفاده از آنالیز منحنی ROC ارزیابی شد. نتایج نشان داد که VP-ER دارای مساحت زیر منحنی ($CI: 0.95$)، $AUC: 0.664-0.845$ ، 0.763 (AUC) بود، در حالی که کسر ECV دارای $CI: 0.594-0.788$ ، 0.698 AUC بود. آزمون Delong تفاوت معنی داری بین دو روش در تشخیص وجود فیروز کبدی نشان نداد ($P = 0.358$) با استفاده از شاخص Youden، کات آف (p value، 0.50) J Youden's



نام و نشان پژوهشگر: امین رضا آبخو

رشته تحصیلی: رادیولوژی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی ارزش تشخیصی درجه بندی اندولیمفاتیک هیدروپس چهار مرحله ای و سه مرحله ای وستیبول و حلزون گوش و نسبت تقویت پریلیمفاتیک سمت علامتدار به سمت بدون علامت در MRI، برای افتراق بیماران قطعی از احتمالی و افتراق افراد سالم از بیماران قطعی در بیماری منیر

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۱۹۲۶

چکیده پژوهش

زمینه یک ماده حاجب مبتنی بر گادولینیوم (GBCA) قبلاً برای تجسم هیدروپس اندولیمفاتیک (EH) در افراد زنده از طریق استفاده از توالی های ویژه تصویربرداری تشدید مغناطیسی گوش داخلی (MRI) با تزریق داخل وریدی، داخل تمپانیک یا ترکیبی از آنها استفاده شده است. EH با استفاده از الگوریتم های مختلف MRI و تکنیک های تجسم در بیماران منیر (MD) شناسایی و طبقه بندی شده است. اگرچه تکامل تصویربرداری در حال حاضر امکان شناسایی و تعیین کمیت هیدروپس اندولنفاتیک را فراهم می کند، معیارهای تشخیصی بالینی، تنها بر اساس علائم و ارزیابی شنوایی باقی می ماند. برای اینکه بتوان مداخلات درمانی را برنامه ریزی کرد، پیشرفت بیماری را پایش کرد و نتایج درمان را ارزیابی کرد، لازم است بتوان گوش ها را در مراحل مختلف بیماری تشخیص داد. روش درجه بندی نیمه کمی EH در وستیبول یا حلزون فقط بر اساس تصویر MRI از گوش بازرسی شده است و نیازی به مقایسه با گوش کنترل ندارد. بنابراین ما مراحل EH را برای هر دسته گوش از مطالعات وارد شده استخراج کردیم. ما یک تحلیل جدید برای ارزیابی دقت تشخیصی سیستم های درجه بندی EH برای تمایز بین دسته های مختلف گوش انجام دادیم. ما گوش های مطالعات وارد شده را بر اساس معیارهای تشخیصی MD به چهار دسته طبقه بندی کردیم: گوش های قطعی (MD (DMD، گوش های MD احتمالی (PMD)، گوش های بدون علامت بیماران MD (asMD)، و کنترل های طبیعی (NC). با استفاده از کلمات کلیدی، جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Scopus و Web of Science منجر به ۱۷۸۶ عنوان و چکیده شد که برای واجد شرایط بودن بررسی شدند. برای ۳۶۶ مطالعه، متن کامل بازبینی شد و ۶۲ مورد از آنها معیارهای واجد شرایط بودن را داشتند. نتایج تجزیه و تحلیل ما نشان داد که سیستم درجه بندی وستیبولار (G1 cutoff) ناکاشیما حساس ترین ابزار برای تشخیص گوش با DMD و PMD (حساسیت: ۸۸٪ و ۶۶٪) بود. با مقدار cutoff در G2، برای تمایز گوش های PMD از گوش های DMD (ویژگی: ۷۴٪) و گوش های NC از گوش های دیگر (ویژگی: ۹۳٪) بسیار دارای ویژگی تشخیصی بالا بود. سیستم Bernaerts دومین ابزار حساس برای تشخیص گوش با DMD (حساسیت: ۸۷٪) بود. سیستم درجه بندی وستیبولار Barath (G1 cutoff) برای تشخیص گوش های asMD (ویژگی: ۹۵٪) و گوش های NC (ویژگی: ۱۰۰٪) بسیار دارای ویژگی تشخیصی بالا بود. سیستم درجه بندی حلزونی (قطع G1) سیستم باراث دارای بیشترین حساسیت (CI) برای تشخیص گوش با PMD (حساسیت: ۵۶ درصد) بود. با مقدار cutoff در G2، سیستم درجه بندی حلزون Barath برای تمایز گوش های PMD از گوش های DMD (ویژگی: ۷۲٪) و گوش های asMD و NC از سایرین (ویژگی: ۹۸٪ و ۱۰۰٪) بسیار دارای ویژگی تشخیصی بالا بود. سیستم درجه بندی حلزونی (G1 cutoff) گورکف حساس ترین ابزار برای تشخیص گوش با DMD (حساسیت: ۸۹٪) بود. برای تشخیص گوش های مبتلا به PMD از گوش های DMD، SURI بیشترین ویژگی (۷۶٪) را نشان داد. SURI کمترین حساسیت را برای تشخیص گوش با DMD داشت (حساسیت: ۵۷٪). سیستم SURI برای تمایز گوش های کنترل طبیعی از دیگران بسیار دارای ویژگی تشخیصی بالا بود (ویژگی: ۱۰۰٪). نتیجه با انجام یک تحلیل جدید برای ارزیابی دقت تشخیصی سیستم های درجه بندی EH برای تمایز بین دسته های مختلف گوش، عملکرد تشخیصی سیستم های درجه بندی وستیبولار توسعه یافته توسط ناکاشیما، باراث، برنارتز، گورکف و آتی (SURI) و سیستم های درجه بندی حلزونی توسعه یافته توسط ناکاشیما، باراث و گورکف مشخص شدند.



نام و نشان پژوهشگر: وحید محمدی بلبان آباد

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: ارزیابی میزان شیوع درگیری قسمت های مختلف مجرای گوارشی فوقانی، تعیین پروگنوز و عوامل خطر مربوط به آن در بیماری کرون، یک مطالعه ی مروری نظام مند

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۰۸۶

چکیده پژوهش

بیماری کرون یک بیماری التهابی روده است که تمامی مجرای گوارشی را درگیر می نماید و تظاهرات متنوع و زیادی دارد. مطالعات زیادی بر روی تظاهرات بیماری کرون در مجرای گوارشی فوقانی، میزان شیوع و اپیدمیولوژی و عوامل خطر ایجاد این تظاهرات انجام شده است اما در این زمینه هنوز مطالعه ی مروری نظام مند جامعی انجام نشده است و اطلاعات متقنی وجود ندارد. لذا در این پژوهش قصد داریم از طریق یک مطالعه ی مروری نظام مند، میزان شیوع تظاهرات کلی نحوه ی شروع و سن شروع علائم، عوامل خطر و پیامد بیماری را در بیماران کرون با تظاهرات مجرای گوارشی فوقانی با جست و جوی پایگاه های اطلاعاتی

Pubmed, scopus, web of science, Cochran, google scholar, library را مورد سنجش قرار دهیم. مقالات حاصل از جست و جوی پایگاه های اطلاعاتی بالا، با استفاده از استراتژی جست و جوی ذکر شده در مطالعه، به صورت مستقل توسط دو فرد متفاوت مورد ارزیابی قرار گرفته و بر اساس معیارهای ورود و خروج به مطالعه مورد ارزیابی قرار میگیرند. بعد از بررسی سوگیری توسط سیستم نمره دهی boyle و انتخاب مقالات دارای صلاحیت توسط همان دو فرد، اطلاعات مورد نظر مطالعه از مقالات انتخاب شده استخراج و برای تحلیل و بررسی داده ها مطابق مورد نظر مطالعه در اختیار آمار دان قرار می گیرند. با توجه به وجود مطالعات مختلف انجام شده در زمینه تظاهرات و اپیدمیولوژی بیماری کرون در سطح مجرای گوارشی فوقانی و وجود نتایج بحث برانگیز و همچنین نبود مقالات مروری قوی در این زمینه این پژوهش میتواند اطلاعات دقیقی در خصوص بیماران مبتلا به کرون فراهم آورد.





نام و نشان پژوهشگر: عادل سلطانی زاده

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

مرور نظاممند مراجعات غیر ضروری به بخش اورژانس: علل، پیامدها و راهکارها

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۱۲۹

چکیده پژوهش

روش تحقیق: پایگاه های داده داخلی و خارجی منخب مورد بررسی قرار گفتند از مرحله اول غربالگری شامل عنوان و چکیده و مرحله دوم غربالگری شامل بررسی تمام شواهد مقاله های منتخب مرحله قبل، مطالعات نهایی بر پایه معیارهای ورود و خروج به م انتخاب شدند. سس خصوصیات و نتایج هر مقاله استخراج و بر اساس مرور شواهد گذشته و نظرات تیم پژوهش تم ها و زیرمجموعه های آنها جهت ارایه دسته بندی شدند. همچنین تمام مقالات مورد ارزیابی کیفی بر اساس چک لیستهای معتبر قرار گرفتند. (systematic review) نوع تحقیق: مرور نظاممند مطالعات روش تجزیه و تحلیل داده ها: چک لیت استخراج داده ها و نرم افزار MAXQDA اهداف تحقیق: شناسایی علل و پیامد های مراجعات غیر ضروری به بخش اورژانس و راهکارهای کاهش و پیشگیری از آنها سوالات و فرضیات: علل و پیامدهای مراجعات غیر ضروری به بخش اورژانس چه میباشند و چه راهکارهایی برای کاهش و پیشگیری از آنها وجود دارد؟ جامعه آماری تحقیق: تمام مطالعات داخلی و بین المللی که از سال ۲۰۰۰ میلادی به بررسی هدف پژوهش پرداخته اند. نتایج: ۱۱۲ پژوهش که به بررسی علل یا پیامد های مراجعات غیر ضروری به بخش اورژانس یا راهکار های جلوگیری از این مراجعات و کاهش آنها پرداخته بودند انتخاب شدند. مطالعات بسته به علل، پیامد ها و راهکار هایی که ارایه کرده بودند در تم های اصلی و کاربردی تقسیم شدند. این تم ها در بخش علل شامل: ویژگی های دموگرافیک بیماران غیر ضروری مراجعه کننده به بخش اورژانس، سرویس ها و خدمات ویژه اورژانس، علل مربوط به تقاضا و علل حمایتی مربوط به بیماران، در بخش پیامد ها شامل پیامد های مربوط به بیماران، پیامد های مربوط به کارکنان و پزشکان اورژانس و پیامدهای مربوط به بخش اورژانس و سیستم بهداشتی و در بخش راه حل ها شامل برنامه های آموزشی و افزایش آگاهی، برنامه های تنظیمی و قانونی، ساماندهی سازمانی سیستم های بهداشتی، تغییر سبم های تریاز و ارزیابی بیماران و تغییر سبم های پرداختی شد.

نام و نشان پژوهشگر: **مهران ایلاقی حسینی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**عنوان پروژه: **بررسی وضعیت موجود و شکاف های تحقیقاتی حوزه بین المللی سازی آموزش علوم****پزشکی در ایران: مرور دامنه و روش دلفی**تاریخ اجرا: **۱۴۰۰/۱۲/۰۱**شناسه پژوهش: **۲۱۳۰**

چکیده پژوهش

روش تحقیق: پژوهش حاضر در دو فاز شامل مرور دامنه و روش دلفی اجرا گردید، بایکاه های داده داخلی و خارجی جهت بررسی مطالعات حوزه بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی بررسی شدند و فهرستی از کویه های مرتبط با جاش ها، راهکارها و شکاف های پژوهشی بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی در ایران تدوین شد. سپس ضمن مصاحبه با هشت نفر از خبرگان و صاحب نظران حوزه بین المللی سازی آموزش پزشکی کویه ها مورد بررسی و نهایی سازی قرار گرفتند. نوع تحقیق: مرور دامنه و روش دلفی روش گردآوری داده ها: بررسی بایکاه های داده داخل و خارج از کشور، مصاحبه با خبرگان و سه راند روش تجزیه و تحلیل داده ها: نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ با استفاده از شاخص های آمار توصیفی اهداف تحقیق: تعیین وضعیت موجود و شکاف های بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی ایران در حوزه جالش ها، راهکارها و اولویت های پژوهشی سوالات و فرضیات: جالش های اصلی. راهکارها و اولویت های پژوهشی های بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی ایران چه مستند؟ جامعه آماری تحقیق: خبرگان و صاحب نظران حوزه بین المللی سازی آموزش پزشکی در ایران نتایج: طی مرور دامنه، مجموعه پژوهش در حوزه بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی در ایران شناسایی و بررسی شد و ضمن بررسی مطالعات خارج از کشور و مصاحبه با خبرگان در راند شروع (opening round) دلفی، جک لیست نهایی شامل ۱۵۱ کویه در سه دامنه شامل "جالش ها و موانع بیش روی بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی در ایران" (۶۵ کویه)، "راهکارهای بین المللی ساز آموزش علوم پزشکی در ایران" (۶۹ کویه) و "اولویت های پژوهشی حوزه بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی با توجه به شکاف های پژوهشی موجود" (۱۷ لویه) سازماندهی شد. پس از دو راند دلفی، در دامنه جالی ها و موانع پیش روی بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی در ایران. مجموعاً ۲۵ کویه در قالب جالی های اقتصادی، سیاستگذاری آموزش عالی. امنیتی و سیاست خارجه، فرهنگی مذهبی، آموزشی، پژوهشی، زیرساختی و ارتباطات و حوزه منابع انسانی به عنوان اصلی ترین موانع بین المللی سازی آموزش پزشکی در ایران معرفی شدند. در دامنه راهکارهای بین المللی سازی آموزش علوم پزشکی در ایران، مجموعاً ۴۱ کویه در قالب راهکارهای سیاست گذاری. اقتصادی. پژوهشی، حوزه منابع انسانی، فرهنگی. راهکارهای آموزشی و راهکارهای زیرساختی و ارتباطات معرفی شدند. در دامنه اولویت های پژوهشی حوزه بین المللی سازی آموزش پزشکی با توجه به شکاف های پژوهشی موجود، مجموعاً ۸ کویه به عنوان اولویت های پژوهشی حوزه بین المللی سازی آموزش پزشکی ایران از دیدگاه خبرگان معرفی شدند.



نام و نشان پژوهشگر: محمد شیروانی

رشته تحصیلی: چشم پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: ارتباط ضخامت لایه فیبر عصبی شبکیه (RNFL) و یافته های گاز خون شریانی (ABG)

با پیش آگهی بینایی در نوروپاتی بینایی ناشی از متانول: یک تحلیل گذشته نگر با

پیگیری ۱۲ ماهه

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۱۵۰

چکیده پژوهش

روش و نوع تحقیق: این یک مطالعه مشاهده ای گذشته نگر با ۱۲ ماه پیگیری است. روش گردآوری داده ها و جامعه آماری: بررسی سوابق و مدارک پزشکی کلیه بیماران مبتلا به مسمومیت با متانول بستری در بیمارستان علی اصغر شیراز از اسفند ۱۳۹۸ تا فروردین ۱۳۹۹ با اختلال بینایی انجام شد. همه بیماران در زمان مراجعه و ۱۲ ماه بعد توسط چشم پزشک معاینه کامل شدند. یک رکورد دقیق از شروع بررسی های آزمایشگاهی، علائم و نشانه ها، و تاریخچه چشمی و سیستمیک مستقیماً از بیماران یا از بستگان بیماران بدحال به دست آمد. وضعیت بینایی (به طور جداگانه در هر چشم) در زمان مراجعه و ۱۲ ماه بعد و همچنین معاینه چشمی شامل BCVA، واکنش مردمک، یافته های معاینه فوندوس گشاد شده و نتایج RNFL OCT در فرم های انتزاعی استاندارد شده ثبت شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها: تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS (نسخه ۲۱) انجام شد. سؤالات/ فرضیات تحقیق: بین شدت اسیدوز اولیه با میزان دید بیماران ۱ سال بعد ارتباط معناداری وجود دارد. هدف: هدف از این مطالعه بررسی پیامدهای اختلال بینایی در موارد مسمومیت با متانول و گزارش ارتباط داده های اولیه آزمایشگاهی و تصویربرداری با حدت بینایی نهایی و ضخامت RNFL بود. نتایج حاصله از تحقیق: در مجموع ۶۱ شرکت کننده با مسمومیت حاد با متانول در این مطالعه وارد شدند. میانگین سنی بیماران 31.18 ± 9.66 سال (محدوده ۱۸-۵۴ سال) بود که ۹۱۸ درصد آنها مرد بودند. ضخامت لایه فیبر عصبی شبکیه (RNFLT) در نواحی مختلف در زمان پذیرش (آزمایش اول) و ۱۲ ماه بعد (امتحان دوم) برای همه شرکت کنندگان اندازه گیری شد. تفاوت بین معاینات در تمام مناطق از نظر آماری معنی دار بود و ضخامت کاهش یافت. در مقابل، حدت بینایی (LogMAR) در هر دو چشم نسبت به معاینه اول بهبود یافت (مقدار p کوچکتر از ۰.۰۰۰۱). بین RNFLT اولیه و PH خون شریانی و میزان بی کربنات سرم در هنگام پذیرش در تمام مناطق همبستگی منفی وجود داشت (مقدار p کوچکتر از ۰.۰۵). بین RNFLT در معاینه دوم (پس از ۱۲ ماه) و PH خون شریانی و میزان بی کربنات در بدو بستری (مقدار p کوچکتر از ۰.۰۵) در همه مناطق همبستگی مثبت مشاهده شد. بر خلاف PH و بی کربنات، بین RNFLT در آزمون اول و شکاف آنیون اولیه همبستگی مثبت وجود داشت. همچنین، حدت بینایی با PH اولیه و بی کربنات همبستگی منفی و با شکاف آنیون اولیه در هر نقطه زمانی همبستگی مثبت داشت (مقدار p کوچکتر از ۰.۰۵).



نام و نشان پژوهشگر: علی اکبری

رشته تحصیلی: علوم تشریح / آناتومی /

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه:

تدوین برنامه سلامت باروری و جنسی مردان جوان: یک مطالعه ترکیبی متوالی اکتشافی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۲۱۲

چکیده پژوهش

مقدمه: با اینکه مردان نیمی از جمعیت فعال جامعه را تشکیل می دهند اما وضعیت بهداشت باروری و جنسی مردان کمتر مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. تحقیقات نشان می دهند اغلب مردان آگاهی کمی درباره بهداشت باروری و جنبه های مختلف آن دارند. تا پیش از کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه در قاهره در سال ۱۹۹۴، برنامه های تنظیم خانواده منحصر بر رفتار های باروری زنان متمرکز بود و جایگاه مردان در این برنامه ها محدود به مواردی مانند پیشگیری از بارداری و یا تشخیص و درمان عفونت های مقاربتی می شد. عدم وجود برنامه های مراقبتی مختص مردان از یک سو و عدم تمایل مردان برای مشارکت در این برنامه های بهداشتی از سوی دیگر منجر به ایجاد نوعی بحران در زمینه بهداشت باروری مردان شده است. هم چنین تحقیقات نشان داده است کارکنان بهداشتی تمایل کمتری برای مشاوره دادن به مردان در مورد برنامه های سلامت جنسی دارند بنابر آنچه که گفته شد و با در نظر گرفتن این موضوع که با وجود تمامی تحقیقات محدودی که به منظور نشان دادن موضوع سلامت باروری و جنسی در مردان صورت گرفته اند، در ایران تاکنون برنامه ای جامعی در رابطه با سلامت باروری مختص مردان، به ویژه مردان جوان و در اوج سنین باروری وجود ندارد. لذا با توجه به ضرورت اصل برنامه ریزی و سیاست گذاری پیش از هر گونه اقدام عملیاتی، تدوین یک برنامه جامع که در برگیرنده نیازهای سلامت باروری و جنسی مردان جوان است، ضروری می باشد. روش پژوهش: هدف این مطالعه تدوین برنامه سلامت باروری و جنسی مردان جوان می باشد به همین جهت از چندین مرحله جهت رسیدن به هدف مذکور به شرح زیر استفاده گردید: مرحله اول: انجام یک مطالعه کیفی جهت نیازهای سلامت باروری و جنسی در مردان جوان، عوامل تسهیل کننده و بازدارنده و نیز راهکارهای تأمین سلامت باروری و جنسی برای مردان جوان. مرحله دوم: مرور مطالعات در زمینه برنامه های سلامت باروری و جنسی در مردان جوان مرحله سوم: تعیین راهکارهای برنامه، ارزیابی و اولویت بندی آنها با استفاده از داده های به دست آمده از مطالعه کیفی. مرحله چهارم: تدوین برنامه بر اساس مرتبه اولویت راهکارهای حاصل از مطالعه کمی یافته ها: تحلیل داده های کیفی، منجر به شکل گیری دوازده طبقه اصلی گردید که شامل عالم بی خبری، غنچه نوشکفته، خورشید پشت ابر نیمه، اشکال در سیستم آموزشی، نقش خانواده، آموزش: چرا و چگونه؟، موانع، شناخته ها و ناشناخته ها، تقابل امروز و دیروز، ذائقه جنسی، ریسک پذیری، خط آغاز بود. همچنین با ادغام یافته های بخش کیفی و مرور متون، برنامه با نگاهی راهبردی و مبتنی بر تجزیه و تحلیل تدوین گردید. نتیجه گیری: ادغام داده های مطالعه ترکیبی، حاکی از آن است که ما با چالش هایی در ابعاد شخصی، خانوادگی، فرهنگی، سیاسی، قانونی و فقدان منابع انسانی توانمند و هماهنگ، زیر ساخت ها و منابع مالی در زمینه سلامت جنسی و باروری مردان روبه رو هستیم. جلب مشارکت مردان جوان و هم چنین سیاست گذاران در سطوح مختلف سازمانی به جهت اجرا و عملیاتی سازی برنامه پیشنهادی می تواند نقش کلیدی و اثر گذاری در راستای ارتقای سلامت باروری و جنسی مردان داشته باشد. برنامه حاضر در پی آن است که با تدوین اهداف و فعالیت های کلیدی، پاسخگوی نیازهای سلامت باروری و جنسی در مردان جوان باشد و با بهره گیری از ابزار های مختلف در ابعاد شخصی، اجتماعی و فرهنگی و هم چنین فراهم سازی بستر و زمینه های مناسب در ساختار سیستم خدمات سلامت فعلی به حفظ و ارتقا سلامت باروری و جنسی مردان جوان کمک نماید



نام و نشان پژوهشگر: حمید نیکخو

رشته تحصیلی: ایمنی شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی بیان مولکول های آسپروسین (asprosin) و لاکتات دهیدروژناز در ریز محیط
توموری بیماران مبتلا به سرطان پانکراس به منظور بررسی پیش آگهی و تغییرات پاسخ

های ایمنی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۲۱۶

چکیده پژوهش

زمینه: سرطان پانکراس به عنوان چهارمین بدخیمی سیستم گوارشی در سطح جهان شناخته می شود که در سراسر جهان به طور پیوسته در حال افزایش است. شواهد نوظهور نشان می دهد که آسپروسین در انواع مختلفی از سرطان های انسانی افزایش می یابد. آسپروسین به عنوان یک نشانگر پیشگویی امیدوارکننده برای تشخیص زودهنگام سرطان پانکراس شناخته شده است. روش کار: مطالعه ی حاضر با هدف ارزیابی سطح بیان پروتئین CD۸ و همچنین ژن های CD۱۵۲، Asprosin، PD-۱، VISTA، و لاکتات دهیدروژناز در نمونه های حاصل از جراحی سرطان پانکراس انجام شد. به ترتیب از ۶۰ نمونه پارافینی تومور پانکراس جهت بررسی الگوی بیان سیتوپلاسم و غشایی CD۸ و ۳۰ نمونه تازه جهت بررسی بیان ژنها استفاده شد. ارزیابی بیان پروتئین CD۸، با تکنیک ایمونوهیستوشیمی انجام گردید و بیان ژن های CD۱۵۲، Asprosin، PD-۱، VISTA، و لاکتات دهیدروژناز با استفاده از روش Real Time PCR مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: نتایج به دست آمده نشان داد بیان ژن های CD۱۵۲، Asprosin، و لاکتات دهیدروژناز به طور معناداری در بافت های توموری پانکراس افزایش می یابد، بیان پروتئین CD۸ با یافته های بالینی و پاتولوژیکی از جمله، درجه ی بدخیمی تومور، مرحله ی تومور، تهاجم تومور ارتباط مستقیم و مثبتی دیده شد. همچنین مراحل پیشرفت تومور با میزان سطح بیان ژن های Asprosin تفاوت معناداری همراه بود. تحلیل کاپلان مایر (نمودار بقا) نیز برای پروتئین CD۸ با خطر پیش آگهی بد بقای اختصاصی بیماری (DSS) همراه بود. نتیجه گیری: نتایج بدست آمده نشان داد که افزایش بیان mRNA / آسپروسین در بیماران سرطان پانکراس دارای اهمیت بالینی است و می تواند با بقای بیمار و پیشرفت بیماری مرتبط باشد.



نام و نشان پژوهشگر: احسان پورقیومی

رشته تحصیلی: علوم اعصاب

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: الگوی نفوذ جریانی آمریکا در ایران بر اساس دیدگاه علوم شناختی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۲۳۲

چکیده پژوهش

مطالعه صورت گرفته از نوع کاربردی است و از طریق داده برداری کیفی اجرا شده است. روش مطالعه، برحسب نیاز، در دومرحله و از طریق دو نوع تحلیل پیش گرفته شد. در مرحله اول به منظور محیط شناسی رسانه صدای آمریکا، از روش فراثلیل کمک گرفتیم و به بررسی مقالات در دسترس در حوزه رسانه صدای آمریکا پرداختیم. در مرحله دوم، از روش تحلیل مضمون برای تحلیل برنامه تبت رسانه صدای آمریکا استفاده کردیم. هدف اصلی مطالعه "الگوی نفوذ جریانی آمریکا در ایران از دیدگاه علوم شناختی" بوده است که، به طور کلی، جهت نیل به آن به بررسی چستی نفوذ جریانی، تفکر و فرآیندهای موثر بر آن و تبیین الگوی نفوذ جریانی رسانه فارسی زبان صدای آمریکا پرداخته شد. نتایج نشان داد که این رسانه، ابتدا با طرح نیازهای افراد جامعه و تشویق مطالبه گری، آنها را در برابر مسئولین و حاکمیت قرار می دهد. سپس با تولید ناامیدی از حل مشکل، جریان دوقطبی را-که در نهایت مردم را در برابر حاکمیت اسلامی و مولفه های آن قرار می دهد ایجاد می کند. هدف نهایی آمریکا از نفوذ جریانی به کمک این رسانه را می توان تولید ناامیدی و خشونت در تمام اقشار جامعه، جداسازی بدنه حاکمیت از مردم، تضعیف نظامی و دفاعی ایران و در نهایت قلمروگستری در غرب آسیا دانست.





نام و نشان پژوهشگر: محمدجواد هنرور

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: تعیین اثر عدم ثبات وزن بر بروز بیماری های قلب و عروق و مرگ و میر در بالغین دیابتی و غیر دیابتی در مطالعه آینده نگر قند و لیپید تهران

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۲۶۴

چکیده پژوهش

هدف: با توجه به شیوع روز افزون چاقی و همچنین نوسانات وزن ناشی از کاهش وزن ناموفق، بررسی تاثیر عدم ثبات (نوسانات وزن) بر بیماری های قلبی عروقی و مرگ و میر بسیار حائز اهمیت است. در جدیدترین مطالعات انجام گرفته در حوزه سلامت، در مورد تأثیر کاهش وزن و نوسانات بدن بر بیماری قلبی عروقی (قلبی-عروقی) و مرگ و میر اختلاف نظر وجود دارد. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر نوسانات وزن بر بروز بیماری قلبی عروقی و مرگ و میر در چارچوب مطالعه قند و لیپید تهران (TLGS) انجام شد. روش: شرکت کنندگان با سن بیش از ۴۰ سال با حداقل ۳ اندازه گیری BMI در این مطالعه وارد شدند. پس از حذف افراد مبتلا به سرطان، بیماری قلبی عروقی، بیماری کلیوی، استفاده از گلوکوکورتیکوئیدها، حاملگی و افراد بدون اطلاعات ثبتی از هر یک از متغیرهای مخدوش کننده، در مجموع ۳۴۶۱ مورد از افراد در مطالعه شرکت داده شدند. شرکت کنندگان به مدت ۱۸ سال پیگیری شدند. نوسانات BMI با استفاده از ریشه میانگین مربعات خطا (RMSE) و میانگین متغیر متوالی (ASV) تعریف شد. در روش RMSE نوسانات BMI با استفاده از بهترین مدل برازش برای روند BMI هر آزمودنی محاسبه شد. مدل های خطر متناسب کاکس چند متغیره برای ارزیابی تأثیر نوسانات BMI بر بیماری قلبی-عروقی و مرگ و میر استفاده شد. نتایج: در میان ۳۴۶۱ شرکت کننده در این مطالعه، گروهی که بیشترین نوسانات وزنی را داشتند، به صورت معناداری خطر بیشتری برای مرگ و میر کلی (HR ۱.۶۵; ۹۵ CI ۱.۲۱-۲.۲۵) ، مرگ غیر قلبی عروقی (HR ۱.۲۴-۲.۵۳; ۹۵ CI ۱.۰۷) و مرگ غیر سرطانی (HR ۱.۷۷; ۹۵ CI ۱.۲۵-۲.۵۰) داشتند. با این حال، نوسانات BMI بر مرگ و میر قلبی تأثیری نداشت. همچنین نوسانات وزن زیاد در بروز بیماری قلبی-عروقی نقش محافظت کننده داشته است (HR ۰.۷۶; ۹۵ CI ۰.۶-۰.۹۷). این یافته ها در مردان، افراد غیر سیگاری، شرکت کنندگان با سن کمتر از ۶۰ سال، BMI کمتر از ۳۰، و روند کاهشی BMI دیده شد. نتایج نشان داد که نوسانات زیاد وزن در افراد دیابتی ریسک ۲.۵ برابری و در افراد غیر دیابتی ریسک ۱.۵ برای مرگ و ایجاد کی کند. جمع بندی: نوسانات بالای BMI با افزایش خطر مرگ و میر کلی، مرگ و میر غیر قلبی-عروقی و غیر سرطانی همراه است. این در حالی است که نوسانات بالای وزن از رخداد بیماری قلبی-عروقی محافظت می کند. استراتژی های مناسب برای حفظ وزن بدن پس از کاهش وزن می تواند برای جلوگیری از تغییر وزن، به ویژه در افراد غیر چاق اتخاذ شود.



نام و نشان پژوهشگر: میلاد غنی زاده

رشته تحصیلی: جراحی دهان و فک و صورت

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه:

تأثیر ترکیب لیزر Nd:YAG و عصاره آلونه ورا و سلول بنیادی مشتق از چربی بر بازسازی استخوان در دیفکت کالواریای موش

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۲۹۰

چکیده پژوهش

با جست و جویی که در منابع علمی و پایگاه های اطلاعاتی صورت گرفت، تا کنون مطالعه جامعی که ترکیب لیزر Nd:YAG، عصاره آلونه ورا و سلول بنیادی مشتق از چربی را ارزیابی کند، انجام نپذیرفته است. لیزر Nd:YAG احتمالا با فعال کردن مسیر سیگنالینگ Bone Morphogenic Protein در استئوبلاست ها خاصیت استئویندکشن دارد. همچنین سبب افزایش تولید استخوان توسط استئوبلاست ها می شود بدون آنکه ساختار استخوان را دچار تغییر نماید. ژل آلونه ورا، سبب القای آزیوژنز شده و با افزایش بیان ژن های $\alpha 1 \beta 1$ integrin و PECAM-1، خصوصیات کلان تولیدی را بهبود می بخشد. آزیوژنز مکانیسم ضروری برای ترمیم هر نوع زخمی است و β -sitosterol موجود در ژل آلونه ورا، القاکنده قوی آزیوژنز محسوب می شود. هدف از انجام مطالعه حاضر، ارزیابی تأثیر ترکیب لیزر Nd:YAG، عصاره آلونه ورا و سلول بنیادی مشتق از چربی بر بازسازی استخوان در دیفکت کالواریای موش است. انتظار می رود نتایج حاصل از این مطالعه سبب بهبود کیفیت استخوان به دنبال انجام گرفت و کاهش مدت زمان انتظار بیماران باری رسان باشد. بنابراین تمامی بیماران با دیفکت های استخوانی از این مطالعه سود خواهند برد. در مطالعه ای Kim و همکاران نشان دادند که لیزر Nd:YAG سبب افزایش استخوان سازی در دیفکتهای ۵ و ۸ میلی متری کالواریای موش و خرگوش می گردد(۱). در مطالعه حاضر، علاوه بر لیزر، از عصاره آلونه ورا و سلول های بنیادی نیز استفاده خواهد شد. Wang و همکاران در مطالعه ای نشان دادند که ترکیب لیزر کم توان و سلول بنیادی مشتق از چربی، سبب بهبود ترمیم استخوان در کالواریای موش میشود (۲). در مطالعه حاضر، علاوه بر سلول بنیادی، از عصاره نیز استفاده خواهد شد. در ضمن نوع لیزر از کم توان به لیزر Nd:YAG تغییر می یابد. در مطالعه Fekrazad و همکاران، Low level laser therapy در رزتراسیون استخوان کالواریای خرگوش تأثیر داشت اما اثر سینرژیک بین لیزر و سلول های بنیادی مشتق از مغز استخوان دیده نشد(۳). در مطالعه حاضر از سلول های بنیادی مشتق از چربی استفاده خواهد شد، چرا که با محدودیت محل نمونه برداری مواجه نیستند و لذا به وفور از خارج بافت مفصل قابل برداشت می باشند و به لحاظ فراوانی و همچنین قدرت تکثیر بالا سلولهای مناسبی جهت درمان هستند. از طرفی بدست آوردن BMSC ممکن است با عوارض جانبی از قبیل عفونت محل یا سیتی سمی همراه شود. در مطالعه SOARES و همکاران، ترکیب عصاره آلونه ورا در ترکیب با سلول بنیادی مشتق از پالپ دندان سبب کاهش التهاب و افزایش سرعت ترمیم استخوان در دیفکت استخوان تیپای موش شد(۴). در مطالعه حاضر از سلول های بنیادی مشتق از چربی استفاده خواهد شد، چرا که سهل الوصول تر از سلول بنیادی مشتق از پالپ دندان است. همچنین لیزر نیز به ترکیب فوق اضافه می شود. در این مطالعه تجربی آزمایشگاهی، تعداد ۶۰ رت بر اساس معیارهای ورود و خروج از مرکز انیستیتو پاستور ایران خریداری و وارد مطالعه شدند. ۲۰ رت جهت استخراج سلولهای بنیادی با دوز کشنده کتامین و ۱۰ میلی گرم زایلازین کشته شد. ۵۸ رت دیگر به طور مساوی و بصورت تصادفی به ۱۰ گروه تقسیم شدند و انجام جراحی تا جایی ادامه یافت که در هر گروه تعداد ۴ رت زنده و سالم بمانند. در گروه ۱ لیزر Nd:YAG، در گروه ۲ سلولهای بنیادی مشتق از چربی، در گروه ۳ عصاره آلونه ورا، در گروه ۴ ترکیب لیزر Nd:YAG و سلول بنیادی مشتق از چربی، در گروه ۵ ترکیب لیزر Nd:YAG و عصاره آلونه ورا، در گروه ۶ ترکیب سلول بنیادی و عصاره آلونه ورا، در گروه ۷ ترکیب لیزر Nd:YAG، سلول بنیادی و عصاره آلونه ورا به کار می روند. در گروه ۸ دیفکت خالی، در گروه ۹ دیفکت ژل فوم و در گروه ۱۰ ژل فوم و لیزر بود. تحت بیهوشی پوست ناحیه کالواریا ضدعفونی شده و برشی در امتداد درز ساجیتال به طول ۵ سانتی متر ایجاد شد. سپس پریوستوم کنار زده شد و با استفاده از فرز ترفاین، دیفکتی به قطر ۸ میلی متر در ناحیه لترال سوچور میدساجیتال ایجاد شد. سپس بر اساس گروه بندی (گروه ۱ تا ۱۰)، مداخله مورد نظر انجام و ناحیه در دو لایه بخیه شد. ۲۴ ساعت بعد از اتمام جراحی، لیزر تریابی بر اساس معیارهایی که در بالا شرح داده شد، در هر یک از نمونه های گروه ۱ و ۴ و ۷ و ۱۰ آغاز گردید. لیزر تریابی در روز های شنبه، دوشنبه و چهارشنبه به مدت دو هفته و بعد از ۷ جلسه تکرار شد. ۳ ماه بعد از جراحی تمامی نمونه های مورد مطالعه، تحت سی تی اسکن قرار گرفتند تا عدد هانسفیلد گروه های مختلف مطالعه در مقاطع اگزیال و کروئال و ساجیتال تعیین و مقایسه گردند. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تابش لیزر Nd:YAG، با طول موج ۱۰۶۴ نانومتر و توان ۷۵۰ میلی وات، پالس ریت ۱۵ pps، زمان تابش کلی ۶۰ ثانیه و توتال فلوننس ریت ۳۴۴ ژول بر سانتی متر مربع، در فاصله ۲ تا ۲ سانتی متری از پوست رت به تعداد ۷ جلسه (۳ جلسه در هفته) سبب بهبود ترمیم استخوان در دیفکت کالواریای موش نسبت به گروه کنترل گردید. کاربرد سلول های بنیادی نیز چنان تأثیری داشت. ترکیب لیزر، عصاره و سلول بنیادی، تأثیر کمتری نسبت به دو گروه دیگر داشت. البته در مطالعه حاضر به دلیل فاکتورهای مداخله گر و تعداد زیاد گروه های مورد مطالعه، از نمونه های کمتری استفاده شد. پیشنهاد می گردد در مطالعات مشابه، از ۳ گروه برتر در این مطالعه با تعداد نمونه بیشتر، جهت مقایسه دقیق تر استفاده گردد.



نام و نشان پژوهشگر: نوید ظفری قدیم

رشته تحصیلی: فیزیک پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: **تاثیر رادیوتراپی پروفیلانکتیک مغز با دز ۱۸ گری بر عود مجدد بیماری و روند رشد کودکان مبتلا به لوسمی لنفوبلاستیک حاد**

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۳۲۶

چکیده پژوهش

زمینه: لوسمی لنفوبلاستیک حاد (ALL) Acute Lymphoblastic Leukemia شایع ترین بدخیمی در دوران کودکی است. رادیوتراپی پروفیلانکتیک یکی از روش های مورد استفاده در مسیر درمان کودکان مبتلا به ALL می باشد. به نظر می رسد با وجود افزایش بقا، ۸۰ درصد مبتلایان بعد از درمان دچار عوارض دیررسی می شوند که روند رشدی و کیفیت زندگی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد. اهداف: ارزیابی معیارهای رشد قدی، وزنی، شاخص توده بدنی و میزان مرگ و میر در کودکان مبتلا به لوسمی لنفوبلاستیک حاد که تحت رادیوتراپی پروفیلانکتیک مغز با دز ۱۸ گری قرار گرفته اند. روش ها: در یک بررسی جامع، معیارهای رشدی ۷۹ کودک مبتلا به ALL بین ۱ تا ۱۲ سال که تحت درمان شیمی درمانی به تنهایی و یا توام با رادیوتراپی پروفیلانکتیک (۱۸ گری) قرار گرفته بودند، ۱ تا ۵ سال پس از اتمام درمان آنها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد کودکانی که علاوه بر شیمی درمانی، تحت درمان رادیوتراپی پروفیلانکتیک مغز نیز قرار گرفته اند در مقایسه با آنهایی که فقط شیمی درمانی شده اند به صورت معنی داری قد (p مساوی ۰/۳۸) و وزن (p مساوی ۰/۰۲) کمتری دارند. این در حالیست که همین اثر در مورد شاخص BMI برای گروه های پرتودیده و کنترل مشاهده نشد (p مساوی ۰/۴۲). همچنین آنالیزهای آماری نشان دادند که اختلافات دو گروه از منظر میزان مرگ و میر معنی دار بود (p مساوی ۰/۰۴۳) و در مورد عود بیماری معنی دار نبود (p مساوی ۰/۸۳۲). در نهایت با توجه به شیوع کوتاهی قد و کاهش وزن در بیماران رادیوتراپی شده، توجه به روند رشد و انجام اصلاحاتی در شیوه ی درمان جهت افزایش کیفیت زندگی آنان مهم می باشد.





نام و نشان پژوهشگر: محمد حسین رضی زاده

رشته تحصیلی: ویروس شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه:

بررسی و مقایسه لاکتوباسیلوس های جداسده از مدفوع افراد چاق دیابتی و غیر دیابتی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۳۴۵

چکیده پژوهش

روش تحقیق: بیماران درمان با شاخص توده بدنی بالای ۳۰ و افراد سالم با شاخص توده بدنی کمتر از ۲۵ را به عنوان گروه کنترل وارد مطالعه شدند. از روش واکنش زنجیره ای پلیمرز برای بررسی وجود لاکتوباسیلوس های اسیدوفیلوس و رامنوسوس و بیفیدوباکتر بیفیدوم در بیماران انجام شد. تجزیه و تحلیل های آماری با استفاده از SPSS نسخه ۲۶.۰ انجام شد. نوع تحقیق: این مطالعه از نوع مورد شاهدهی بالینی می باشد. روش گرد آوری داده ها: نمونه ها از بیماران مراجعه کننده به کلینیک چاقی بیمارستان رسول اکرم تهران تهیه گردید. سوالات و فرضیات تحقیق: ۱. گونه های شایع لاکتوباسیلوس در مدفوع افراد با وزن نرمال غیر دیابتی کدامند؟ ۲. گونه های شایع لاکتوباسیلوس در مدفوع افراد چاق غیر دیابتی کدامند؟ ۳. گونه های شایع لاکتوباسیلوس در مدفوع افراد چاق دیابتی کدامند؟ اهداف: این مطالعه با هدف تعیین اینکه آیا شیوع این سویه های باکتریایی با پیامدهای سلامت متابولیک در این جمعیت مرتبط است یا خیر، انجام شد. جامعه آماری تحقیق: تعداد ۲۴۰ نفر به مطالعه وارد شدند. نتایج: شیوع کمتر لاکتوباسیلوس ها در بیماران نشان می دهد که این سویه های باکتریایی می توانند باعث کاهش احتمال ابتلا به چاقی و دیابت شوند.





نام و نشان پژوهشگر: پارسا نظریان

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

شناسایی ژن های مرتبط با انفیلتراسیون سلول های T در تومورهای آدنوکارسینوم پانکراس

با استفاده از آنالیز سلول به سلول اطلاعات توالی های RNA

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۳۵۴

چکیده پژوهش

زمینه: آدنوکارسینوم داکتال پانکراس (PDAC) در صورت بروز یکی از کشنده ترین بدخیمی های بدن انسان در سراسر دنیا به شمار می رود. با وجود اینکه روش های ایمونوتراپی برای درمان برخی سرطان های دیگر موفق بوده اند، در مورد سرطان پانکراس تا حد زیادی ناموفق بوده اند. سرطان پانکراس با ریزمحیط ناهمگن و پیچیده ای شناخته می شود که با دسموپلازی فراوان و سرکوب ایمنی ضد تومور مشخص می گردد. سلول های متنوعی از سیستم ایمنی نظیر سلول های T، B، T_H1، T_H2، T_H17، T_{reg} و نوتروفیل ها در ریزمحیط سرطان پانکراس وجود دارند اما بسیاری از این سلول ها به فرار تومور از پاسخ ایمنی کمک می کنند. مشاهده شده است که جمعیت سلول های T CD4⁺ با بقای بیماران و پاسخ آن ها به تلاش های ایمونوتراپیک رابطه ی مستقیم دارد. در حالی که برخی دیگر از جمعیت های سلولی مانند T_{reg} FOXP3⁺ و نوتروفیل ها که نقش محدود کننده ی پاسخ ایمنی دارند با بقای بیماران رابطه ی عکس دارند. آنالیز توالی های RNA سلول به سلول ابزاری قدرتمند برای فهم بهتر پیچیدگی ها و ناهمگنی های ریزمحیط سرطان است. در مقایسه با آنالیز توده ای، که با داده های میانگین برای کل تومور کار می کند، آنالیز تک سلولی امکان داشتن بیشه عمیق در سطح ترنسکریپتوم با وضوح تک سلولی است و به ما امکان شناسایی سلول های نادر و شناسایی نشده را می دهد. روش ها: داده های ماتریکس بیان ژنی - سلول برای ۴۵ تومور سرطان پانکراس از ۵ دیتاست دانلود شدند. مراحل کنترل کیفیت سلول ها، نرمالیزاسیون، کاهش ابعاد، خوشه بندی و نامگذاری خوشه ها بر اساس مارکر سلولی به صورت جداگانه بر تک تک تومور ها انجام گردید. نمونه های تومورالی که دارای کیفیت پایین / سلولاریتی پایین بودند حذف شدند و ۳۳ تومور در مطالعه باقی ماندند. تومور ها بر اساس میزان انفیلتراسیون سلول های T CD3⁺ مرتب شدند. تومور های با انفیلتراسیون بالا (گرم) با تومور های با انفیلتراسیون پایین مقایسه شدند. نتایج: ترکیب سلولی تمامی تومور ها مشخص گردید. عوامل مرتبط با میزان انفیلتراسیون سلول های T در سطح ترکیب سلولی تومور، بیان ژنی خوشه های مشترک و وجود خوشه های غیر مشترک شناسایی گردیدند. وجود ماست سل ها در تومورهای گرم، غلبه ی سلول های میلویدی و B عرضه کننده ی آنتی ژن نسبت به سلول های سرکوب کننده ی سیستم ایمنی T_{reg} FOXP3⁺، میلویدی غیر عرضه کننده آنتی ژن و سلول های T فرسوده CXCL13⁺ مشاهده شد. آنالیز افتراقی بیان ژن میان سلول های مشابه از دو گروه سرد و گرم انجام شد و DEG ها ثبت شدند. مسیر های ژنی موثر در سرکوب پاسخ ایمنی نظیر سنتز اکتین، سنتز ماتریکس خارج سلولی و اتصال سلول - سلول در سطح خوشه ها شناسایی شدند.



نام و نشان پژوهشگر: آرش طغیانی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: بررسی تغییرات پروفایل متابولومیکسی ادرار افراد مبتلا به نفروپاتی ناشی از فشارخون در مقایسه با افراد دارای فشارخون و افراد سالم

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۴۰۶

چکیده پژوهش

نفروپاتی پرفشاری خون (HN) یکی از علل اصلی مرحله نهایی بیماری کلیوی و یکی از مهم ترین مشکلات بهداشت عمومی در سراسر جهان می باشد. با این حال، پاتوژنز HN به طور کامل شناخته نشده است، معیارهای تشخیصی فعلی دقت پایینی دارند و روش های تشخیص اولیه برای آن وجود ندارد. از بین لایه های مختلف اومیکس در مبحث زیست شناسی سامانه ها، متابولومیکس پتانسیل زیادی برای کشف نشانگرهای زیستی و اهداف دارویی و اکتشاف مکانیسم بیماری های متابولیک مانند نفروپاتی پرفشاری خون نشان می دهد. متابولومیکس مطالعه جامع متابولوم یک سیستم بیولوژیکی نزدیک به سطح فنوتیپ، به عنوان آخرین مرحله از فرآیندهای بیولوژیکی می باشد و بنابراین می تواند به طور گسترده در مطالعات بیماری های پیچیده مانند HN مورد استفاده قرار گیرد. در این طرح با کمک رویکرد متابولومیکس غیر هدفمند بر مبنای کروماتوگرافی گازی-طیف سنجی جرمی پروفایل متابولوم ادرار را در افراد مبتلا به نفروپاتی پرفشاری خون در مقایسه با افراد دارای فشارخون و افراد سالم به دست خواهیم آورد تا تغییرات متابولوم بیماران به صورت جامع و بدون سوگیری به دست آید. براساس پروفایل متابولیت های تغییر سطح یافته و روشهای غنی سازی مسیر های زیستی، مسیرهای متابولیسمی مؤثر مرتبط با متابولیت های شناسایی شده در بیماری HN شناسایی و مکانیسم های بیمارزایی ارزیابی خواهد شد. علاوه بر این، بر اساس میزان تغییرات بیان، متابولیت های مارکر کاندید که ممکن است در روند تشخیص زودهنگام بیماری کمک کننده باشد شناسایی خواهند شد. و در نهایت با ترسیم شبکه های متابولیتی و شبکه میانکشی پروتئین - متابولیت در این بیماری و تحلیل آن بر مبنای اصول شبکه های زیستی اهداف درمانی کاندید معرفی خواهد شد.





نام و نشان پژوهشگر: احمد شم آبادی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی اثرات ملاتونین بر کیفیت خواب و عملکرد شناختی کارکنان دارای اختلال خواب

متعاقب کار شیفیتی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۴۷۵

چکیده پژوهش

تقریباً یک سوم نیروی کار ساعات کاری نامنظم دارند که در خطر مشکلات سلامتی و کاهش بهره وری قرار می گیرند. این مشکلات به به هم خوردن تنظیم هورمون ملاتونین به علت مواجهه طولانی مدت با نور مصنوعی در ساعات نامتعارف نسبت داده می شود. این مطالعه، اثرات ملاتونین بر کیفیت خواب و عملکرد شناختی کارکنان با اختلال خواب متعاقب کار شیفیتی را بررسی کرد. ۷۲ بیمار با اختلال خواب متعاقب کار شیفیتی به طور مساوی به گروه های ملاتونین (۵ میلی گرم قبل از خواب شبانه بعد از شیفت ها) یا دارونمای همسان به مدت چهار هفته در یک طراحی تصادفی، با گروه موازی، دوسوکور و کنترل شده با دارونما اختصاص داده شدند. بیماران با استفاده از short Pittsburgh Sleep Quality Index (shortPSQI)، Occupational Cognitive Failure Questionnaire (OCFQ) و عوارض جانبی در زمان پایه و هفته های ۱ و ۴ ارزیابی شدند. داده های ۶۵ بیمار آنالیز شدند. مشخصات پایه بین گروه ها قابل مقایسه بود. گروه ملاتونین یک کاهش بیشتر از نظر نمره کلی shortPSQI از پایه تا هفته های اول و چهارم و همچنین از نظر نمره کلی OCFQ تا هفته چهارم نشان داد. به علاوه، اثر تعاملی زمان-درمان بر نمره کلی shortPSQI و همچنین OCFQ معنی دار بود. تنها عارضه جانبی متفاوت بین دو گروه خستگی بود که در گروه دارونما بیشتر بود. ملاتونین به طور ایمن و قابل تحمل از دارونما در درمان بیماران با اختلال خواب متعاقب کار شیفیتی در کوتاه مدت برتر بود. شواهد همچنین اثرات آن را بر بهبود عملکرد شناختی شغلی در میان مدت نشان می دهد.





نام و نشان پژوهشگر: حمیدرضا نیازکار

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی عوامل موثر بر پیش آگهی در خانم های مبتلا به سرطان پستان با استفاده از برنامه نویسی ژنتیک چند ژنی در مرکز تحقیقات بیماری های پستان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۴۸۵

چکیده پژوهش

مقدمه: سرطان پستان یکی از شایع ترین سرطان های جهان می باشد که با توجه به ویژگی های مولکولی متنوع، رفتار بالینی، ظاهر مورفولوژیکی و پاسخ به درمان متفاوتی که دارد، پیش بینی پیش آگهی و پاسخ به درمان آن را بسیار دشوار می کند. در این مطالعه، از برنامه نویسی ژنتیک چند ژنی به عنوان یک ابزار پیشرفته هوش مصنوعی، به منظور تعیین عوامل موثر بر پیش آگهی در خانم های مبتلا به سرطان پستان مرکز تحقیقات بیماری های پستان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، استفاده شده است. مواد و روش ها: مطالعه حاضر به صورت گذشته نگر و بر روی داده های پرونده ۴۴۴۴ بیمار مبتلا به سرطان پستان انجام شده است. داده های دموگرافیک، پاتولوژیک، درمانی و پیامد بقای پنج ساله، نوع عود، و متاستاز به ارگان های مختلف بیماران از طریق سیستم ثبت الکترونیکی اطلاعات مرکز تحقیقات بیماری های پستان دانشگاه علوم پزشکی شیراز جمع آوری گردید. سپس، داده ها نرمال سازی و به طور تصادفی به مجموعه داده های آموزش (دو سوم از کل داده ها) و مجموعه داده های آزمون (یک سوم از کل داده ها) تقسیم شدند. در نهایت، با استفاده از برنامه نویسی ژنتیک چند ژنی، مدل های پیش بینی پیامد بیماران ارائه شدند. همچنین، آنالیز حساسیت برای تعیین اهمیت پارامترهای ورودی مدل های به دست آمده صورت پذیرفت. بحث و بررسی نتایج: برنامه نویسی ژنتیک چند ژنی قادر به پیش بینی پیامد بقای پنج ساله با دقت حدوداً ۹۶ درصد، عود با دقت ۹۰ تا ۹۱ درصد، نوع عود با دقت ۶۷ تا ۹۱ درصد، متاستاز به استخوان با دقت ۹۰ تا ۹۲ درصد، متاستاز به مغز با دقت ۹۸ تا ۹۹ درصد، متاستاز به کبد با دقت ۹۵ تا ۹۸ درصد و متاستاز به ریه با دقت ۹۷ تا ۹۸ درصد می باشد. همچنین، از میان پارامتر های مورد مطالعه، به نظر می رسد نوع جراحی (کوآدرکتومی یا ماستکتومی)، طبقه بندی TNM، مدیریت آگزیلاری، کموتراپی قبل و بعد از جراحی و تعداد غدد لنفاوی درگیر، نقش بیشتری در پیش بینی پیش آگهی بیماران مبتلا به سرطان پستان دارند. نتیجه گیری کلی: از ابزار برنامه نویسی ژنتیک چند ژنی می توان در پیش بینی بقای پنج ساله، عود و متاستاز بیماران مبتلا به سرطان پستان با دقت بالایی بهره جست. همچنین، با توجه به حساسیت نوع جراحی (کوآدرکتومی یا ماستکتومی)، طبقه بندی TNM، مدیریت آگزیلاری، کموتراپی قبل و بعد از جراحی، مدیریت آگزیلاری و تعداد غدد لنفاوی درگیر در مدل های محاسبه شده، ارائه مدل های تصمیم گیری بالینی با استفاده از پارامتر های ذکر شده در مطالعات آینده توصیه می گردد.

نام و نشان پژوهشگر: **علیرضا شریفی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه‌ای (پزشکی)**عنوان پروژه: **مقایسه‌ی نتایج تست‌های عملکردی وستیبولار در نژاد افغانی و ایرانی**تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۴/۰۱**شناسه پژوهش: **۲۵۶۸**

چکیده پژوهش

روش تحقیق: مطالعه‌ی مقطعی - تحلیلی نوع تحقیق: پژوهش بنیادی - کاربردی روش گردآوری داده‌ها: نمونه‌های دردسترس روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون‌های آماری کای دو، تی تست مستقل، تست فیشر و ANOVA در صورت تایید نرمال بودن داده‌ها و در صورت عدم فرض نرمالیتی با استفاده از معادل‌های نان پارامتریک آن استفاده شد. سوالات و فرضیات تحقیق: آیا نتایج تست‌های عملکردی وستیبولار و یافته‌های شرح حال بین دو نژاد افغانی و ایرانی متفاوت است؟ اهداف تحقیق: تعیین و مقایسه یافته‌های شرح حال، معاینات بالینی و تست‌های عملکردی وستیبولار VNG، Vemp، V-HIT بین دو نژاد مذکور

جامعه‌ی آماری تحقیق: افراد با نژاد هزاره‌ی افغانستان و نژاد ایرانی نتایج حاصله از تحقیق: ۳۸ گوش ایرانی و ۳۸ گوش هزاره مورد بررسی قرار گرفتند. در زمینه‌ی یافته‌های اودیومتری و تمپانومتری به غیر از Gradient بین دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشت (مقدار p بزرگتر از ۰/۰۵). در زمینه‌ی تست عملکردی Vemp، تنها مقدار P_1 و P_1-N_1 و در زمینه‌ی یافته‌های تست V-HIT، تنها میانگین Lateral Semi Circular Gain بین دو نژاد با یکدیگر تفاوت معناداری داشت (مقدار p کوچکتر از ۰/۰۵). اما، در زمینه‌ی یافته‌های تست VNG، برای هیچ یک از پارامترهای مذکور در جدول، بین دو نژاد ایرانی و هزاره تفاوت آماری معناداری وجود نداشت (مقدار p کوچکتر از ۰/۰۵).



نام و نشان پژوهشگر: محمود یوسفی

رشته تحصیلی: بهداشت محیط

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی حذف دیازینون (عامل اعصاب شیمیایی) از محلول آبی با استفاده از چارچوب آلای فلزی و گرافن عامل دار شده

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۶۲۳

چکیده پژوهش

ورود دیازینون به منابع آبی به یک مشکل زیست محیطی جدی تبدیل شده است. لذا این مطالعه با هدف بررسی حذف دیازینون از محلول آبی با استفاده از چارچوب آلای فلزی و گرافن عامل دار شده انجام گرفت. این مطالعه در دو فاز انجام گردید. در فاز اول چارچوب آلای فلزی و گرافن عامل دار شده سنتز گردید و مشخصات آن توسط آنالیزهای FTIR، XRD و FESEM مورد بررسی قرار گرفت. در فاز دوم حذف دیازینون با استفاده از جاذب های مورد نظر انجام شد. در این مطالعه، نتایج سنتز جاذب ها بر اساس تکنیک های اشاره شده، مشخص شد که سنتز جاذب ها با موفقیت انجام شده است. بر اساس پیش بینی مدل، شرایط بهینه برای جاذب گرافن عامل دار شده و چارچوب آلای فلزی به ترتیب pH ۶.۶ و ۰.۶، دوز جاذب ۰.۵۹ و ۰.۹۰۶ گرم بر لیتر و زمان تماس ۵۲.۱۵ و ۳۶.۹۶ دقیقه تعیین شد. این شرایط به ترتیب با استفاده از گرافن عامل دار شده و چارچوب آلای منجر به حذف دیازینون ۹۶.۶۹ و ۸۰.۶۲ شد. بررسی معادلات ایزوترم و سینتیک نشان داد که فرایند جذب از ایزوترم فرنللیچ برای هر دو جاذب و سینتیک شبه درجه دوم و اول به ترتیب برای گرافن عامل دار شده و چارچوب آلای فلزی پیروی می کند. بر اساس نتایج بدست آمده، می توان نتیجه گیری کرد که جاذب های سنتز شده کارایی بالایی در حذف دیازینون از محلول های آبی را دارا می باشند. با انجام مطالعات تکمیلی، می توان از این گونه فرایندها جهت تصفیه محلول های حاوی این ترکیب در راستای حفظ محیط زیست استفاده نمود.





نام و نشان پژوهشگر: میلاد رحیم پور خطبه سرا

رشته تحصیلی: فیزیولوژی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه:

بررسی و تهیه مدل‌های حیوانی سرطان و سکنه مغزی استاندارد در حیوانات کوچک

آزمایشگاهی به منظور استفاده در مطالعات پیش بالینی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۶۷۵

چکیده پژوهش

معمولاً ساخت یک محصول پزشکی مانند دارو یا یک دستگاه صنعتی بیمارستانی، از مرحله تولید تا استفاده توسط بیمار و پزشکان، مراحل مختلفی را سپری می‌نماید. در این بین مرحله پیش از بالین خود به چندین بخش تقسیم می‌شود که یکی از مهمترین مراحل آن مطالعات مرتبط با حیوان و طراحی مدل‌های حیوانی می‌باشد. برای مثال اگر محقق ادعا کند که دارویی برای درمان یک بیماری تولید کرده است، می‌بایست نتایج مرتبط با اثر این دارو را حداقل بر یک یا دو گونه حیوانی ارائه کند. بدین منظور، نه تنها اثرات جانبی داروی تولید شده را می‌بایست بررسی کرده باشد، بلکه باید مدل حیوانی استاندارد از بیماری مربوطه در انسان که دارو قرار است برای درمان آن به مصرف برسد، در حیوان ایجاد کرده باشد. از آنجا که سالهاست از حیوان‌های آزمایشگاهی برای بررسی اثرات درمانی و سمیت داروها و واکنش‌های مختلف استفاده می‌شود، مدل‌های حیوانی گوناگونی بوجود آمده است که در بیشتر کشورهای توسعه یافته به شکلی کامل حرفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از بزرگترین مشکلاتی که کشور ما با آن روبروست نه ایجاد مدلی جدید، بلکه ایجاد مدلی مرسوم بصورت استاندارد می‌باشد. برای مثال؛ به منظور ایجاد مدل سکنه مغزی، بارها مشاهده شده است که مدل‌ها از استاندارد کافی برخوردار نمی‌باشند یا به منظور ایجاد یک مدل تعداد بسیار زیادی حیوان از دست رفته است. بدین منظور در این طرح قصد داریم نحوه طراحی یک روش عملیاتی استاندارد (SOP) از سکنه مغزی و سرطان را طراحی و به عنوان خدمات آزمایشگاه جامع پیش بالینی دانشگاه علوم پزشکی تهران ارائه دهیم. این طرح نه تنها به کیفیت مطالعات مرتبط با سکنه مغزی خواهد افزود، بلکه به عنوان یک رفرنس جامع و استاندارد می‌تواند در اختیار محققین کشور قرار گرفته و در طراحی مطالعه آنها کمک کننده باشد.





نام و نشان پژوهشگر: سیدامیر یاسین احمدی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: ارزیابی فناوری سلامت در استفاده از روش های تصویربرداری جهت تشخیص زودهنگام سرطان پستان

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۶۷۶

چکیده پژوهش

مقدمه: اگرچه تاکنون مطالعات ثانویه و شبیه سازی های زیادی در سراسر جهان مبنی بر بررسی شاخص های ارزیابی فناوری سلامت (HTA) در استفاده از روش های تصویربرداری جهت تشخیص زودهنگام سرطان پستان به اجرا درآمده است، نیاز بود تا مطالعه ای متناسب با شرایط کشور ایران به صورت ترکیبی از دو فاز ثانویه و اولیه طراحی و اجرا گردد. روش ها: این مطالعه ای چند روشی (multimethod) در سه فاز با رعایت موارد ذکر شده در گایدلاین (CHEERS ۲۰۲۲) ۲۰۲۲ consolidation health economic evaluation reporting standards به اجرا درآمد. فاز اول مرور کوتاه جهت استخراج مفروضات فرمول های HTA، فاز دوم بررسی اولیه ی پایلت و فاز سوم مدل سازی شاخص های HTA بود. همچنین با توجه به تنوع مفروضات از سناریوهای تحلیل حساسیت استفاده شد. یافته ها: در فاز نخست، نرخ فراخوانی جهت بررسی بیشتر براساس مطالعات گذشته در محدوده ی ۳ تا ۸.۷ درصد بوده است. نرخ شناسایی سرطان (CDR) براساس مطالعات گذشته در محدوده ی ۴.۷ تا ۶.۶ نفر در هر ۱۰۰۰ مورد غربالگری بوده است. در فاز دوم، بررسی پایلت نشان داد که تنها ۴.۹ از بیماران قطعی با کمک غربالگری تشخیص داده شده بودند و مابقی عمدتاً فاقد غربالگری و بعضاً با نتیجه ی منفی غربالگری بوده اند. در فاز سوم، تعداد مورد نیاز برای غربالگری (NNS) محاسبه گردید. به طور خلاصه در بهترین سناریو نیاز است ۲۱۰۴ نفر به طور منظم غربالگری شوند تا از میان آن ها از وقوع یک مورد بیماری با مرحله ی پیشرفته در مقایسه با عدم غربالگری پیشگیری شود. در بدترین سناریو نیاز است ۳۰۳۹۵ نفر به طور منظم غربالگری شوند تا از میان آن ها از وقوع یک مورد بیماری با مرحله ی پیشرفته در مقایسه با غربالگری نامنظم پیشگیری شود. هزینه های لازم براساس NNS های بدست آمده محاسبه گردید. در بهترین سناریو، هر دوره ماموگرافی برای غربالگری منظم ۴۹۴.۹ میلیون تومان هزینه دارد تا بتوان از یک مورد مرحله ی پیشرفته ی بیماری جلوگیری کرد. در بدترین سناریو، بیش از ۱۰ میلیارد تومان لازم است برای هر دوره سونوگرافی غربالگری منظم هزینه نمود تا در مقایسه ی با سونوگرافی غربالگری نامنظم بتوان از یک مورد مرحله ی پیشرفته ی بیماری جلوگیری نمود (این رقم به دفعات تکرار می شود). نتیجه گیری: حساسیت غربالگری در جمعیت مورد بررسی پایین بود که می تواند ناشی از کمبود مشارکت افراد در غربالگری، کمبود پیگیری افراد در مورد گزارش های مشکوک رادیولوژی و نیز به احتمال کمتری کیفیت پایین بررسی های رادیولوژیک باشد. به تبع این حساسیت پایین، دقت بدست آمده نیز پایین بود که برای بهبود آن افزایش بیشتر مشارکت مردمی در غربالگری و پیگیری های پس از آن و نیز افزایش مهارت رادیولوژیست ها پیشنهاد می شود. نتایج بدست آمده برای غربالگری منظم و نامنظم در مقایسه با عدم غربالگری تفاوت بسیاری با نتایج بدست آمده برای مقایسه ی میان غربالگری منظم و نامنظم داشت. نیاز است هزینه های اضافی درمان مرحله ی پیشرفته ی بیماری نیز محاسبه گردد تا معلوم شود که آیا هزینه های غربالگری منظم به صرفه است یا خیر.



نام و نشان پژوهشگر: محمد رضائی زاده روگرد

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: بررسی اپیدمیولوژی کالژیوکارسینوما و ریسک فاکتورهای مرتبط با آن در بیماران

مراجعه کننده به بیمارستان افضلای پور شهر کرمان در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۶۹۱

چکیده پژوهش

مقدمه: کسرهای درخت صفراوی (Biliary tract cancers (BTC)) دسته ای از کسرهای از نوع آدنوکارسینوما هستند که از اپیتلیوم مجاری صفراوی منشأ می گیرند. این کسر ها شامل دو گروه اصلی کالژیوکارسینوما (CCA) و کسرهای کیسه صفراوی هستند. در این مطالعه با بررسی اپیدمیولوژی این بیماری در بیماران مراجعه کننده به شهر کرمان و تعیین میزان پراکندگی آن در سراسر استان کرمان و تعیین ریسک فاکتورهای ایجاد آن در این افراد، برآورد دقیقی از میزان این بیماری به صورت مستند ارائه تا از مورتالیتی و موربیدیتی این بیماری بکاهیم. روش کار: در این مطالعه اطلاعات ۲۱۰ بیمار مبتال به کسر های هپاتوبیلیاری از قبیل کالژیوکارسینوما مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات مکتوب بیماران نظیر سن، جنسیت، محل سکونت، نوع سرطان، مرحله بیماری و نحوه تشخیص می باشد. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS اطلاعات بصورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: نتایج این مطالعه حاکی از آن است که سن تاثیر معنی داری بر فراوانی سرطان های HCC، پانکراس، کیسه صفرا، مجاری صفراوی و پری آمپولری ندارد. فراوانی سرطان های مختلف HCC، پانکراس، کیسه صفرا، مجاری صفراوی و پری آمپولری در جنسیت های مختلف اختلاف ندارد. در سرطان های پانکراس، مجاری صفراوی و HCC، نحوه تشخیص بالینی و در سرطان های پری آمپولری و کیسه صفرا، نحوه تشخیص پاتولوژی بیشترین فراوانی را دارند. مصرف سیگار و تریاک تاثیر معنی داری بر فراوانی سرطان های HCC، پانکراس، کیسه صفرا، مجاری صفراوی و پری آمپولری ندارد و معنی دار بودن تاثیر مصرف الکل بر فراوانی سرطان ها قابل بررسی نبود. درد شکم در سرطان های HCC، پانکراس و کیسه صفرا از علائم شایع است و در سرطان پری آمپولری فراوانی کمی دارد. در موارد ابتلا به سرطان پانکراس، زردی با میزان حدود ۲۱ درصدی، بیشترین فراوانی را در بین سرطان های مورد بررسی دارد میزان خارش در سرطان مجاری صفراوی فراوانی حدود ۱۶ درصد را نشان می دهد که در بین سرطان های مورد بررسی بیشترین مقدار است جمع بندی: فراوانی سرطان های هپاتوبیلیاری در شهر کرمان بالاتر از بقیه شهرستان های استان است و بالاترین فراوانی مربوط به سرطان پانکراس و سپس HCC می باشد. شهرهای رفسنجان، جیرفت و سیرجان در رده دوم تا چهارم از حیث فراوانی سرطان های مختلف قرار می گیرند.



نام و نشان پژوهشگر: سجاد ایرجی

رشته تحصیلی: فناوری تصویر برداری پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه:

تشخیص زودهنگام بیماری آلزایمر با یادگیری عمیق مبتنی بر تصویربرداری تشدید

مغناطیسی عملکردی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۶۹۷

چکیده پژوهش

مقدمه: بیماری آلزایمر (AD) یک اختلال عصبی پیشرونده و غیرقابل برگشت است که باعث زوال حافظه و مهارت های تفکر می شود. برای تشخیص مراحل مختلف بیماری آلزایمر، روش ها و الگوریتم های گوناگونی برای استخراج الگوها از داده های تصویربرداری عصبی به کار گرفته شده است. با این حال، شباهت الگوهای مغزی در افراد مسن و مراحل مختلف بیماری، طبقه بندی این مراحل را برای محققان به چالش کشیده است. مواد و روش کار: در این پژوهش برای اولین بار از معماری شبکه عصبی کانولوشنال الکس نت (AlexNet) برای افتراق بین مراحل مختلف بیماری آلزایمر (فرد سالم (NC)، نگرانی قابل توجه حافظه (SMC)، اختلال خفیف شناختی (MCI) و آلزایمر (AD)) بر روی مجموعه داده های fMRI استفاده شد. این مدل با استفاده از محاسبات با کارایی بالا بر روی GPU پیاده سازی شد. قبل از اعمال هرگونه طبقه بندی، برای اجتناب از هرگونه نویز، افزایش SNR و همچنین کاهش تاثیرگذاری پارامترهای مختلف تصویربرداری، داده های fMRI به طور دقیق پیش پردازش شدند (مراحل پیش پردازش شامل جداسازی مغز، اصلاح حرکت، اصلاح سری زمانی، هموارسازی فضایی، فیلتر بالاگذر، نرمال سازی فضایی و تبدیل تصویر می باشد). سپس تصاویر پیش پردازش شده به عنوان ورودی برای آموزش شبکه ی AlexNet استفاده شدند. نتایج: آزمایش های ما بهبود قابل توجهی را در طبقه بندی تصاویر نشان دادند. دقت متوسط مدل ۹۶/۱۸ درصد بود. مدل خود را روی مجموعه داده های آزمایشی برای ارزیابی دقت هر کلاس آزمایش کردیم و به ترتیب برای SMC، MCI، NC و AD به دقت ۹۵/۸۳ درصد، ۹۳/۹۹ درصد، ۹۴/۷۰ درصد و ۹۶/۵۹ درصد رسیدیم. همچنین مساحت زیر منحنی (AUC) منحنی های ROC را نیز محاسبه کردیم. برای کلاس NC مقدار AUC برابر با ۰/۹۵۱۴، برای کلاس SMC برابر با ۰/۹۵۰۲، برای کلاس MCI برابر با ۰/۹۳۷۰ و در نهایت مقدار AUC محاسبه شده برای کلاس AD برابر با ۰/۹۴۱۰ بود. این مقادیر، نشان دهنده ی ثبات نتایج ما هستند. بحث و نتیجه گیری: ما با استفاده از یک الگوریتم یادگیری عمیق، چهار مرحله مختلف آلزایمر را طبقه بندی کردیم. این روش با موفقیت NC، SMC، MCI و AD را طبقه بندی کرد. دقت الگوی ما نشان دهنده ی نتیجه ای قابل توجه در مقایسه با سایر روش ها برای افتراق مراحل مختلف آلزایمر می باشد، علاوه بر این روش های طبقه بندی قبلی یا برای AD در مقابل NC به صورت طبقه بندی دودویی یا با سه کلاس NC در مقابل MCI در مقابل AD به کار رفته اند. نتایج ما مفید بودن استفاده از این روش را برای طبقه بندی مراحل مختلف بیماری و تشخیص زودهنگام نشان دادند.



نام و نشان پژوهشگر: فرید قربانی نژاد

رشته تحصیلی: ایمنی شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: بررسی تأثیر تیمار با داروی ایورمکتین بر روی بیان فاکتورهای التهابی و ضدالتهابی در سلول‌های دندریتیک مشتق از مونوسیت

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۷۰۰

چکیده پژوهش

سلول‌های دندریتیک قوی‌ترین سلول‌های عرضه‌کننده آنتی ژن هستند و واسطه‌ای مهم بین سیستم ایمنی ذاتی و اکتسابی می‌باشند. ایورمکتین یک داروی ضدانگلی است که توانایی تداخل در مسیرهای سیگنالینگ متعددی را داراست. در این مطالعه پس از تمایز سلول‌های دندریتیک از مونوسیت‌ها و تیمار آن‌ها با داروی ایورمکتین، پروفایل بیان ژن‌های التهابی و ضدالتهابی به همراه مارکرهای سطحی این سلول‌ها با استفاده از روش‌های PCR و فلوسایتومتری انجام گردید. پس از بررسی‌های صورت گرفته این مطالعه نشان داد که تیمار این سلول‌ها با داروی ایورمکتین احتمالاً با تداخل با یکسری مسیرهای سیگنالینگ، باعث تغییر فنوتیپ احتمالی در این سلول‌ها گردیده و بیان فاکتورهای التهابی، ضدالتهابی را به همراه بیان فاکتورهای مرتبط با عملکرد، بلوغ و تمایز این سلول‌ها را تغییر می‌دهد. مطالعات آینده باید با هدف شناسایی مسیرهایی که باعث چنین تغییراتی در این سلول‌ها میشود، انجام گردد.





نام و نشان پژوهشگر: رضا پورقیومی

رشته تحصیلی: رادیولوژی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: تشخیص سن فرد از تصاویر رادیولوژی مچ دست به کمک شبکه های عصبی همراه با یادگیری

عمیق

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۷۱۳

چکیده پژوهش

مقدمه: ارزیابی دقیق سن استخوانی نقش مهمی در تشخیص، درمان و پیگیری انواع اختلالات اسکلتی عضلانی ایفا می کند. به طور معمول، برای تخمین دقیق سن استخوانی از رادیوگرافی مچ دست استفاده می شود. یک رویکرد رایج استفاده از اطلسی است که توسط Greulich و Pyle (GP) تهیه شده است. در این روش یک رادیولوژیست با ارزیابی های مبتنی بر فرد متعدد استخوان های فرد بیمار را با تصاویر استخوان های موجود در اطلس به عنوان مرجع مقایسه می کند. رویکرد مبتنی بر اطلس اغلب زمانبر و نیازمند تلاش زیاد است. همچنین، این روش ذهنی است، زیرا رادیولوژیست های مختلف ممکن است تصاویر را بر اساس تجربه شخصی و با توجه به آموزش های متفاوتی که دیده اند، به طور متفاوت تفسیر کنند. اخیراً، تکنیک هایی برای ارزیابی سن استخوان با استفاده از هوش مصنوعی (AI) به منظور افزایش اثربخشی و ثبات تفسیر سن استخوانی ایجاد شده اند. این روش ها را در مقایسه با رادیولوژیست با تجربه، دقت خوبی نشان داده اند. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی امکان استفاده از تکنیک های یادگیری عمیق مبتنی بر اطلس Greulich-Pyle برای ارزیابی سن استخوانی در کودکان سالم ایرانی انجام شد. روش ها: از رادیوگرافی مچ دست چپ کودکان ۱-۱۸ ساله که به بیمارستان های آموزشی شیراز مراجعه کرده بودند، ۵۵۵ تصویر (۲۲۰ مرد و ۳۳۵ زن) انتخاب شد. با استفاده از این تصاویر، سن استخوانی با کمک از روش Greulich and Pyle (GP) توسط دو رادیولوژیست بعد از توافق نظر، به عنوان مرجع تعیین شد. سپس، سن استخوانی توسط یک مدل ارزیابی سن استخوانی مبتنی بر شبکه عصبی عمیق که بر اساس تصاویر کودکان ایرانی آموزش دیده بود، برآورد شد. این شبکه عصبی عمیق از جزئیات استخراج شده از نواحی کلیدی استفاده می کند. نواحی کلیدی هر تصویر با بهینه سازی آنتروپی محلی شانون تعیین می شود. آنتروپی شانون محلی در واقع همان آنتروپی شانون است که روی یک کلیک از تصویر محاسبه می شود. مکان هر کلیک باید به گونه ای تعیین شود که آنتروپی شانون به حداکثر برسد. مکان این مناطق متغیرهایی هستند که باید توسط یک الگوریتم بهینه سازی تعیین شوند. در این پروژه ۱۳ ناحیه کلیدی از هر تصویر استخراج شده است. جزئیات از هر کلیک توسط فیلترهای خاص استخراج می شود. بنابراین ۱۳ برابر تعداد تصاویر، بردار جزئیات داریم که حاصل اعمال یک فیلتر خاص بر روی نواحی کلیدی تصاویر است. برای آموزش بهتر شبکه عصبی، جزئیات را بر اساس جنسیت تصاویر (مرد و زن) به دو دسته تقسیم می کنیم. عملکرد مدل ما با استفاده از میانگین اختلاف مطلق (MAD)، میانگین مربعات خطا (MSE) و دقت (ACC) بررسی شد. نتایج: در مجموع ۵۵۵ رادیوگرافی سن استخوانی در مطالعه ما وارد شد که از این تعداد، ۲۲۳ مرد و ۳۳۵ زن بودند. اکثر بیماران (۶۶.۱۲٪) در گروه ۶ تا ۱۴ ساله قرار داشتند. میانگین اختلاف مطلق (MAD) سن استخوانی پیش بینی شده توسط مدل و مرجع (میانگین سن استخوانی تخمین زده شده توسط ۲ رادیولوژیست) برای مردان ۰.۶ سال و برای زنان ۰.۵ سال بود. پس از مقایسه عملکرد مدل ما با مرجع، میانگین مربعات خطا (MSE) و دقت (ACC) مدل شبکه عصبی عمیق ما به ترتیب ۰.۵ و ۰.۹۸ بود. نتیجه گیری: یافته های ما نشان داد که دقت مدل شبکه عصبی عمیق ما به سطح قابل قبولی رسیده است. در نتیجه، میتوان چنین برداشت کرد که آینده امیدوارکننده ای برای استفاده از این مدل های یادگیری عمیق برای ارزیابی سن استخوانی وجود خواهد داشت.

نام و نشان پژوهشگر: **علی صابری شهربابکی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**عنوان پروژه: **اعتبارسنجی و ارزیابی دقت مدل امتیاز دهی هشدار زود هنگام ملی انگلستان (نیوز) در****پیش بینی پیامد ۲۴ ساعته بیماران ترومایی و غیر ترومایی بستری در بخش اورژانس**تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۳/۰۱**شناسه پژوهش: **۲۷۳۶**

چکیده پژوهش

سابقه و هدف: بخش اورژانس یک بیمارستان مسئول ارائه مداخلات سریع برای بیمارانی است که نیازهای فوری و حیاتی دارند. برخورد و تعامل اولیه بین بیماران و کادر درمان در طول تریاژ رخ می دهد. ارزیابی اثربخشی سیستم های تریاژ در تمایز دقیق بین بیماران با فوریت بالا و کم از اهمیت بالایی در محیط بالینی برخوردار است. در نتیجه، بر آن شدیم تا در مطالعه پیش رو، به بررسی میزان دقت نیوز به عنوان یک سیستم تریاژ را در پیش بینی پیامدهای نامطلوب در بین بیماران مراجعه کننده به اورژانس، و همچنین مقایسه عملکرد آن با ESI پردازیم. روش بررسی: این مطالعه مقطعی در بازه‌ی زمانی خرداد تا شهریور سال ۱۴۰۲ بر روی بیماران پذیرش شده در بخش اورژانس بیمارستان های ولی عصر و شهدای تجریش تهران انجام شد. امتیاز نیوز بیماران در بدو ورود برحسب متغیرهای فیزیولوژیک شامل سطح هوشیاری، فشار خون سیستولیک، درصد اشباع اکسیژن خون، دمای بدن، تعداد ضربان قلب و تعداد تنفس ارزیابی شد. اطلاعات مربوط به سوابق بیماری قبلی، قد، وزن، آزمایشات بیماران، و پیامد رخ داده برای بیمار در طی ۲۴ ساعت از طریق فرم ثبت تریاژ و پرونده‌ی بیمار جمع آوری گردید و در پایان، داده‌ها با آزمون‌های آماری مناسب، مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: در این مطالعه، ۲۰۸۵ بیمار با میانگین سنی 57.9 ± 14.4 ، شامل ۵۷.۹ مرد و ۴۲.۱ زن، مورد بررسی قرار گرفتند. در مطالعه‌ی پیش رو مشاهده شد که افزایش امتیاز نیوز، حتی پس از تعدیل برای سن، جنس و سوابق بیماری قبلی، ارتباط معناداری با افزایش احتمال وقوع هر یک از پیامدهای مورد مطالعه (شامل پیامد اول نیاز به احیای قلبی-ریوی، پیامد دوم نیاز به مراقبت در بخش مراقبت های ویژه و/یا نیاز به تهویه مکانیکی، و پیامد سوم وقوع پیامد اول یا دوم) دارد. همچنین مشاهده شد سطح زیرنمودار برای سیستم امتیاز دهی نیوز برای پیش‌بینی وقوع پیامدهای مورد مطالعه در کل بیماران و در بیماران غیر ترومایی، به طرز معناداری بیشتر از ESI می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی برتری نیوز بر ESI برای پیش‌بینی وقوع پیامدهای مدنظر می‌باشد. بررسی سطح زیر نمودار نیوز و ESI در بیماران ترومایی، عملکرد بهتر ESI در این گروه را نشان داد. نتیجه‌گیری: توانایی بالای سیستم امتیازدهی نیوز در پیش‌بینی وقوع پیامدهای ناگوار (شامل نیاز به احیای قلبی-ریوی یا نیاز به مراقبت در بخش مراقبت های ویژه و/یا نیاز به تهویه مکانیکی) اهمیت و ارزش این سیستم را در شناسایی بهتر بیماران در معرض خطر، و انجام اقدامات درمانی لازم در زمان مناسب، آشکار می‌سازد.

نام و نشان پژوهشگر: **امیرحسین زحمت کش**رشته تحصیلی: **داروسازی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه: تهیه و ارزیابی نانوفایبرهای حاوی فلوکونازول همراه با هیالورونیک اسید جهت درمان عفونت های قارچی دهان

تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۵/۰۱**شناسه پژوهش: **۲۷۶۵**

چکیده پژوهش

زخم و زخم های دور تا کنون قارچ ها سبب ایجاد عفونت های مختلفی در انسان شده اند، که یکی از رایج ترین آنها، عفونت های قارچی دهان است. مهمترین قارچی که سبب عفونت های دهانی میشود کاندیدا آلبیکنز است، درحالی که سایر قارچ ها مثل موکوروماایکوز، اسپرزیلوس، کریپتوکوکوز و ... هم به میزان کمتری میتوانند سبب ایجاد عفونت شوند. تظاهرات بالینی ضایعات قارچی دهان اغلب شامل پلاک های سفید رنگ، همراه با مخاط ملتهب و قرمز در قاعده ی ضایعات میباشد. این ضایعات میتوانند بصورت سطحی در مخاط بروز کند و یا در صورت پیشرفت و عدم درمان مناسب به بافت های عمقی سرایت کند. در افراد سالم، کاندیدا به صورت بی ضرر در غشاهای مخاطی مانند گوش، چشم، دستگاه گوارش، دهان، بینی، اندام های تناسلی، سینوس ها، پوست، مدفوع، واژن و ... وجود دارد. زمانی که تعادل بین فلور نرمال قسمت های مختلف بدن بهم میخورد، کاندیدا به شکل بیماریزا ظاهر شده و سبب ایجاد عفونت میشود (۵) بیش از نیمی از افراد مبتلا به دیابت، کاندیدایازیس را تجربه میکنند. از بین ۱۵۰ گونه کاندیدا جدا شده از ضایعات دهانی، ۸۰ درصد موارد مربوط به کاندیدا آلبیکنز بوده است که به تنهایی یا کلونیزه با سایر گونه ها سبب بیماری شده است (۶). شیوع عفونت در بیماران مبتلا به ایدز ۹ تا ۳۱ و در بیماران سرطانی نزدیک به ۲۰ درصد برآورد شده است. کاندیدایازیس دهان ممکن است پیشرفت کند و به عفونت سیستمیک تبدیل شود که در صورت عدم درمان مناسب میتواند منجر به مرگ شود. اهداف: (۱) تهیه نانوفایبرهای فلوکونازول همراه با هیالورونیک اسید به روش الکترووریسی (۲) ارزیابی مورفولوژی و خصوصیات فیزیکوشیمیایی فیبرهای ساخته شده (۳) ارزیابی سرعت و میزان آزادسازی دارو و تعیین الگوی رهایش (۴) بررسی فعالیت ضد قارچی نانوفایبرهای ساخته شده (۵) تعیین خصوصیات گرمایی با روش کالری سنجی رویشی تفاضلی (DSC) روش ها: محلول پلیمری که در این مطالعه تهیه میشود شامل سه پلیمر آلژینات - پلی وینیل الکل و هیالورونیک اسید است. ابتدا باید نسبت دقیق و درست هریک از این پلیمر ها در محلول مشخص شود تا به ویسکوزیته مناسب و نهایتا فیبرهایی با قطر مناسب برسیم. ابتدا آلژینات را داخل aqueous glycerol ریخته و در دمای اتاق و تحت شرایط بهم خوردن حل میکنیم تا محلول یکنواختی بدست آید. با توجه به مطالعات قبلی PVA را باغلظت ۱۰ تهیه میکنیم. بدین منظور PVA را داخل آب با دمای ۸۰ درجه ریخته و با بهم خوردن مداوم بمدت سه ساعت حل میکنیم. هیالورونیک اسید را نیز در آب با دمای ۲۵ درجه و با بهم خوردن مداوم، حل میکنیم. حال نسبت های حجمی مختلفی از دو محلول پلیمر تهیه کرده و به دستگاه تزریق میکنیم و تست های مربوطه را انجام داده تا بهترین نسبت حجمی از سه پلیمر برای تهیه فیبری با ویژگی های دلخواه بدست آید. الکترووریسی: ابتدا فویل آلومینومی به ابعاد ۶×۱۵ cm را بر روی استوانه جمع کننده پیچیده و با چسب نواری محکم میکنیم. فاصله نیدل دستگاه تا استوانه جمع کننده را بر روی ۱۰ cm تنظیم کرده و سپس ولتاژ ۱۲-۱۴ kv را به دستگاه میدهم. سرعت چرخش استوانه بین ۸۰۰۰-۱۰۰۰۰ rpm و سرعت تزریق را ۲ ml/h تنظیم میکنیم. حال محلول پلیمر را وارد سرنگ ۵ cc کرده و فرایند تزریق و تشکیل نانوفیبر را شروع میکنیم. بعد از گذشت ۲-۴h دستگاه را خاموش کرده و فویل آلومینومی که نانوفیبرها بر روی آن تشکیل شده اند را جدا میکنیم. فویل بمدت ۴۸ ساعت در OVEN با دمای ۴۰ درجه قرارداده، تا حلال خارج شده و خشک شود. نتایج: نانوفیبرهای ساخته شده دارای اندازه ای در محدوده ۵۰۰-۲۰۰ نانومتر میباشد که بسته به میزان هریک از اجزای پلیمر، تراکم و سایر فایبرها متفاوت است. براساس نتایج حاصل از DSC، فلوکونازول بصورت آمورف و در بستر فیبر پخش شده است و اجزای پلیمر برهمکنش داشته اند. نتایج FT-IR نشان داد که فلوکونازول پیوند هیدروژنی خاصی با اجزای پلیمر برقرار نکرده است و الی-PVA و PVA-ALG پیوند های هیدروژنی قوی باهم برقرار کرده و برهمکنش داشته اند. بر اساس نتایج حاصل از تست رهایش دارو، فرمولاسیون F۲ دارو را بصورت burst آزاد کرده است که در زمانی کوتاه میزان داروی زیادی آزاد شده است که در مقایسه با تست فعالیت ضدقارچی این مورد قابل مشاهده است، زیرا بیشترین هاله عدم رشد مربوط به فرمول F۲ میباشد چراکه در زمانی کوتاه تر میزان داروی بیشتری آزاد شده است. نتیجه گیری: فلوکونازول در قالب نانوفیبر خواص فیزیکوشیمیایی بهتری نسبت به فرم ساده فلوکونازول دارد، که ایجاد نانوفیبرها تغییری در خواص ذاتی دارو ایجاد نمیکند، با توجه به اینکه فرم نانوفیبر سرعت انحلال و توزیع فلوکونازول را افزایش میدهد، بنابراین اثر درمانی سریعتر و بهتری نسبت به فرم ساده ایجاد میکند، در میتوان از این روش در درمان بهتر و موثر تر بهره برد.



نام و نشان پژوهشگر: علی بصیرتیان یزدی

رشته تحصیلی: داروسازی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: تهیه و ارزیابی نانو فایبرهای حاوی عصاره چای سبز به منظور درمان ضایعات قارچی دهان

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۷۶۶

چکیده پژوهش

زمینه: چای سبز یکی از ترکیباتی است که از گذشته های دور توسط بشر برای درمان عفونت های مختلف استفاده میشده است. مطالعات جدید نشان داده اند که چای سبز حاوی مقادیر بالای ترکیبات پلی فنولی میباشد که مسئول اثرات دارویی این گیاه میباشد. این پلی فنول ها فعالیت های ضد ویروسی، ضد باکتریایی، ضد تومور و ضد قارچی را از خود نشان داده اند. مهمترین ترکیب پلی فنولی گیاه چای سبز، اپی گالوکاتچین گالات نام دارد که بیش از نیمی از پلی فنول های گیاه را این ترکیب تشکیل میدهد. اپی گالوکاتچین گالات فعالیت ضد قارچی قوی از خود نشان میدهد (۴، ۵) اهداف: ۱) تهیه نانوفایبر اپی گالوکاتچین گالات ۲) ارزیابی مورفولوژی و خصوصیات فیزیکوشیمیایی فیبرهای ساخته شده بوسیله میکروسکوپ ۳ SEM) ارزیابی فعالیت ضد میکروبی نانوالیاف اپی گالوکاتچین گالات به روش الکترورسی ۴) بررسی الگوی رهائش اپی گالوکاتچین گالات بارگذاری شده به روش الکترورسی ۵) تعیین ویژگی های گرمایی با روش کالری سنجی ۶ DSC) تعیین نحوه برهمکنش مواد در پلیمر با کمک طیف سنجی فروسرخ تبدیل فوریه (FT-IR) روش ها: محلول پلیمری که در این مطالعه تهیه می شود شامل سه پلیمر آلژینات - پلی وینیل الکل - کیتوزان است. ابتدا باید نسبت دقیق و درست هریک از این پلیمر ها در محلول مشخص شود تا به ویسکوزیته مناسب و نهایتا فیبرهایی با قطر مناسب برسیم. ابتدا آلژینات را داخل aqueous glycerol ریخته و در ۸۰ درجه و تحت شرایط بهم خوردن حل می کنیم تا محلول یکنواختی بدست آید. در نتیجه محلول های ۱، ۲، ۴ از آلژینات تهیه می شود. کیتوزان را در دمای ۸۰ درجه داخل آب حل کرده و سپس غلظت ۵۰ استیک اسید به محلول اضافه می شود تا محلول یکنواختی حاصل شود. در نتیجه محلول های ۱، ۲، ۴ از کیتوزان تهیه می شود. PVA را با غلظت ۱۰ داخل آب با دمای ۸۰ درجه و بهم خوردن تهیه می کنیم. حال محلول سه پلیمر را بهم اضافه می کنیم تا به نسبت حجمی ۱:۱:۸ chitosan/alginate/PVA of برسیم. نتایج: نانوفایبر های ساخته شده دارای اندازه ای در محدوده ۱۸۹ تا ۸۳۴ نانومتر هستند که بسته به میزان مواد تشکیل دهنده ی آنها تراکم و سایز فیبر ها متفاوت است. طبق نتایج حاصل از DSC مواد فرمولاسیون به صورت آمورف در هم ایجاد شده اند و برهمکنش فیزیکی زیادی باهم ندارند. ماده ی موثره که عصاره ی آبی چای سبز بود بدون برهمکنش خاصی با سایر مواد به صورت آمورف تشکیل نانوفایبر دادند. بر طبق تست FT-IR مواد موجود در فرمولاسیون برهمکنش شیمیایی باهم ندارند. نتایج حاصل از تست رهائش دارو نشان میدهد فرمولاسیون های ۲ و ۳ به صورت burst و فرمولاسیون های ۱ و ۴ و ۵ به صورت خطی دارو را آزاد کرده اند که این موضوع در ایجاد هاله ی عدم رشد تاثیر گذار بوده و فرمول هایی که رهائش سریع تری داشتند هاله ی عدم رشد مناسب تری ایجاد کردند. نتیجه گیری: عصاره ی آبی چای سبز در قالب نانوفایبر خواص فیزیکوشیمیایی مناسب تری نسبت به عصاره ی تنها دارد که ایجاد نانوفایبرها تغییری در خواص ذاتی ماده موثره ایجاد نمیکند اما روش مناسبی برای القای نقش مورد نظر به ماده است. همچنین نشان داده شد امکان ساخت این عصاره ی گیاهی به روش الکترورسی جهت بهره برداری از خواص آن وجود دارد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده درصد های بالاتری از عصاره ی چای سبز در فرمول استفاده شود.

نام و نشان پژوهشگر: **خشایار داننده**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه: **بررسی میزان اثربخشی مداخله فعالیت بدنی خانواده محور "مدام" (مفرح، آسان، در دسترس و موثر) در سطح فعالیت بدنی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی تهران**

تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۶/۰۱**شناسه پژوهش: **۲۷۸۶**

چکیده پژوهش

روش و نوع تحقیق، این مطالعه قسمتی از یک مداخله ای مبتنی بر جمعیت دو مرحله ای و روش گردآوری داده‌ها: پرسشنامه و تست های فانکشنال و جامعه‌ی آماری کارکنان خانم دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: از SPSS نسخه ۲۳ برای آنالیز داده ها استفاده شد. سؤالات و اهداف تحقیق، مداخله آموزش به همراه برنامه فعالیت بدنی خانواده محور "مدام" نسبت به مداخله آموزش در ارتقای میزان فعالیت اثر بخش تر نیست. نگرش به ورزش در جامعه مورد بررسی چگونه است؟ نتایج: افزایش فعالیت در گروه مداخله به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بوده است. تست های عملکردی نیز بهبود معنی داری را در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل نشان داد. شرکت کنندگان انگیزه و رضایت بالایی از شرکت در برنامه ابراز کردند. "مدام" می تواند به عنوان یک روش موثر و کم هزینه برای افزایش فعالیت بدنی در مطالعات بزرگ تر نیز مورد ارزیابی قرار گیرد تا اثربخشی آن بهتر مشخص شود.





نام و نشان پژوهشگر: یوسف شعبانی محمودآباد

رشته تحصیلی: مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: شناسایی استراتژی‌های اثربخش منابع انسانی سلامت در دوران کوید ۱۹ و پسا کرونا برای

ایران

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۸۴۷

چکیده پژوهش

مقدمه: همه گیری COVID-۱۹ به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های بهداشتی قرن حاضر، نیازمند مدیریت مؤثر منابع انسانی سلامت بود. در این مطالعه، استراتژی‌های مختلفی که توسط کشورها بکار گرفته شدند، بررسی و ارزیابی شدند. هدف این مطالعه، شناسایی استراتژی‌های اثربخش و معیارهای ارزیابی اثربخشی این استراتژی‌ها بود. روش: دو روش مرور سیستماتیک و مطالعه کیفی برای دستیابی به نتایج استفاده شد. در فاز مروری با بهره‌گیری واژه‌های مرتبط با جست‌جو در پایگاه‌های Google Scholar Pub Med Scopus, Science Direct, SID, Iranmedex, Magiran و در فاز کیفی با استفاده از مصاحبه نظرات مشارکت‌کنندگان دریافت شد. نتایج: در فاز مروری ۱۷ مطالعه مرتبط، نتایج آنها استخراج گردید. استراتژی‌ها در ۱۰ دسته شامل استراتژی افزایش ظرفیت نیروی انسانی سلامت، ابزار چیدمان استراتژیک نیروی انسانی، حمایت پرسنل از جنبه حمایت‌های روحی روانی و انگیزشی، حفاظت شخصی و بهینه‌سازی نیروی کادر بهداشت و درمان، تقویت ظرفیت نیروی انسانی با مشارکت بخش‌های غیربهداشتی، عمومی و خصوصی، تعدیل، تقسیم و انتقال منابع انسانی، استفاده از ظرفیت تله‌مدیسن و خدمات دیجیتال در ارائه خدمت توسط نیروی انسانی، هماهنگی و همکاری نیروی انسانی بین واحدها و دستگاه‌های مختلف، سطح‌بندی نیروی انسانی، نظارت، کنترل و بازخورد و توسعه فرهنگ سازمانی طبقه‌بندی شدند. همچنین در نتایج فاز کیفی درون مایه‌های اصلی بدست آمده چالش‌های منابع انسانی سلامت در سطح ملی و منطقه‌ای، چالش‌های منابع انسانی سلامت در سطح مراکز، استراتژی‌های اثر بخش منابع انسانی بکار گرفته شده در سطح ملی و منطقه‌ای، استراتژی‌های اثربخش منابع انسانی بکار گرفته شده در سطح مراکز، خلأ‌های موجود (استراتژی‌ها) در زمینه مدیریت منابع انسانی در سطح ملی و منطقه‌ای، خلأ‌های موجود (استراتژی‌ها) در زمینه مدیریت منابع انسانی در سطح مراکز و استراتژی و مداخلات پیشنهادی برای پسا کرونا بودند. نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که مدیریت منابع انسانی در طول ویروس کرونا نیازمند استفاده از استراتژی‌های چندگانه و متنوع بوده است، از جمله افزایش ظرفیت نیروی انسانی، حمایت از جوانب روحی و روانی، ایجاد حفاظت فردی و بهینه‌سازی استفاده از نیروی کادر درمان و بهداشت. همچنین، استفاده از فناوری‌های دیجیتال و تله‌مدیسن، هماهنگی بین واحدها و دستگاه‌ها، و توسعه فرهنگ سازمانی نقش بسزایی در بهبود مدیریت منابع انسانی داشته‌اند. با این حال، چالش‌ها و نواقص موجود در این حوزه در سطوح مختلف نیازمند توجه ویژه و تدوین برنامه‌های کارآمد برای دوره‌های بحرانی آینده است.



نام و نشان پژوهشگر: سپهر ستاره

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه‌ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی تأثیر محرک‌های هیجانی بر فعالیت مغزی افراد با توجه به عوامل شخصیتی در

مراج عین مراکز درمانی: یک مطالعه الکتروانسفالوگرافی کمی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش:

۲۸۶۷

چکیده پژوهش

مقدمه: مطالعاتی که به بررسی تغییرات مغزی افراد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت به محرک‌های هیجانی پرداخته باشد محدود است و ثبت الکتروانسفالوگرافی حین بروز این هیجانات غالباً بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی صورت گرفته است. هدف این مطالعه تعیین تأثیر پنج محرک هیجانی صوتی-تصویری بر فعالیت مغزی افراد سالم با توجه به پنج فاکتور شخصیتی اصلی است. روش تحقیق: مطالعه بر روی افراد سالم از لحاظ مقیاس سلامت عمومی GHQ-28 انجام گرفت. ابتدا پرسشنامه NEO-FFI در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده شد تا فاکتورهای شخصیتی آنها مشخص شود. در ادامه، حالت پایه مغزی و سپس کلیپ‌های محرک هیجانی به آزمودنی‌ها نشان داده شد. همزمان با مشاهده کلیپ‌ها امواج مغزی ضبط شده. تغییرات امواج نسبت به حالت پایه تحلیل شد. نتایج: ۶۲ شرکت‌کننده مورد مطالعه قرار گرفتند. در آنالیز همبستگی بین قدرت امواج مغزی و فاکتورهای شخصیتی، روابط متعدد با قدرت خوبی در نواحی مختلف مغز به خصوص در مردان مشاهده شد. آنالیز رگرسیون چندگانه نشان داد که فاکتورهای شخصیتی مردان مسئول تغییرات امواج مغزی در نواحی مختلفی بودند، در حالیکه در زنان چنین رابطه‌ای یافت نشد. برای مثال حین مشاهده فیلم ترسناک، باند تتای فرونتال بخصوص در نقطه FZ بیشترین تأثیرپذیری را از فاکتورهای شخصیتی داشت (۲۹.۱)، که ازین بین برونگرایی بیشترین فاکتور دخیل در تغییرات بود. نتیجه‌گیری: تغییرات امواج مغزی به دنبال مشاهده کلیپ‌های محرک هیجانی در مردان با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط دارد؛ اما در خانم‌ها چنین ارتباطی یافت نشد.





نام و نشان پژوهشگر: محمد محمودیان

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: مقایسه ایمنی و اثربخشی دو داروی اورسوداکسی کولیک اسید (کولیکری) و اورسوفار (کوشان فارمد) در بیماران مبتلا به بیماری های صفراوی و کبد چرب

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۸۸۰

چکیده پژوهش

اسیدهای صفراوی، اجزای اصلی صفرا، در کبد از کلسترول سنتز می شوند. به دلیل ویژگی های بیوشیمیایی منحصر به فردشان، اسیدهای صفراوی که اجزای اصلی تشکیل دهنده صفرا هستند، و صفرا در جذب و انتقال لیپیدهای رژیم غذایی و ویتامین های محلول در چربی موثر است. در درمان بیماریها و اختلالات کبدی استفاده از داروهایی که کمترین عوارض و بیشترین تاثیر را داشته باشد حایز اهمیت است به همین منظور بررسی ایمنی و اثربخشی دارو های جدید می تواند به معرفی دارو های ایمن تر و موثر تر به جامعه بیماران کبدی و صفراوی منجر شود لذا این مطالعه به بررسی ایمنی داروی داخلی اورسوداکسی کولیک اسید (برند کولیکری داروسازی ریحانه) در مقایسه با داروی اورسوفار (کوشان فارمد) در بیماران کبدی و صفراوی پرداخت در این طرح تحقیقاتی ابتدا تعداد ۶۰ نفر بیماران دارای بیماری تایید شده کبد چرب و بیماری های صفراوی نظیر کلانژیت، سنگ صفراوی و اسلاژ مراجعه کننده به درمانگاه بقیه الله در صورت رضایت وارد مطالعه شدند. در اولین ویزیت میزان تستهای کبدی ALT, AST, ALK.P آنها ثبت شد. سپس داروی ارسو دزو کسی کولیک اسید با دوز استاندارد ۱۳-۱۵ (mg/kg/d) یا داروی ارسوفار (کوشان مد) را با دوز استاندارد هر فرد به مدت سه ماه مصرف کردند. در پایان مطالعه عوارض احتمالی به وجود آمده در این بیماران نظیر راش پوستی، خارش، زردی، تهوع استفراغ، سرگیجه، دل درد و... به همراه چک مجدد آزمایشات کبدی ALT, AST, ALK.P انجام شد و نتایج مربوط به هر بیمار توسط مجریان طرح ثبت و در نرم افزار Stata وارد گردید. اطلاعات توصیفی نظیر میانگین، فراوانی ها و اثرات مختلف دارو در کتابچه نهایی گزارش شد. برای مقایسه متغیرهای کیفی از آزمون کای دو یا فیشر استفاده کردیم. برای متغیرهای کمی پس از بررسی نرمالیتی با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف، در صورت برقراری نرمالیتی از آزمون تی مستقل و در صورت عدم برقراری نرمالیتی از آزمون من وینتی استفاده کردیم. سطح معناداری ۵ درصد در نظر گرفته شد.



نام و نشان پژوهشگر: مجتبی زهتابی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی تاثیر گلیکاسیون بر ساختار و ویژگی اتصال آلبومین سرم گاوی با ترکیب های
فلانوئیدی کور کومین و الازیک اسید مشتق از گیاهان داروئی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۹۴۴

چکیده پژوهش

روش تحقیق: به جهت بررسی تاثیر حضور ترکیبات کورکومین و الازیک اسید بر روی گلیکاسیون آلبومین گاوی، این پژوهش در چهار مرحله انجام پذیرفت: ۱- اندازه گیری تغییرات جذب UV آلبومین گلیک به حضور ترکیبات. ۲- اندازه گیری تغییرات خاموش سازی فلوئورسانس آلبومین گلیک به حضور داروهای مذکور. ۳- بررسی برهمکنش ترکیبات با آلبومین گلیک به روش CD. ۴- بررسی برهمکنش آلبومین گلیک با ترکیبات با کمک روش داکینگ مولکولی. نوع تحقیق: مطالعه آزمایشگاهی روش گردآوری داده ها: داده های خام شامل تغییرات میزان جذب یا نشر آلبومین گلیک به حضور ترکیبات مذکور با استفاده از اسپکتروسکوپی UV ، اسپکتروفتومتری فلوئورسانس و اسپکترومتری CD بعد از اعلام شدن در رایانه ، دریافت و در قالب txt طبقه بندی شدند. داده های مربوط به داکینگ مولکولی نیز با نرم افزار اتوداک اخذ شد. تجزیه و تحلیل داده ها: جهت تبدیل داده های خام طبقه بندی شده به نمودارهای قابل تفسیر و مقایسه ، از نرم افزار Excel استفاده شد. سپس تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از هر روش آزمایشگاهی و مقایسه آنها با یکدیگر و نتایج داکینگ مولکولی انجام گرفت. سوالات و فرضیات تحقیق: حضور ترکیبات پلی فنلی کورکومین و الازیک اسید در مجاورت آلبومین گاوی گلیک ، اثر محافظتی و معکوس کنندگی بر روی گلیکاسیون دارد. اهداف تحقیق: بررسی تاثیر کورکومین و الازیک اسید بر گلیکاسیون آلبومین سرم گاو جامعه ی آماری تحقیق: مطالعه از نوع آزمایشگاهی است. نتایج حاصله از تحقیق: ترکیبات کورکومین و الازیک اسید بصورت وابسته به دوز می توانند اثر حفاظتی روی گلیکاسیون آلبومین داشته باشند.





نام و نشان پژوهشگر: محمدجواد محمددقی زاده

رشته تحصیلی: بیماری های قلب و عروق

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: ارزیابی ژن ها و مسیر های مولکولی مشترک بین آترواسکلروز و بیماری التهابی روده:

رویکرد سیستم بیولوژی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۹۴۹

چکیده پژوهش

تا به امروز، ژن های مشترک و مسیرهای مولکولی بین آترواسکلروز و بیماری التهابی روده (IBD) بر اساس رویکرد سیستم بیولوژی بررسی نشده اند. شناسایی ژن های مشترک و مسیرهای مولکولی می تواند به طراحی استراتژی های درمانی در بیماران کمک کند. شناسایی ژن های مشترک و مسیرهای مولکولی می تواند به طراحی استراتژی های پیشگیری و درمانی در بیماران کمک کند. پیشگیری از بیماریهای IBD و قلبی عروقی میتواند باعث کاهش شدید هزینه های این بیماران در کشور گردد و حتی در صورتی که افراد دچار این بیماریها گردند، علاوه بر امکان تولید دارو در داخل کشور باعث کاهش هزینه های تولید دارو نیز میگردد (امکان تولید یک دارو با دو هدف درمانی فراهم میشود). با توجه به شیوع بالای بیماریهای IBD و قلبی عروقی (دومین علت مرگ و میر در کشور)، انجام این پروژه در راستای خودکفایی در زمینه پیشگیری و درمانی از این بیماریها کمک کننده خواهد بود. از این رو در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداختیم. پایگاه داده های GenClip^۳ و DisGeNET برای شناسایی ژن های مرتبط با IBD و آترواسکلروز از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ استفاده شد. آنالیز برهمکنش پروتئین-پروتئین (PPI) ژن های رایج توسط پایگاه داده STRING طراحی و با استفاده از Cytoscape مشاهده شد. هاب ژن با استفاده از پلاگین Cytohubba Cytoscape تعیین شد. پایگاه های داده miRTarBase و ChEA مرتبط با ابزار Enrichr برای شناسایی فاکتورهای رونویسی (TFs) و microRNAs (miRNAs) که ژن های هاب را هدف قرار می دهند، استفاده شد. با استفاده از پایگاه داده های GenClip^۳، DisGeNET، ژن های IBD و آترواسکلروز به اشتراک گذاشته شد. شبکه PPI و آنالیز ژن هاب ۸ هاب ژن شامل TP53، AKT1، PIK3CA، MAPK1، MAPK3، RELA، STAT3 و TNF-α را شناسایی کردند. بر اساس نتایج، hsa-miR-146a-5p و RELA بیشترین تعامل را با ژن هاب در میان miRNA ها و فاکتور رونویسی دارند. تجزیه و تحلیل هستی شناسی ژن (GO) نشان داد که ژن های هاب عمدتاً در مسیرهای التهابی و سلول های ایمنی نقش دارند. علاوه بر این، از نظر مسیر KEGG آنها عمدتاً در تعامل گیرنده سیتوکین-سیتوکین، لیپید و آترواسکلروز، مسیرهای سرطان، مسیر سیگنالینگ AGE-RAGE در عوارض دیابت، و مسیر سیگنالینگ TNF نقش داشتند. در نهایت، می توان گفت که ژن های هاب بین IBD و آترواسکلروز مشترک هستند. شناسایی مسیرهای بالادستی و پایین دستی مرتبط می تواند به طراحی استراتژی های درمانی و بهبود بقای بیماران کمک کند. بدین گونه که هاب ژن های مشترک در دو بیماری شناسایی شده و سپس نمونه خونی که از بیمار گرفته میشود از نظر بیان این ژن ها سنجیده میشود. به عنوان مثال اگر بیان IL-22-STAT3 افزایش یافته باشد، با تولید آنتی بادی که باعث کاهش این هاب ژن شود، میتواند از افزایش التهاب و پیشرفت این دو بیماری جلوگیری کند.



نام و نشان پژوهشگر: علی محمد مصدق مهرجردی

رشته تحصیلی: داروسازی سنتی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی اثرات گیاه مورد *Myrtus communis* در پاکسازی هوا از بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و

گزین BTEX

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

شناسه پژوهش: ۲۹۵۹

چکیده پژوهش

مقدمه: مردم معمولاً حدود ۹۰٪ از زمان روزمره خود را در داخل ساختمان سپری می کنند که به طور حتم نسبت به بیرون از ساختمان از مواد آلاینده بیشتری مملوء می باشد. سطح بالای ترکیبات آلی فرار (VOCs) به عنوان علت بیماری سندرم ساختمان شناخته شده است. در این مطالعه در مورد تعیین اثر گیاه در مقدار بنزن، تولوئن، اتیل بنزن و زایلین (BTEX) در هوا بحث نمودیم. روش ها: در این مطالعه، اثر گیاه مورد (*Myrtus communis*) بر روی پاکسازی آلاینده ها از هوا مورد بررسی قرار گرفته و با گیاه *Dracaena deremensis*) مورد مقایسه قرار گرفت. اتاقک شیشه ای با حجم داخلی ۰۵ m^۳ مورد استفاده قرار گرفت. بعد از بارگذاری BTEX در اتاقک شیشه ای جهت به تعادل رسیدن آنها در داخل محفظه فن در حدود ۱ ساعت روشن شد. همچنین ۱ ساعت قبل از هر نمونه برداری فن به منظور یکنواخت ساختن BTEX در فضای اتاقک روشن شده است. فیبر SPME، فیبر (۷۵ μm CAR/PDMS برای استخراج BTEX از اتاقک استفاده شد. از دستگاه گاز کروماتوگرافی با دتکتور FID و ستون موئینه DB-۵MS برای تعیین غلظت BTEX در محفظه استفاده شد. نتایج: یافته ها نشان داد که گیاه *Myrtus communis* در تست محفظه می تواند غلظت ۲ ppm از بنزن، تولوئن، زایلین، اتیل بنزن را از هوا به ترتیب بعد از گذشت زمان ۴۳، ۳۲، ۲۶، ۴۷ ساعت به طور کامل حذف نماید. در این تست سرعت پاکسازی بنزن، تولوئن، زایلین، اتیل بنزن از هوا به ترتیب ۱/۰۱، ۰/۵۴، ۰/۶۴، ۱/۱۵ mg m^{-۲}d^{-۱} می باشد. بنابراین در مقایسه با *Dracaena deremensis* به عنوان استاندارد این نوع مطالعات قادر به پاکسازی موثرتر آلاینده ها از هوا میباشد بحث: گیاه *Myrtus communis* قادر است که در تست اتاقک بعد از ۶۳ ساعت به طور کامل ۲ ppm از بنزن موجود در هوا را جذب کند. این در حالی است که گیاه *D. deremensis* در این تست قادر است بعد از گذشت زمان ۱۰۵ ساعت همین مقدار بنزن را به طور کامل از هوا پاکسازی کند. نسبت پاکسازی بنزن در تست اتاقک در گیاه *Myrtus communis* و *D. deremensis* به ترتیب ۱/۴ و ۱۴۲ mg m^{-۲}d^{-۱} می باشد. BTEX

نام و نشان پژوهشگر: **پارسا فیروزی**رشته تحصیلی: **دندان پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه:

بررسی اثرات فوتوتراپی در کنترل وضعیت پریدونتال بیماران سرطانی متعاقب شیمی درمانیتاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۷/۰۱**شناسه پژوهش: **۲۹۸۸****چکیده پژوهش**

زمینه و هدف: هدف درمان پریدونتال پیشگیری، توقف بیماری پریدونتال، جایگزینی بافت های ازدست رفته و حفظ نتایج درمانی به دست آمده است. باین وجود، تحقیقات محدودی در مورد اثرات فوتویومدولاسیون به عنوان مکملی برای scaling (SRP) and root planing and در بیماران سرطانی وجود دارد؛ ازاین رو این مطالعه حاضر به بررسی تأثیر درمان فوتویومدولاسیون بر وضعیت پریدونتال بیماران تحت شیمی درمانی پرداخت. روش کار: ۲۰ بیمار سرطانی که به تازگی تشخیص داده شده بودند وارد مطالعه با طراحی Split-Mouth شدند. بیماران به صورت تصادفی با SRP به تنهایی در یک سمت فک و با ۵ جلسه فوتویومدولاسیون کمکی با استفاده از لیزر دایود (چگالی انرژی ۲ ژول بر سانتی متر مربع | طول موج ۶۳۵ نانومتر | توان ۵۰ میلی وات | قطر لکه ۴ میلی متر | زمان ۵ ثانیه | حالت تابش پیوسته) در سمت دیگر فک تحت درمان قرار گرفتند. لثه در دو سمت باکال و لینگوال مورد تابش لیزر قرار گرفت. تابش لیزر در فاصله ۳ میلی متری سطح لثه و در زاویه قائم نسبت به آن صورت گرفت. قبل از شروع درمان پریدونتال و جلسات شیمی درمانی، به همه شرکت کنندگان آموزش بهداشت دهان داده شد و همه بیماران SRP را دریافت کردند. در همان جلسه اولیه، اندازه گیری های بالینی پایه ای بیماران انجام شد، بلافاصله پس از شروع یک دوره شیمی درمانی (۱۴ روزه)، مداخلات برای هر سمت فکی آغاز شده و پارامترهای بالینی شامل شاخص لثه ای، شاخص پلاک clinical attachment level، و احساس درد/سوزش پس از ۱۴ روز محاسبه گردید. نتایج: از نظر شاخص لثه ای و شاخص پلاک، هر دو سمت کنترل و مورد آزمون نتایج مطلوبی را در مقایسه با مقادیر پایه ای نشان دادند. باین حال، سمتی از فک که فوتویومدولاسیون کمکی، دریافت کرده بود در هر دو شاخص فوق الذکر عملکرد بهتری از سمت کنترل نشان داد (p کوچکتر از ۰.۰۵). فقط سمتی که فوتویومدولاسیون کمکی دریافت کرده بود نتایج امیدوارکننده ای را از نظر کاهش درد و ناراحتی در لثه نشان داد و SRP به تنهایی در کنترل درد و سوزش لثه چندان مؤثر نبود. پس از گذشت ۱۴ روز هیچ تفاوت معنی داری در مورد clinical attachment level مشاهده نشد (p بزرگتر از ۰.۰۵). نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه می توان نتیجه گرفت که فوتویومدولاسیون کمکی باعث ارتقای وضعیت بالینی لثه در بیماران تحت شیمی درمانی می شود. فوتویومدولاسیون همچنین درد یا سوزش لثه را کاهش می دهد. براین اساس، درمان کمکی فوتویومدولاسیون ممکن است به عنوان یک درمان تکمیلی در بیماران تحت شیمی درمانی مطرح گردد.



نام و نشان پژوهشگر: عرفان بردیده

رشته تحصیلی: ارتودنسی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: طراحی و ساخت یک سیستم هوش مصنوعی برای انجام smile analysis با استفاده از فتوگراف های لبخند و مقایسه ی آن با سیستم مرسوم آنالیز لبخند

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۰۰۴

چکیده پژوهش

این پژوهش با هدف طراحی و ارزیابی یک سیستم هوشمند آنالیز لبخند برای کاربرد در دندانپزشکی زیبایی و ارتودنسی انجام شد. نوع تحقیق: تجربی - توصیفی روش تحقیق: در این مطالعه ابتدا تصاویر لبخند از جامعه ی آماری گردآوری شد و سپس با بهره گیری از الگوریتم های یادگیری عمیق (YOLO و Mask R-CNN) و شبکه های عصبی پیچشی، داده ها پردازش و آنالیز شدند. روش گردآوری داده ها: نمونه ها از ۹۲۸ شرکت کننده بزرگسال و مجموعه ای بیش از ۱۱۰۰ تصویر انتخاب و با برجسب گذاری دقیق و آنالیز دستی مورد بررسی قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده ها: با استفاده از مدل های سگمنت سازی پیشرفته و شبکه های چندمرحله ای، پارامترهای مختلف لبخند (از جمله نمایش دندان های قدامی، انحراف خط میانی و کانتور باکال) اندازه گیری گردید. داده های حاصل با روش های آماری همبستگی در مقایسه با معیار طلایی (Planmeca Romexis Smile Design) تحلیل شدند. سؤالات/فرضیات تحقیق: (۱) آیا سامانه ی هوشمند قادر به شناسایی دقیق دندان ها و لثه با خطای مناسب می باشد؟ (۲) آیا دقت طبقه بندی کانتور باکال در حد روش دستی خواهد بود؟ اهداف تحقیق: طراحی و ارزیابی یک سیستم هوشمند آنالیز لبخند برای کاربرد در دندانپزشکی زیبایی و ارتودنسی انجام شد. جامعه ی آماری: بزرگسالان مراجعه کننده به کلینیک های تخصصی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و تصاویر استاندارد لبخند ثبت شده در مطب های سطح شهر مشهد. نتایج حاصله: ضریب همبستگی در اکثر پارامترها بین ۰٫۸۸ تا ۰٫۹۴ به دست آمد و دقت طبقه بندی کانتور باکال بالای ۸۷ درصد گزارش شد. در تست روی مجموعه های خارجی نیز عملکرد مدل قابل قبول بود و زمان تحلیل از ۲۰ دقیقه به حدود ۲ ثانیه کاهش یافت. این موفقیت نشانگر توانمندی و کارایی بالای سیستم در ارتقای دقت و سرعت تشخیص و برنامه ریزی در درمان های دندانپزشکی است.



نام و نشان پژوهشگر: رضا یاری بروجنی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: بررسی اثر طولانی مدت مداخله ی جامعه محور سبک زندگی سالم بر نمایه توده بدنی بزرگسالان شرکت کننده در مطالعه ی قند و لیپید تهران: آنالیز رگرسیون چندکی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۰۴۱

چکیده پژوهش

هدف: در این مطالعه به بررسی اثرات مداخلات سلامت محور سبک زندگی سالم بر طیف کامل نمایه توده بدنی جمعیت بزرگسال شرکت کننده در مطالعه قند و لیپید تهران در یک دوره پیگیری ۱۸ ساله پرداخته ایم. روش کار: در این مطالعه مداخلات در سه سطح مدرسه، خانواده و جامعه انجام شد. در مجموع ۵۱۵۳ (۵۶.۶۷ درصد زن) شرکت کننده بالای ۲۰ سال در پنج فاز پیگیری شدند. از روش لامبدا-مو-سیگما (LMS) و مدل رگرسیون چندکی برای ارزیابی صدک های مختلف نمایه توده بدنی در سنین مختلف و بررسی تأثیر مداخله استفاده شد. یافته ها: در مردان اثر کوتاه مدت مداخله در شروع اضافه وزن ($\beta, ۰.۰۴P-۰/۱۶۴$) و چاقی ($\beta, ۰.۰۱P-۰/۲۰۷$) که به ترتیب معادل صدک های ۴۰ و ۷۰ نمایه توده بدنی بود، مشاهده شد. در زنان نتایج مشابهی در دومین دوره پیگیری در صدک های ۲۰، ۳۰ و ۶۰ نمایه توده بدنی مشهود بود (به ترتیب $\beta-۰/۳۹۲$ و $\beta, ۰.۲۶۹P-۰.۰۰۰P$ و $\beta, ۰.۰۲P-۰/۰.۰۳P$) که تا سومین دوره پیگیری برای زنان دارای اضافه وزن (در صدک ۲۰، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ نمایه توده بدنی) ادامه یافت. نتیجه گیری: نتایج ما حاکی از اثربخشی مداخلات سلامت محور سبک زندگی سالم در کنترل روند افزایشی نمایه توده بدنی در شروع اضافه وزن و چاقی در جمعیت ایران است. این یافته ها می تواند برای برنامه ریزی اقدامات پیشگیرانه از چاقی در جوامعی با موقعیت های اجتماعی-اقتصادی مشابه مفید باشد.





نام و نشان پژوهشگر: علی فرهادی بیرگانی

رشته تحصیلی: ایمنی شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: بررسی اثرات ضد التهابی تجویز درون بینی سازواره نو ترکیب -pcDNA3.1(+)

melittin بر مدل تجربی التهاب دستگاه تنفسی فوقانی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۰۴۷

چکیده پژوهش

مقدمه: ملیتین یک سم طبیعی است که در طب سنتی به عنوان یک داروی ضد التهاب استفاده می شود. به نظر می رسد که خواص ضد التهابی ملیتین ناشی از سرکوب بیان ژن های التهابی و مهار مسیرهای سیگنالینگ است. با این حال، استفاده از ملیتین به دلیل ناپایداری، تخریب سریع و ناخالصی محدود است. هدف از این مطالعه بررسی تجویز داخل بینی پلاسמיד کدکننده ملیتین به عنوان یک روش جدید انتقال ملیتین در بیماری های آلرژیک می باشد. روش ها: پس از القای رینیت آلرژیک در مدل موش، موش ها پلاسמיד ملیتین داخل بینی دریافت کردند و پس از چالش نهایی با آلرژن، نمونه های مورد نیاز جمع آوری شد و سطوح سایتوکاینی $IFN-\gamma$ ، $TGF-\beta$ و $IL-4$ بررسی شد. سطح IgE اختصاصی $Ovalbumin$ و تغییرات هیستوپاتولوژیک مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر بررسی پاسخ ایمنی، اثر ملیتین بر ژن های دخیل در آپوپتوز نیز مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: داده ها نشان می دهند که ملیتین به طور قابل توجهی تظاهرات بالینی را بهبود بخشیده و نفوذ اتوزینوفیل ها به مخاط بینی را کاهش داده است. علاوه بر این، ملیتین سطح بیان $IL-4$ و $TGF-\beta$ را در $NALF$ کاهش داد، در حالی که سطح بیان $IFN-\gamma$ افزایش یافت. نتیجه گیری: این نتایج نشان می دهد که تجویز داخل بینی پلاسמיד کدکننده ملیتین قادر به سرکوب علائم بینی، نفوذ اتوزینوفیل ها و تعدیل ایمنی پاسخ ایمنی است که می تواند روشی امیدوارکننده در درمان بیماری های التهابی باشد.



نام و نشان پژوهشگر: **ماجد بحری نجفی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه:

تولید و ارزیابی اثر سلول های NK جدا شده از خون محیطی و مهندسی شده با گیرنده های آنتی ژن کایمیریک اختصاصی BVH۳ به منظور هدف قرار دادن رده های سلول

تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۶/۰۱**شناسه پژوهش: **۳۰۶۱**

چکیده پژوهش

این پژوهش به بررسی توانایی سلول های NK (Natural Killer) مهندسی شده با استفاده از آنتی ژن BVH۳ در هدف گذاری و نابودی سلول های توموری GBM (گلیوبلاستوم مولتی فرم) می پردازد. در این پژوهش، سلول های NK با استفاده از روش مهندسی ژنتیکی به گونه ای تغییر یافتند که آنتی ژن BVH۳ را بیان می کنند. سپس بیان CAR (مولکول آنتی ژنی گیرنده) بر روی سطح سلول های NK مهندسی شده با استفاده از فلو سائتومتری تأیید گردید. از این سلول های NK مهندسی شده برای هدف گذاری و اثربخشی بر روی رده های سلولی توموری GBM استفاده شد. نتایج حاکی از توانایی این سلول ها در هدف گذاری و نابودی سلول های توموری بود. مرگ سلول های توموری به وسیله روش رنگ آمیزی Annexin-PI تأیید شد و میزان ترشح سایتوکاین های ضد توموری توسط سلول های کشته طبیعی با استفاده از الایزا اندازه گیری گردید. تحلیل نتایج به طور کمی نشان داد که سلول های Anti-BVH۳ NK CAR می توانند به خوبی به سلول های توموری GBM هدف قرار دهند و منجر به مرگ و نابودی آن ها شوند. این یافته ها ممکن است نقش مهمی در توسعه ی روش های جدید درمانی و درک بهتری از توانایی های سلول های NK مهندسی شده در درمان سرطان، به ویژه درمان گلیوبلاستوم مولتی فرم، ایفا کند. این پژوهش، تأکید بر ارزش بالینی و کاربردی سلول های NK مهندسی شده در درمان های سرطانی دارد و امکان پیشرفت های بیشتر در این زمینه را پیش بینی می کند که ممکن است در بهبود استراتژی های درمانی سرطان و افزایش بهبود وضعیت بیماران مبتلا به GBM تأثیر گذار باشد.



نام و نشان پژوهشگر: **نیما رخشان خواه**رشته تحصیلی: **رادیولوژی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**

عنوان پروژه:

استفاده از شبکه برای یادگیری عمیق برای تشخیص AVN سر فمور در رادیوگرافی دیجیتالتاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۲/۰۱**شناسه پژوهش: **۳۱۰۰****چکیده پژوهش**

هدف این مطالعه ارزیابی مدل یادگیری عمیق جدید برای تشخیص نکروز آواسکولار سر استخوان ران (AVNFR) با آنالیز رادیوگرافی دیجیتال لگن بود. روش کار: نمونه مورد مطالعه شامل ۱۱۶۷ لگن بود. رادیوگرافی ها به طور مستقل توسط رادیولوژیست با استفاده از MRI همزمان به طبقه بندی شدند. پس از آن، رادیوگرافی ها برای آموزش و آزمایش مدل های یادگیری عمیق پروژه شامل SVM و ANFIS با استفاده از زبان برنامه نویسی داده شد. در مرحله آخر، مجموعه آزمایشی رادیوگرافی لگن در اختیار دو رادیولوژیست مستقل با تجربیات کاری متفاوت قرار گرفت تا عملکرد تشخیصی آنها را با عملکرد مدل های یادگیری عمیق مقایسه کنند. یافته ها: عملکرد SVM برای تشخیص AVNFR کمی بالاتر از رادیولوژیست های کم تجربه ($F1 \text{ score } 0.7519$) و کمی پایین تر از رادیولوژیست های با تجربه ($F1 \text{ score } 0.8593$) بدون معنی داری ($p\text{-value} > 0.05$) بود. ارزیابی عملکرد SVM برای تشخیص پره AVNFR با $F1 \text{ score } 0.6296$ به طور قابل توجهی بالاتر از رادیولوژیست با تجربه کمتر نشان داد (امتیاز $F1$ $p \text{ value } 0.4058$)



نام و نشان پژوهشگر: **امیرحسام باباجانی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه:

بررسی میزان بیان SALL4-A در بافت های سرطانی پانکراس و ارتباط آن با بقا و ویژگی**های کلینیکو پاتولوژیک بیماران**تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۸/۰۱**شناسه پژوهش: **۳۱۲۸****چکیده پژوهش**

زمینه و اهداف: سرطان پانکراس یک بیماری بسیار کشنده با درمان و گزینه های تشخیص اولیه محدود است که همراه با نرخ بقای پایین پنج ساله است. بسیاری از مطالعات پیشرفت، مقاومت، بهبودی و عود تومور پانکراس را به زیر جمعیت توموری سلول های بنیادی سرطانی (CSC) نسبت داده اند. بنابراین، شناسایی و هدف قرار دادن این سلول ها به طور مفیدی به ریشه کنی تومورهای پانکراس و بهبود نتایج درمانی کمک می کند. در این راستا پیشنهاد اهداف درمانی جدید مبتنی بر مفهوم سلول های سرطانی بنیادی و فاکتورهای پیش آگهی ضروری است. این مطالعه به بررسی بیان فاکتور رونویسی SALL4-A در بافت های تومور پانکراس و ارتباط آن با ویژگی های بالینی آسیب شناسی و بقا می پردازد. روش کار: در مجموع ۲۲۸ نمونه بافت پارافین جاسازی شده با فرمالین از بیماران سرطان پانکراس جمع آوری شد، داده های بالینی پیگیری و ثبت شدند. ریزآرایه های بافتی (TMA) ساخته شدند و بیان SALL4-A با استفاده از ایمونوهیستوشیمی (IHC) ارزیابی شد. یافته ها: نتایج نشان داد که بیان سیتوپلاسمی و هسته ای SALL4-A به طور قابل توجهی در بافت های سرطان پانکراس در مقایسه با بافت های غیر بدخیم مجاور افزایش می یابد (به ترتیب p مساوی ۰۰۵/۰ و p مساوی ۰۳۵/۰). بیان بیش از حد سیتوپلاسمی SALL4-A با اندازه کوچکتر تومور (p مساوی ۰۱۴/۰)، درجه بافت شناسی به خوبی تمایز یافته (p مساوی ۰۱۸/۰) و درگیری کمتر غدد لنفاوی (p مساوی ۰۰۳/۰) مرتبط است. علاوه بر این، بیان سیتوپلاسمی بالاتر SALL4-A با تومورهای نورواندوکرین پانکراس (PNET) در مقایسه با آدنوکارسینوم مجرای پانکراس (PDAC) مرتبط است. تجزیه و تحلیل بقا، همبستگی بین بیان SALL4-A و بقای بهبود یافته را نشان نداد. با این حال، بیان سیتوپلاسمی SALL4-A دارای پتانسیل تشخیصی با حساسیت ۸۸.۹٪ و ویژگی ۴۵.۲٪ بوده است. نتیجه گیری: بیان سیتوپلاسمی ایزوفرم SALL4-A با رفتار بهتر تومور پانکراس ارتباط دارد. آشکار کردن نقش متمایز انواع ایزوفرم های SALL4 در تومورزایی پانکراس می تواند در نهایت راه را برای تشخیص ها و درمان های جدید هموار کند. با این حال، تحقیقات بیشتری برای روشن کردن عملکرد بیولوژیکی SALL4 A و ایزوفرم های جایگزین SALL4 مورد نیاز است.

نام و نشان پژوهشگر: **سعيد رحمانی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**عنوان پروژه: **بررسی میزان بیان SALL4-A در بافت های سرطانی معده و ارتباط آن با بقا و مشخصات****کلینیکوپاتولوژیک بیماران**تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۸/۰۱**شناسه پژوهش: **۳۱۲۹**

چکیده پژوهش

مقدمه: سرطان معده یک بدخیمی شایع در سطح جهانی است که علیرغم پیشرفت های پژوهشی و درمانی، چالش های بهداشتی قابل توجهی را ایجاد می کند. سلول های بنیادی سرطانی (CSCs)، به ویژه آنهایی که خانواده ژن های شبه (SALL) را بیان می کنند، و به خصوص SALL4، به عنوان اهداف بالقوه برای درمان توجه را به خود جلب کرده اند. با این حال، نقش ایزوفرم های SALL4، به ویژه SALL4-A، در پاتوژنز GC نامشخص است. مواد و روش ها: برای رفع این شکاف، یک آنتی بادی جدید SALL4-A ساخته شد. از ۱۶۷ بیمار مبتلا به سرطان معده نمونه گیری انجام شد. بافت های تومور با بافت های غیر بدخیم مجاور برای ارزیابی سطح بیان SALL4-A مقایسه شدند. پارامترهای بالینی آسیب شناسی مختلف، از جمله نوع تومور، درجه بافت شناسی، و مرحله TNM، در رابطه با بیان SALL4-A مورد بررسی قرار گرفت. نتایج: یافته های ما نشان داد بیان SALL4-A به طور قابل توجهی در تومورها در مقایسه با بافت های غیر بدخیم مجاور بیشتر است، همچنین تفاوت های معنی داری بین زیرگروه های مختلف GC در بیان SALL4-A وجود دارد. همچنین بیان سیتوپلاسمی SALL4-A با چندین فاکتور کلینیکوپاتولوژیک، از جمله سن بیمار، نوع تومور، درجه بافت شناسی و مرحله TNM ارتباط دارد. با این حال، تجزیه و تحلیل بقا بر اساس سطوح بیان SALL4-A تفاوت معنی داری را نشان نداد. بحث: تفاوت در الگوی بیان SALL4-A در بافت سالم و تومورال و همچنین بین ساب تایپ های مختلف تومور می تواند نشان دهنده نقش مهم این سبب تایپ در تومور های معده باشد. بیان سیتوپلاسمی SALL4-A و ارتباط آن با ویژگی های کلینیکوپاتولوژیک نقش احتمالی را برای آن عنوان بیومارکر پروگنوستیک و تارگت درمانی در سرطان معده پیشنهاد می کند. تحقیقات بیشتر در زمینه مکانیزم های مولکولی زیرنوع های SALL4 برای روشن کردن کامل پیامدهای بالینی آن ها ضروری است. نتیجه گیری: این مطالعه برای اولین بار به نقش ایزوفرم SALL4-A در سرطان معده، می پردازد و نشان می دهد که این ایزوفرم به عنوان یک مارکر پروگنوستیک و هدف درمانی در سرطان معده می تواند موثر باشد. با مشخص شدن عملکرد ایزوفرم های مختلف، ما به سمت هدف افزایش دقت تشخیصی و نتایج درمانی برای بیماران سرطان معده پیش می رویم. تحقیقات بیشتر در زمینه زیست عملکرد ایزوفرم SALL4 برای بررسی عملکرد بالینی این یافته ها لازم است.



نام و نشان پژوهشگر: مهرداد رفیعی

رشته تحصیلی: دندان پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه: بررسی بیان ژن های $CDC42EP1$ ، $ATXN1$ و $lncRNA$ های مرتبط در کارسینوم سلول

سنگفرشی دهان

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۱۴۱

چکیده پژوهش

مقدمه: کارسینوم سلول سنگفرشی دهان (OSCC) یک مسئله بهداشتی مهم در سراسر جهان است و بیان RNA طولانی غیر کد کننده (lncRNAs) در این بدخیمی ها دستخوش تغییر می یابد. در مطالعه حاضر سطح بیان ژن های $ATXN1$ ، $CDC42EP1$ و $lncRNA$ های مرتبط با این ژن ها ($lnc-ATXN1L$ ، $lnc-ATXN1$ ، $lnc-ATXN10$ ، و $lnc-CDC42EP1$) را ارزیابی در نمونه های OSCC بررسی شد. مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی، ۷۶ بلوک پارافینی از نمونه های کارسینوم سلول سنگفرشی دهان و حلق (SCC) از بیماران مراجعه کننده به بیمارستان امیرعلم تهران مورد بررسی قرار گرفت. سطح بیان $ATXN1$ ، $CDC42EP1$ ، $lnc-ATXN1L$ ، $lnc-ATXN1$ ، $lnc-ATXN10$ و $lnc-CDC42EP1$ در همه نمونه ها با استفاده از کیت qPCR Master Mix اندازه گیری شد. برای انجام واکنش ها از Real-time PCR استفاده شد و GAPDH به عنوان ژن خانه دار در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل های آماری با استفاده نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. یافته ها: بیان $lnc-ATXN1$ ، $lnc-ATXN10$ و $lnc-CDC42EP1$ بین دو گروه تفاوت معنی داری داشت. (p کوچکتر از ۰.۰۵) یافته ها نشان داد سطح بیان آنها کاهش داشت، اما تفاوت معنی داری بین نمونه های SCC و بافت مجاور در سایر ژن ها مشاهده نشد. (p بزرگتر از ۰.۰۵) بیان ژن ها با سن، جنس، اندازه و محل تومور ارتباطی نداشت. (p بزرگتر از ۰.۰۵) نتیجه گیری: تفاوت در بیان $lnc-ATXN1$ ، $lnc-ATXN10$ و $lnc-CDC42EP1$ می تواند به عنوان یک نشانگر تشخیصی برای تشخیص OSCC استفاده شود.





نام و نشان پژوهشگر: کیاوش رئیس الواعظین

رشته تحصیلی: دندان پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی خواص نکروران هندوانه ابوجهل در درمان پالپوتومی دندان

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۱۷۹

چکیده پژوهش

مقدمه و بیان مسئله: نیاز به نگهداری از دندان های کودکان با توجه به آمار بسیار بالای از دست رفتن دندان های شیری در کشور ایران کاملاً بارز است. پالپوتومی دندان های شیری، یکی از درمان های شایع دندانپزشکی کودکان بوده که با انجام دقیق و مناسب آن، می توان دندان را از درد و عفونت و مشکلاتی نظیر کشیده شدن نجات داد. با توجه به اینکه برخی از مواد مورد استفاده در این پروژه درمانی نظیر فرموکرزول، معایبی همچون پتانسیل کارینوژنسیته دارند، اقبال عمومی به سمت استفاده از مواد گیاهی با اثربخشی بهتر و عوارض کمتر رو به افزایش است. هندوانه ابوجهل یکی از گیاهانی است که در طب سنتی فواید زیادی برای آن ذکر شده و از آن جا که خواص ضد باکتریایی و ضدقارچی چشمگیری در مطالعات از خود نشان داده، تصمیم به انجام یک مطالعه حیوانی گرفته شد تا اثربخشی این گیاه در درمان پالپوتومی دندان سنجیده شود. روش اجرا: این مطالعه در ۳ گام مجزا شامل عصاره گیری، انجام تست سمیت سلولی و مطالعه حیوانی انجام گرفت. بعد از تهیه عصاره اتانولی از این گیاه، تست سمیت سلولی بر روی دو رده سلولی فیبروبلاست لثه و سیستم پالپ دندان صورت گرفت. متعاقباً، از این عصاره و فرموکرزول به عنوان گروه شاهد، در پالپوتومی بر روی دندان های ثنایای ۸ خرگوش نیوزلندی نر استفاده گردید. در نهایت از دندان های مورد مطالعه، نمونه گیری صورت پذیرفت و لام تهیه شد. مطالعه هیستوپاتولوژیک لام ها در زیر میکروسکوپ جهت مطالعه و مقایسه اثربخشی دو گروه انجام گردید. یافته ها: عصاره اتانولی با غلظت ۱.۲۵ mg/ml، منجر به توکسیسیته ۱۰۰ بر روی هر دو رده سلولی شد. همچنین به دنبال مطالعه هیستولوژیک، مشخص گردید که عصاره هندوانه ابوجهل به طور معناداری از نظر آماری، التهاب، ارتشاح سلول های التهابی و تغییر مورفولوژیک بیشتری را نسبت به فرموکرزول، به بافت پالپی القا می کند. تنها در میزان نکروز ایجاد شده، دو ماده از نظر آماری تفاوت معناداری با یک دیگر نشان ندادند. نتیجه گیری: با توجه به خواص و علائم بافتی ایجاد شده توسط عصاره اتانولی هندوانه ابوجهل، علی رغم وجود ویژگی هایی نظیر خواص ضد میکروبی و ایجاد نکروز بافتی به علت وجود سمیت بالای سلولی، جایگزین مناسبی برای فرموکرزول در درمان پالپوتومی نبوده و استفاده از این ماده در حیطه درمان های پالپ تراپی توصیه نمی شود. همچنین با توجه به مشخص نبودن آثار جانبی این ماده بر بافت ها احاطه کننده دندان، استفاده از این عصاره در پالپوتومی اندیکاسیون ندارد.



نام و نشان پژوهشگر: بنیامین پارسه

رشته تحصیلی: علوم سلولی کاربردی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: ادغام کاندیشن مدیوم حاصل از کشت سلول های بنیادی مزانشیمی پالپ دندان با هیدروژل آلژینات سدیم حاوی یک پپتید آنتی باکتریال به عنوان استراژی جدید درمانی جهت درمان

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۲۰۰

چکیده پژوهش

مقدمه: صدمات ناشی از سوختگی از آن دسته آسیب هایی هستند که با عوارض و مرگ و میر قابل توجهی همراه هستند. زخم های سوختگی به دلیل آسیب گسترده به پوست و بافت های زیرین، در معرض خطر عفونت قرار دارند. استفاده از پانسمان های مناسب که ضمن ایجاد محیط مرطوب و بهبود زخم، از ورود باکتری ها جلوگیری کنند، بسیار حائز اهمیت است. کاندیشن مدیوم (CM) سلول های بنیادی مزانشیمی حاوی سائوکین ها و فاکتورهای رشد هستند که در روند ترمیم بافت پوست می توانند تاثیرگذار باشند و حتی می تواند به عنوان جایگزین بهتری برای درمان با سلول های بنیادی استفاده شود. پپتید های آنتی باکتریال طیف گسترده ای از باکتریها را هدف قرار می دهند و نسبت با سایر آنتی بیوتیک ها کم تر باعث مقاومت میکروبی می شوند. هیدروژل های آنتی باکتریال و حاوی فاکتورهای رشد، گزینه های مناسبی برای درمان زخم های سوختگی به نظر می رسند. لذا در این مطالعه ادغام CM سلول های بنیادی دندان شیری (SHED) به همراه پلیمر طبیعی سدیم آلژینات و پپتید آنتی باکتریال جهت بهبود زخم سوختگی مورد بررسی قرار گرفت. روش ها: در فاز آزمایشگاهی این مطالعه، از CM سلول های SHED به جای آب دیونیزه به عنوان حلال پلیمر سدیم آلژینات استفاده شد. در ابتدا سلول های SHED دفریز شده و CM آن ها در تراکم مطلوب ۸۰ جمع آوری و تا زمان ساخت هیدروژل در دمای منفی ۸۰ فریز گردید. در ادامه جهت ایجاد پیوند های عرضی از کلسیم کلرید به عنوان منبع یون کلسیم و تشکیل پیوند های عرضی استفاده شد. جهت القای خاصیت آنتی باکتریال هیدروژل پپتید CM۱۱ به غلظت ۳۲ $\mu\text{g/ml}$ همزمان به اضافه کردن کلسیم کلرید به محلول پلیمر اضافه گردید. در شرایط آزمایشگاهی، ساختار نمونه ها و ویژگی های زیستی با SEM، آزمون تورم، رفتار رئولوژیکی و MTT، مورد ارزیابی قرار گرفت. در فاز حیوانی مطالعه جراحات سوختگی پوستی با قطر ۱ سانتی متر در قسمت پشتی موش ایجاد شد و سپس هیدروژل های با پپتید و بدون پپتید در محل نقص قرار گرفتند. پس از روز های ۷ و ۱۴ ارزیابی های ایمونوهیستوشیمی (IHC) برای مارکر رگ زایی CD۳۱ و رنگ آمیزی های هیستوپاتولوژی ماسون تری کروم (MT) و هماتوکسیلین و انوزین (HE) از نمونه های برداشته شده گرفته شد. یافته ها: در بررسی های مورفولوژیکی هیدروژل از تخلخل مناسبی برخوردار بود. عدم سمیت پپتید CM۱۱ به همراه CM سلول های SHED بر روی رده فیبروبلاست پوست انسانی نشان داده شد. نتایج ارزیابی نیمه کمی IHC و رنگ آمیزی های هیستوپاتولوژی در روز های ۷ و ۱۴ نشان داد که ادغام CM به همراه پپتید آنتی باکتریال باعث بهبود اپیتلیزاسیون، مهاجرت فیبروبلاست ها، تکثیر کراتینوسیت ها و تشکیل عروق جدید می شود و به صورت معنادار نسبت به گروه کنترل، باعث بهبود ترمیم جراحات سوختگی پوست می شود. نتیجه گیری: این مطالعه مناسب بودن هیدروژل را به عنوان یک استراتژی آینده نگر جهت پیشبرد بازسازی جراحات سوختگی نشان داده و یک درمان مطلوبی جهت کاربردهای بالینی آینده در حوزه پزشکی بازساختی ارائه می کند.



نام و نشان پژوهشگر: مسعود سکوتی اسکوئی

رشته تحصیلی: علوم بالینی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: طراحی و ساخت سامانه‌ی تشخیص اختلالات روانی با استفاده از سیستم تصمیم‌یار مبتنی بر

یادگیری ماشین

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۲۰۹

چکیده پژوهش

اختلال یا بیماری روانی، یک الگوی رفتاری یا روانی است که با پریشانی یا اختلال در عملکرد فردی همراه است. از خطرناک‌ترین اختلالات روانی که ممکن است منجر به خودکشی شود، اختلال دوقطبی و اسکیزوفرنی است. معافیت افراد با اختلال دوقطبی و اسکیزوفرنی یکی از معضلات نظام وظیفه است. در ابتدا به بررسی پایگاه داده پاب مد جهت یافتن پایگاه‌های داده مرتبط با اختلال دوقطبی و اسکیزوفرنی پرداختیم. سپس با استفاده از زبان برنامه‌نویسی R، ژن‌هایی را که با اختلال دوقطبی یا اسکیزوفرنی رابطه مستقیم دارند استخراج نمودیم. اشتراک ژن‌ها را از پایگاه‌های داده به دست آوردیم و در نهایت با نرم‌افزار ۳.۷.۱ Cytoscape، ژن‌های مشترک را برای ۱۳ حالت استخراج کردیم. ژن‌های انتخاب شده را با یک شبکه عصبی مصنوعی آموزش دادیم تا بهترین مدل‌ها برای پیش‌بینی و تشخیص بیماری به دست آید. برای ارزیابی بهینگی مدل حاصل از آموزش الگوریتم‌های یادگیری ماشین، از چهار شاخص حساسیت (sensitivity)، ویژگی (specificity)، دقت (accuracy) و سطح زیر منحنی (AUC) استفاده شد. سه پایگاه داده ژنی GSE۳۵۹۷۷، GSE۵۳۹۸۷ و GSE۱۲۶۷۹ از پایگاه داده پاب مد برای مطالعه اختلال دوقطبی انتخاب شدند. این پایگاه‌های داده مجموعاً شامل ۲۱۸ نمونه انسانی و هر نمونه حاوی ۵۴۶۷۶ ژن نهفته بود. همچنین، پایگاه‌های داده GSE۳۵۹۷۷، GSE۵۳۹۸۷، GSE۲۷۳۸۳، GSE۲۵۶۷۳ و GSE۴۰۱۰۲ مربوط به اختلال اسکیزوفرنی و شامل ۱۷۵ نمونه انسانی با همان تعداد ژن (۵۴۶۷۶) استخراج شدند. با استفاده از ماژول CytoHubba در نرم‌افزار ۳.۷.۱ Cytoscape حالت مختلف و به ازای هر حالت، ۲۰ و ۱۰ ژن کلیدی شناسایی شد. برای اختلال دوقطبی، بهترین عملکرد بر مبنای ۲۰ ژن کلیدی با AUC ۷۵/۴۲ و برای مدل دارای ۱۰ ژن با AUC ۷۸/۱۲ به دست آمد. برای اختلال اسکیزوفرنی بهترین مدل مبتنی بر ۲۰ ژن با AUC ۸۲/۵ و برای مدل ۱۰ ژن با AUC ۷۶/۲۵ حاصل شد. در این پژوهش، توانستیم با بهره‌گیری از شبکه عصبی مصنوعی، چهار مدل برای تشخیص اختلال دوقطبی و اسکیزوفرنی ارائه دهیم.



نام و نشان پژوهشگر: مهدی آشفته پریچکلائی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

مقایسه اثرات ضد دردی و ضد التهابی عصاره آبی - الکلی گیاه *Scrophularia striata*

Boiss و گاباپنتین بدنال القای درد نوروپاتیک در موش بزرگ آزمایشگاهی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۲۱۰

چکیده پژوهش

هدف: با توجه به پیامدهای جانبی استرس اکسیداتیو و تأثیرات آن در دردهای عصبی، تلاش برای یافتن ترکیبات مؤثر با منشأ طبیعی جدید و کمترین عوارض جانبی در دستور کار قرار دارد. در این تحقیق، مقایسه اثرات ضد دردی و ضد التهابی عصاره آبی - الکلی گیاه *Scrophularia striata* Boiss و گاباپنتین بدنال القای درد نوروپاتیک در موش بزرگ آزمایشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است. مواد و روش ها: ۴۸ موش صحرایی نر ویستار به صورت تصادفی در ۶ گروه شامل گروه sham (سیاتیک نمایان بدون دستکاری)، درد مزمن (القای درد روی عصب سیاتیک یا CCI) و سه گروه درد نوروپاتیک با درمان ۳۰ روزه با ۱۰۰، ۲۰۰ و ۴۰۰ mg/kg عصاره هیدرو الکلی اسکروفولاریا (CCI+SC) و یک گروه درد نوروپاتیک با درمان ۳۰ روزه با گاباپنتین با دوز ۲۵ mg/kg (CCI+GA) تقسیم شدند. درد نوروپاتیک در روز صفر با استفاده از روش آسیب انقباض فشاری (CCI) القا شد. آلودینیا سرد و رفتارهای شبه اضطرابی یک روز قبل از عمل CCI روز ۱- و همچنین در روزهای ۲، ۷، ۱۴، ۲۱ و ۳۰ پس از CCI ارزیابی شد. اثرات عصاره و گاباپنتین بر نشانگرهای استرس اکسیداتیو و میزان بیان ژن TNF در روز ۳۰ پس از CCI اندازه گیری و ثبت شد. نتایج: مصرف خوراکی عصاره اسکروفولاریا با دوز ۲۰۰ و ۴۰۰ mg/kg به طور معنی داری آلودینیا سرد را در روزهای ۲۱ و ۳۰ پس از CCI کاهش داد (p کوچکتر از ۰/۰۱). همچنین گاوآذ گاباپنتین نیز باعث کاهش معنی داری در میزان درد در روزهای ۷، ۲۱ و ۳۰ شد. سطوح GSH به عنوان مارکرهای اکسیداتیو در گروه CCI+SC با دوز ۲۰۰ و ۴۰۰ به طور معنی داری بالاتر از گروه Sham بود (p کوچکتر از ۰/۰۱). اما این تغییر در گروه CCI+GA معنی دار نبود. سطوح مالون دی آلدهید و آنزیم کاتالاز به عنوان یک مارکر بیولوژیک افزایش استرس های اکسیداتیو، تنها در گروه CCI+SC با دوز ۴۰۰ کاهش معنی داری داشت. علاوه بر این، میزان بیان TNF که به دنبال جراحی به طور معنی داری افزایش یافته بود، در گروه های CCI+SC با دوز ۲۰۰ و ۴۰۰ و CCI+GA به طور معنی داری کاهش یافت. نتیجه گیری: عصاره اسکروفولاریا دارای اثرات ضد دردی است و به نظر می رسد اثرات ضد دردی از طریق اثرات آنتی اکسیدانی و اثرات ضد التهابی آن باشد.



نام و نشان پژوهشگر: علی احمدی

رشته تحصیلی: قارچ شناسی پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: شناسایی مولکولی و تعیین الگوی حساسیت دارویی عوامل کاندیدیایی جدا شده از سوندهای
اداراری بیماران بستری در بخش مراقبت های ویژه (ICU)

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۲۲۸

چکیده پژوهش

زمینه و هدف: شایع ترین یافته بالینی در بین بیماران بستری در بخش مراقبت های ویژه (ICU) کاندیدوزی مرتبط با سوند اداراری است. تشخیص و مدیریت کاندیدوزی مرتبط با سوند اداراری در بیماران بستری اغلب برای پزشکان و متخصصین میکروبیولوژی به دلیل کمبود اطلاعات بالینی و میکروبیولوژیکی یک منطقه خاکستری است. این مطالعه مقطعی با هدف ارتقای درک کاندیدوزی در بیماران بزرگسال دارای سوند اداراری بستری در ICU انجام شد. روش کار: بیماران بزرگسال دارای سوند مجرای اداراری بستری در ICU سه بیمارستان (پیامبران، محب کوثر و امام رضا) تهران در فاصله زمانی دی ماه ۱۴۰۱ الی دی ماه ۱۴۰۲ وارد مطالعه شدند. ایزوله های بالینی کاندیدا جدا شده از بیماران با روش Multiplex PCR شناسایی شدند و میزان حساسیت دارویی نسبت به داروهای تری آزول، اکینوکاندین و آمفوتریسین B بر اساس پروتکل CLSI M27 ed.4 انجام شد. نتایج: از بین ۱۱۰ بیمار وارد شده به مطالعه ما، ۳۸ نفر (۳۵) کاندیدوزی قابل توجه داشتند. در مجموع، ۴۵ ایزوله مخمر جمع آوری شد که فراوانی ایزوله ها شامل کاندیدا گلابراتا (۵۱؛۴۵/۲۳)، کاندیدا آلیکنز (۳۱؛۴۵/۱۴)، کاندیدا تروپیکالس (۹؛۴/۴۵)، کاندیدا دابلینسیس (۷؛۳/۴۵) و کاندیدا کروزه ای (۲؛۱/۴۵) بودند. شش ایزوله شامل دو ایزوله کاندیدا گلابراتا، دو ایزوله کاندیدا آلیکنز، یک ایزوله کاندیدا تروپیکالس و تنها ایزوله کاندیدا کروزه ای مقاوم به فلوکونازول و یک ایزوله کاندیدا گلابراتا به ایتراکونازول، وریکونازول و کسپوفونژین مقاوم بودند. همه گونه های جدا شده حساس به آمفوتریسین B بودند. کاندیدوزی با علائم بالینی در ۲۹ درصد بیماران مشاهده شد (۳۸/۱۱) که تنها ۵۵ درصد (۱۱/۶) آن ها تحت درمان قرار گرفتند که در بین این افراد ۵۰ درصد (۶/۳) شکست درمان با فلوکونازول را نشان دادند. یکی از همین بیماران مدت کوتاهی پس از ابتلا به کاندیدوزی دچار کاندیدی می شد. میزان مرگ و میر در بیماران دچار کاندیدوزی ۲۰ (۸/۳۸) بود که بین بیماران با علائم بالینی و بدون علائم بالینی تفاوتی نداشت (p بزرگتر از ۰.۰۵). نتیجه گیری: یافته های ما نشان می دهد که کاندیدا گلابراتا شایع ترین عامل کاندیدوزی است. به دلیل افزایش مقاومت ضد قارچی در این گونه، درمان مناسب بیماران یک نگرانی اساسی است. علاوه بر این، شناسایی گونه های کاندیدا و همچنین انجام تست حساسیت ضد قارچی بسیار مهم است و به پزشکان در انتخاب عامل ضد قارچی مناسب برای مدیریت بهتر موارد کاندیدوزی کمک می کند.



نام و نشان پژوهشگر: بنیامین محمدی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

بررسی اثربخشی پروتکل نوین حساسیت زدایی با تزریق پلاکت در کاهش تبتر آنتی بادی

HLA و افزایش شانس پیوند

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۲۳۶

چکیده پژوهش

پس زمینه: بسیاری از متقاضیان پیوند کلیه به HLA حساسند و از انتظار طولانی مدت برای پیوند رنج می برند و منجر به کاهش نرخ پیوند و افزایش میزان مرگ و میر می شود. راه حل ما انجام پیوند کلیه پس از کاهش آنتی بادی های ضد HLA اختصاصی دهنده است. هدف مطالعه: بررسی تغییرات CPRA، MFI و افزایش شانس یافتن اهداکننده سازگار قبل و بعد از اجرای پروتکل نوین حساسیت زدایی مبتنی بر تزریق پلاکت در پیوند کلیه در بیماران دارای آنتی بادی ضد HLA و تعیین عوارض دریافت پلاکت و بورترومیب در پیوند در بیماران دارای آنتی بادی ضد HLA می باشد. روش: ۶۰ بیمار که قبلاً حساس شده بودند، در یک کارآزمایی بالینی غیر کور وارد شدند. در صورت مثبت بودن تست CDC یا احتمال سابقه حساسیت در شرح حال (مثل سابقه پیوند در گذشته) آزمایشاتی مانند فلوئوسیتومتری، CPRA، LUMINEX طبق قانون خاصی انجام شد. بیماران با CPRA بالا، نیاز به حساسیت زدایی دارند. در گروه مداخله (پروتکل جدید حساسیت زدایی) بیماران ریتوکسیماب، پلاکت، بورترومیب، کوتریموکسازول، پنتوپرازول، ونکومایسین، تاکرولیموس و پردنیزولون دریافت کردند. نتایج: در گروه پروتکل، میانگین CPRA از ۹۷.۹۷ قبل از مداخله به ۸۸.۵۵ دو ماه پس از مداخله کاهش یافت. علاوه بر این، در گروهی که صرفاً پروتکل نوین حساسیت زدایی دریافت کردند، آنتی بادی های HLA DRB۱، HLA DRB۳، HLA A، HLA B، HLA C و HLA DRB۵ به طور قابل توجهی کاهش یافت. نتیجه گیری: وجود DSA قبل از پیوند کلیه با نرخ بالایی از شکست پیوند همراه است. آنتی بادی های HLA باید به عنوان بخشی از کار قبل از پیوند، بررسی شوند. این پروتکل درمانی باعث کاهش CPRA و کاهش ریسک پس زدن پیوند می شود. برای تایید اثربخشی این روش باید تجربیات بیشتری جمع آوری شود.





نام و نشان پژوهشگر: آرمین ایمان پرست

رشته تحصیلی: فیزیک پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: مطالعه و امکان سنجی ساخت نمونه آزمایشگاهی حساسه های دزیمتری فردی پرتوهای غیر

یونساز صوتی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۲۹۲

چکیده پژوهش

روش تحقیق: این پروژه شامل دو فاز نظری و عملی بود. در فاز نظری این پژوهش، به منظور تدوین یک مرجع طبقه بندی شده آثار زیستی پرتوهای غیریونساز صوتی (با تأکید بیشتر بر پرتوهای فروصوت) در کاربرد های دزیمتری و حفاظت پرتوی غیریون ساز، مقالات چاپ شده در مجلات معتبر، استاندارد های حفاظت پرتویی گزارش شده توسط کمیسیون بین المللی حفاظت در برابر پرتوهای غیر یونساز مورد بررسی قرار گرفته و در فصول مختلف طبقه بندی شده و ارائه می شود. در فاز عملی این پژوهش، پس از یافتن بهترین روش برای مطالعه و ارزیابی پارامتریک پرتوهای فروصوت، به بررسی تغییرات رفتار اپتیکی حساسه های منتخب تحت تابش پرتوهای غیریونساز صوتی اقدام کرده و حساسه دزیمتری فردی پرتوهای صوتی بر پایه ماده منتخب طراحی و ساخته خواهد شد و در نهایت عملکرد دزیمتر طراحی شده بهینه سازی و اعتبارسنجی خواهد شد. نوع تحقیق: آزمایشگاهی روش گردآوری داده ها: گردآوری متون استاندارد (فاز نظری) - انجام آزمایشات آبی (فاز عملی) روش تجزیه و تحلیل داده ها: با استفاده از نرم افزار های Graphpad و Design expert سؤالات/ فرضیات تحقیق: آثار و تبعات پرتوهای صوتی بر سلامتی انسان و سایر موجودات زنده چیست و چه نشانه ها و علائمی دارد؟ کدام ماده می تواند نسبت به پرتوهای غیریونساز صوتی واکنش نشان داده و بعنوان حساسه مورد استفاده قرار گیرد؟ اهداف تحقیق: ارائه یک سند جامع برای طبقه بندی آثار زیستی امواج فروصوت، ارائه یک دزیمتر امواج فروصوت به منظور توسعه پایش غیرفعال جامعه آماری تحقیق: تحقیق آزمایشگاهی بوده است نتایج حاصله از تحقیق: (۱) ارائه یک سند کاربردی به منظور مقایسه آثار بیولوژیکی پرتوهای غیریونساز صوتی (۲) دزیمتر های پیشنهادی کاندیدی برای دزیمتری امواج فروصوت شامل موادی مبتنی بر MB، DPBF، DPBF-MB و CTAB-PpIX می باشد. (۳) امواج فروصوت می توانند منجر به تولید انواع ROS منجمله آنیون های سوپراکسید، پراکسید هیدروژن (H_2O_2)، رادیکال هیدروکسیل و اکسیژن یگانه شوند.



رشته تحصیلی: پزشکی

عنوان پروژه: اثرات درمانی miRNA-۴۷۳۱ اکروزومی به دست آمده از سلول های بنیادی بافت چربی بر سلول های سرطان گلیوبلاستوما انسانی در شرایط آزمایشگاهی

۳۳۲۱ شناسه پژوهش:

گلیوبلاستوما (GBM) تهاجمی ترین نوع تومور مغزی بوده که اگرزوزوم ها نقش کلیدی در GBM و ریزمحیط تومور دارند. در این تومور مغزی، میکروRNA های مختلف (miRNAs) با الگوی متفاوتی بیان شده و به عنوان سرکوبگرهای تومور در GMB عمل می کنند. در این مطالعه، ما اولین بار به بررسی اثرات ضدسرطانی microRNA-4731-5p (miR-4731-5p) مشتق شده از سلول های بنیادی مزانشیمی به دست آمده از بافت چربی (AD-MSCs) بر روی سلول های گلیوبلاستوم انسانی پرداختیم. از این رو در ابتدا، miRNA های مرتبط با این سرطان، میزان بیان آنها و ژن ها و سیتوکین های هدف بالقوه miR-4731-5p با استفاده از پایگاه های داده بیوانفورماتیک شناسایی شدند. متعاقباً، سلول های بنیادی مزانشیمی انسانی با پلاسמיד بیان کننده miRNA-4731-5p ترانسفکت شدند و اگرزوزوم ها با استفاده از تکنیک های اولتراسانتریفیوژ، پراکندگی نور دینامیکی (DLS)، میکروسکوپ الکترونی عبوری (TEM) و میکروسکوپ الکترونی روبشی (SEM) جداسازی و تایید شدند. بیان miRNA-4731-5p در سلول های بنیادی و اگرزوزوم های آن ها با استفاده از روش Real-time PCR تایید شد پس از تعیین میزان غلظت مهاري 50 miRNA-4731-5p (IC50) اگرزومی برای سلول های سرطانی با روش MTT و لاکتات دهیدروژناز (LDH)، اثرات ضد سرطانی احتمالی بر روی رده های سلولی گلیوبلاستوم U-87 و U-251 توسط فلوسیتومتری، رنگ آمیزی DAPI، چرخه سلولی، Real-time PCR و تست بهبود زخم مشخص گردید. نتایج به دست آمده نشان داد که غلظت 50 ng/ml از اگرزوزوم های ترانسفکت شده با miRNA-4731-5p، به عنوان دوز برای انجام تست های سرطانی می باشد. نتایج نشان داد که miR-4731-5p اگرزومی با اثر روی فسفوئینوزیتید-3-کیناز- (PI3K-AKT) و فاکتور هسته ای- (NF-κB) دارای اثر مهاري بر چرخه سلولی و مهاجرت و القای آپوپتوز در رده های سلولی GBM می باشد. این مطالعه نشان می دهد که بیان miRNA-4731-5p اگرزومی دارای اثرات ضد توموری مطلوبی برای درمان رده های سلولی GBM دارد و می تواند به عنوان یک گزینه درمانی اساسی برای این تومور مغزی باشد.



نام و نشان پژوهشگر: علی محرابی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه‌ای (پزشکی)

عنوان پروژه: طراحی و تدوین الگوی مناسب آموزش مهارت استدلال بالینی برای دانشجویان پزشکی

عمومی در قالب برنامه نوین ادغام طولی در نظام آموزش پزشکی؛ یک مطالعه ی چند

فازی با روش مختلط

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۳۳۱

چکیده پژوهش

مقدمه: علی رغم اهمیت تصمیم‌گیری بالینی در پزشکی، به نظر می‌رسد آموزش استدلال بالینی در دانشکده‌های پزشکی از اهمیت لازم برخوردار نیست. در این مطالعه سعی شده است، با بررسی شواهد و نظر خبرگان، الگویی برای آموزش استدلال بالینی در برنامه‌ی ادغام یافته‌ی طولی آموزش پزشکی عمومی ارائه شود. روش‌ها: این مطالعه به روش ترکیبی در چهار فاز اجرا گردید که به ترتیب عبارتند از مرور سیستماتیک، طراحی پیش‌نویس اولیه، پیل خبرگان و تدوین الگوی نهایی. یافته‌ها: در فاز اول نمونه‌های موفق آموزش استدلال بالینی برای دانشجویان پزشکی در متون علمی بررسی شد. نتایج بدست آمده از این مرحله منجر به تدوین پیش‌نویس اولیه ارائه برنامه گردید. پیش‌نویس اولیه شامل هشت آیتم بود. این هشت آیتم در فاز سوم توسط پیل خبرگان بررسی گردید که مورد توافق مطلق ۸۸/۴ درصدی اعضای پیل بود. ضعیف‌ترین نمره‌ها مربوط به ارزیابی بود. بدین ترتیب هر هشت آیتم در فاز چهارم به عنوان الگوی نهایی معرفی گردید که عبارتند از (۱) جمع‌آوری، تفسیر و تحلیل اطلاعات بیماران، (۲) ایجاد تشخیص افتراقی شامل تعریف و تمایز ویژگی‌های بیماری، (۳) تدوین یک طرح تشخیصی برای بیمار، (۴) تدوین یک برنامه‌ی درمانی برای بیمار، (۵) خطاها در فرایند استدلال بالینی و راهکارهای اجتناب از آن‌ها، (۶) تئوری‌های استدلال بالینی (مانند اسکریپت‌های بیماری‌ها)، (۷) راهبردهای یادگیری استدلال بالینی (مانند اکتشافی، حذف بدترین سناریو و ...)، (۸) جنبه‌های بین حرفه‌ای استدلال بالینی (به عنوان مثال استدلال مشارکتی). نتیجه‌گیری: نمونه‌های موفق خوبی در سایر کشورها در خصوص آموزش استدلال بالینی در نظام آموزش پزشکی وجود دارد. در الگوی ارائه شده در این طرح، هشت آیتم کلی معرفی گردید که لازم است برای آن‌ها روش آموزش و ارزیابی ارائه گردد. در مطالعات آینده لازم است بازخورد دانشجویان و اعضای هیئت علمی در مورد برنامه‌ی حاصل گرفته شود و برنامه به صورت پایلت اجرا گردد.



نام و نشان پژوهشگر: پرهام مردی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

مقایسه اثر پلی مورفسم های CYP450 بر متابولیسم داروهای با narrow therapeutic

interval در یک مطالعه network meta-analysis

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۳۳۴

چکیده پژوهش

مقدمه: در دنیای پزشکی مدرن، فارماکوژنتیک نقش حیاتی در شخصی سازی درمان دارد. این شاخه از علم با بررسی تأثیر تنوع های ژنتیکی بر پاسخ های دارویی، به تحقیق درباره چگونگی تأثیر گذاری ژن ها بر واکنش های بدن به داروها می پردازد. این مطالعه به بررسی تأثیر پلی مورفسم های ژنتیکی بر متابولیسم داروی افویرنز، مورد استفاده در درمان HIV، و ریواروکسaban، یک داروی ضد انعقادی، می پردازد. هدف: مقایسه اثر پلی مورفسم های CYP450 بر متابولیسم داروهای با narrow therapeutic interval در یک مطالعه ۳-۲ network meta-analysis. روش ها: این تحقیق، که با روش های استاندارد PRISMA انجام شد، به بررسی اثرات فارماکوژنتیک در بهبود کارایی و پیشگیری از ADR های افویرنز و ریواروکسaban می پردازد. استراتژی جستجو شامل بررسی مطالعات مشاهده ای و مداخله ای بدون محدودیت زبان یا تاریخ انتشار بود. معیارهای ورود شامل بررسی غلظت دارو، AUC، ADR، و مقایسه ژنوتیپ های مختلف بود. دو محقق به صورت مستقل مطالعات را انتخاب و اطلاعات را مدیریت کردند، اختلافات احتمالی توسط یک کارشناس سوم حل شد. تحلیل داده ها با نرم افزار STATA انجام شد. ترکیبی از روش ها برای ارزیابی ناهمگنی و تأثیر کلی پلی مورفسم های ژنتیکی استفاده شد. برای نتایج مستمر و باینری، به ترتیب از SMD ها و OR ها یا HR ها استفاده شد. تست Egger برای شناسایی سوگیری انتشار انجام شد. نتایج: در این مرور سیستماتیک و متآنالیز، بررسی گسترده ای در مورد ارتباط واریانت های ژنتیکی با متابولیسم داروهای افویرنز و ریواروکسaban انجام شده است. از مجموع ۱۹۸۶۱ رکورد، ۸۶ مطالعه برای افویرنز و ۱۰ مطالعه برای ریواروکسaban مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعات از کشورهای مختلف با حجم نمونه های ۲۰ تا ۶۰۴۵ شرکت کننده بودند. نتایج نشان داد که واریانت های خاص در ژن هایی مانند ABCB1 و CYP2B6 با تغییرات قابل توجه در غلظت افویرنز در پلاسما مرتبط هستند. برای ریواروکسaban، مطالعات نشان دادند که واریانت های خاص در ژن هایی مانند ABCB1 با احتمال بروز عوارض جانبی و تغییرات در غلظت دارو مرتبط هستند. این یافته ها اهمیت تأثیر ژنتیک بر متابولیسم دارویی را در درمان HIV و مدیریت عوارض جانبی ریواروکسaban نشان می دهد. نتیجه گیری: این مرور سیستماتیک و متآنالیز شبکه گسترده، نقش ژن های مختلف در متابولیسم داروی افویرنز و ریواروکسaban را بررسی کرد. تحلیل ها نشان دادند که پلی مورفسم های خاصی در ژن های ABCB1 و CYP2B6 تأثیرات معنی داری بر غلظت پلاسمایی این داروها دارند، که برای بهبود درمان HIV و کاهش عوارض جانبی دارویی ریواروکسaban اهمیت دارد. این یافته ها بر اهمیت تحقیقات فارماکوژنومیک و توجه به تنوع ژنتیکی در مدیریت درمانی تأکید می کنند.



نام و نشان پژوهشگر: سید یوسف جواد موسوی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه‌ای (پزشکی)

عنوان پروژه: بررسی ارتباط سطح سرومی فلزات سرب کادمیوم و روی با کم کاری و پرکاری تیروئید و مقایسه آن با افراد سالم: یک مطالعه مروری نظام مند

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۳۳۸

چکیده پژوهش

مقدمه: غده ی تیروئید یکی از مهمترین غدد بدن می باشد که با تولید هورمون های تیروئیدی بسیاری از فعالیت های متابولیسمی بدن را کنترل می کند. مواجهه ی بلند مدت با فلزات سرب، روی و کادمیوم بر سایر سیستم ها و ارگان های بدن تاثیر مخرب می گذارد. هدف مطالعه بررسی ارتباط سطح سرمی فلزات سرب، کادمیوم و روی با کم کاری و پرکاری تیروئید و مقایسه آن با افراد سالم: یک مطالعه مروری نظام مند می باشد روش کار: در این مطالعه جستجو در پایگاه های علمی اسکوپوس، پابمد، وب اف ساینس انجام گرفت. جمعیت مورد مطالعه ما افراد کم کاری و پرکار تیروئید، مواجهه با فلزات سنگین، و پیامد نهایی ما مقایسه سطح فلزات سنگین روی، سرب و کادمیوم در افراد کم کار و پرکار تیروئید بود. تجزیه و تحلیل با نرم افزار Stata انجام گرفت.. نتایج: با جستجو در پایگاه های علمی با کلید واژه های مرتبط ۱۵۳۳۶ مقاله استخراج گردید. پس از غربالگری مقالات در نهایت ۱۷ مورد معیارهای ورود ما را شامل شد. سطح روی سرم در افراد دارای کم کاری تیروئید و پرکاری تیروئید به طور معنا داری کمتر از افراد گروه کنترل بود. سطح سرب و کادمیوم سرم در افراد دارای کم کاری تیروئید و پرکاری تیروئید بیشتر از افراد گروه کنترل بود و این تفاوت معنادار بود. نتیجه گیری: احتمال کم کاری و پرکاری تیروئید با افزایش سطح کادمیوم و سرب سرم افزایش پیدا می کند. افزایش سطح روی نیز باعث کاهش کم کاری و پرکاری تیروئید گردید.





نام و نشان پژوهشگر: مجتبی جوکار

رشته تحصیلی: بیماری های قلب و عروق

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی میزان تاثیر برنامه آموزشی بر آگاهی و نگرش و عملکرد در رابطه با تب روماتیسمی در مادران مراجعه کننده به مراکز منتخب درمانی شهر یزد

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۳۵۳

چکیده پژوهش

مقدمه: تب روماتیسمی حاد یک پاسخ ایمنی تاخیری ناشی از عفونت استرپتوکوک گروه آ می باشد و افراد با سنین بین ۵ تا ۱۵ سال در معرض خطر بیشتری هستند. درمان به موقع گلو چرکی از تب روماتیسمی حاد جلوگیری می کند. اکثر مطالعات نشان داده اند که سطح آگاهی مردم از تب روماتیسمی پایین است و متأسفانه تاکنون مطالعه ای در مورد آگاهی، نگرش و عملکرد مادران نسبت به تب روماتیسمی قبل و بعد از آموزش در شهر یزد و ایران انجام نشده است. با توجه به نقش مادران در مراقبت از فرزندان، هدف محققین این طرح ارزیابی و همچنین افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد مادران نسبت به این مهم و فرصت بالقوه ای برای تحقیقات آینده است تا باعث کاهش شیوع و عوارض تب روماتیسمی گردد. روش کار: مطالعه حاضر دارای دو فاز در فاز اول توصیفی از نوع مقطعی و در فاز دوم مداخله ای از نوع قبل و بعد می باشد. بعد از انتخاب چهار مرکز بهداشتی (انتخاب رندوم تعداد ۸۰ مادر در سنین باروری از هر مرکز) در مورد نحوه انجام مطالعه به آنها توضیحات لازم داد شد. در مرحله اول اطلاعات از راه تکمیل پرسشنامه تدوین شده بدست آمد. روایی و پایایی پرسشنامه محاسبه گردید و مجدد بعد از انتخاب دو مرکز درمانی (انتخاب رندوم تعداد ۲۵ مادر در سنین باروری از هر مرکز) در مرحله اول اطلاعات از راه تکمیل پرسشنامه بدست آمد. در مرحله دوم مداخله آموزشی به وسیله آموزش گروهی انجام شد و بعد از پایان جلسات آموزشی نیز محتوی آموزشی شامل پمفلت آموزشی در اختیار مادران قرار گرفت. در مرحله سوم، پس آزمون بعد از ۳ ماه از طریق پرکردن مجدد پرسشنامه های انجام شد. نتایج: در مطالعه حاضر، میانگین نمره قبل از مداخله آگاهی $7/20 \pm 3/05$ از ۱۴ نمره (متوسط)، میزان نگرش $14/60 \pm 6/85$ از ۳۵ نمره (ضعیف) و میزان عملکرد $116/52 \pm 7/14$ از ۳۵ نمره (ضعیف) است. میزان آگاهی بعد از مداخله به $10/56 \pm 2/85$ از ۱۴ نمره (خوب) همچنین میزان نگرش بعد از مداخله $21/96 \pm 4/43$ از ۳۵ نمره (متوسط) و میزان عملکرد بعد از مداخله به $26/52 \pm 3/89$ از ۳۵ نمره (خوب) افزایش یافت. بین میانگین نمرات آگاهی، نگرش و عملکرد افراد قبل و بعد از مداخله تفاوت معناداری وجود دارد همچنین تفاوت معناداری در میزان آگاهی، نگرش و عملکرد بر حسب سطح تحصیلات، و سن مادران مشاهده شد. نتیجه گیری: میانگین نمره آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در مورد تب روماتیسمی به ترتیب متوسط، ضعیف و ضعیف گزارش شد و بعد از آموزش به طور معناداری بهبود یافت. افزایش تحصیلات و سن مادران بالای ۳۵ سال با بهبود نمره آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در مورد تب روماتیسمی همراه بود.

نام و نشان پژوهشگر: **امین دهقانی سانج**رشته تحصیلی: **چشم پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری تخصصی**عنوان پروژه: **بهینه سازی ایمنی بیمار در اتاق عمل چشم: یک مطالعه اقدام پژوهی مشارکتی**تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۹/۰۱**شناسه پژوهش: **۳۳۵۶**

چکیده پژوهش

این مطالعه به بررسی و بهینه سازی ایمنی بیمار در اتاق عمل بیمارستان چشم پزشکی فارابی تهران پرداخت. با استفاده از رویکرد مشارکتی، گروه های مختلفی شامل پرستاران اتاق عمل، کارشناسان بیهوشی، پرستاران بخش سرپایی و پزشکان، در جلسات بحث گروهی شرکت کردند. این همکاری میان رشته ای این امکان را فراهم کرد تا به طور جامع به مشکلات موجود نگریسته شود و رویکردهای نوآورانه برای حل آن ها ارائه شود. از طریق مصاحبه های کیفی با بیماران و همراهان آن ها، دیدگاه های مختلف در مورد خطاها و چالش های موجود در فرآیند درمان شناسایی شد. این دیالوگ ها کمک کردند تا مشکلات به دقت شناسایی شوند و درک عمیق تری از احساسات و نگرانی های بیماران و خانواده های آن ها ایجاد شود. در بررسی وضعیت موجود ایمنی بیمار، نمرات ارزشیابی دستیاران در زمینه رعایت ایمنی بیمار مطلوب ارزیابی نشد. بنابراین، مداخلات آموزشی برای افزایش دانش دستیاران در اولویت قرار گرفت. چهار جلسه آموزشی در مرحله اول و یک جلسه آموزشی در مرحله دوم برگزار شد. یافته ها نشان داد که مقیاس های رهبری و مدیریت در مرحله اول، نمره کمتری نسبت به سایر مقیاس ها داشت. این نکته اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان دهنده این است که در محیط های پزشکی، رهبری مؤثر و مدیریت درست می تواند تأثیر بسزایی بر ایمنی بیماران و کیفیت خدمات درمانی داشته باشد. بر این اساس، در مرحله دوم آموزش، تلاش شد تا به تقویت این مهارت ها پرداخته شود که در نتیجه پیشرفت ملموس تری در عملکرد دستیاران مشاهده شد. نتایج ارزیابی های میانی و پایانی نشان داد که در طی دو مرحله آموزش، شاخص های رفتاری دستیاران در زمینه ایمنی بیمار به وضوح بهبود یافته و میزان دانش آن ها در حوزه اصول ایمنی بیمار به سطح مطلوبی رسیده است (گزارش پایانی طرح به پیوست می باشد). در نهایت، این مطالعه نشان داد که بهبود ایمنی بیماران نیازمند یک رویکرد جامع و چندوجهی است که شامل شناسایی مشکلات، آموزش مؤثر و مشارکت فعال تمامی اعضای تیم درمانی می باشد. به منظور تضمین سلامتی بیشتر بیماران و ارتقای مداوم ایمنی آن ها، ادامه این روند در آموزش دستیاران و اساتید بیمارستان فارابی پیگیری خواهد شد.



نام و نشان پژوهشگر: علی شمس الدینی

رشته تحصیلی: بیماری‌های قلب و عروق

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا و درمان با داروهای
منع کننده PCSK9 و فالو آپ یکساله آنها

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۳۵۷

چکیده پژوهش

این مطالعه آینده نگر تک مرکزی، اثربخشی Repatha (evolocumab) را در کاهش LDL-C در ۵۰ بزرگسال ایرانی مبتلا به FH ارزیابی کرد. شرکت کنندگان با $LDL-C > 190$ میلی گرم در دسی لیتر در داروهای موجود کلسترول به استثنای مهارکننده های PCSK9) و تشخیص بالینی FH وارد شدند. پس از ارزیابی های پایه (سابقه پزشکی، مشخصات دموگرافیک، پروفایل لیپیدی)، Repatha به مدت یک سال دو دوز هر دو هفته یکبار به صورت زیر جلدی تجویز شد. ارزیابی های بعدی در سال اول تغییرات LDL-C، کلسترول لیپوپروتئین با چگالی بالا (HDL-C) و تری گلیسیرید را اندازه گیری کردند. این مطالعه اثربخشی Repatha را در بهبود پروفایل لیپیدی در بیماران ایرانی مبتلا به FH نشان می دهد. کاهش مشاهده شده در LDL-C و تری گلیسیرید، همراه با افزایش متوسط در HDL-C، مزایای بالقوه ای را برای کاهش خطرات قلبی عروقی نشان می دهد. فقدان رویدادهای قلبی عروقی جدید در طول مطالعه دلگرم کننده است، اما تحقیقات بیشتر با پیگیری بیشتر و طولانی مدت برای تأیید این یافته ها و ارزیابی ایمنی طولانی مدت و تأثیر آن بر کیفیت زندگی مورد نیاز است. اهداف جزئی ارزیابی شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا بر اساس جنسیت ارزیابی شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا بر اساس سن ارزیابی شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا بر اساس سابقه خانوادگی و ASCVD ارزیابی شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا تحت درمان با مهار کننده های PCSK9 سوالات شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا بر اساس جنسیت چگونه است؟ شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا بر اساس سن چگونه است؟ شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا بر اساس سابقه خانوادگی و ASCVD چگونه است؟ شیوع دیس لیپیدیمیا در بیماران فامیلیال هایپرکلسترولمیا تحت درمان با مهار کننده های PCSK9 چگونه است؟

نام و نشان پژوهشگر: **مجتبی شهبازی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه: بررسی شیوع و توزیع ژنوتایپ های در زنان مبتلا به بیماری مولتیپل اسکروزیس تحت درمان با HPV داروهای ایمونوساپرسیو مراجعه کننده به مرکز تحقیقات بیماری های مغز و اعصاب بیمارستان امام خمینی طی سال های ۱۴۰۱-۱۴۰۲

تاریخ اجرا: **۱۴۰۱/۰۹/۰۱**شناسه پژوهش: **۳۳۷۹**

چکیده پژوهش

روش تحقیق: در این مطالعه، بیماران خانم مبتلا به بیماری مولتیپل اسکروزیس که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به کلینیک ام اس بیمارستان امام خمینی مراجعه کردند مورد ارزیابی قرار گرفتند. بیماران بعد از ورود به مطالعه توسط متخصص زنان تحت نمونه گیری از ترشحات دهانه رحم قرار گرفتند. نمونه ها سپس تحت PCR قرار گرفته و تعیین ژنوتیپ انجام شد. در نهایت به بررسی ارتباط میان یافته های بدست آمده با ابتلا به بیماری ام اس و نوع دارو پرداختیم.

نوع تحقیق: این مطالعه به صورت مقطعی توصیفی- تحلیلی می باشد. روش گردآوری داده ها: چک لیستی شامل اطلاعات زمینه ای بیماران تهیه گردید. پس از تکمیل پرونده، بیماران توسط متخصص زنان نمونه گیری شدند و نمونه تست HPV به آزمایشگاه هدف ارجاع داده شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها: به منظور بررسی تغییرات شاخص مورد نظر بین دو گروه از تحلیل two way repeated measure استفاده شد. همچنین برای بررسی وجود اختلاف معنی دار (مقدار p کوچکتر از ۰/۰۵) بین میانگین دو گروه مستقل از آزمون تی مستقل استفاده شد. در نهایت از آزمون کای دو برای بررسی رابطه بین دو متغیر کیفی استفاده شد. سؤال تحقیق: آیا شیوع و توزیع ژنوتایپ های HPV در زنان مبتلا به بیماری مولتیپل اسکروزیس تحت درمان با داروهای ایمونوساپرسیو نسبت به افراد جامعه متفاوت است؟ هدف تحقیق: تعیین شیوع و توزیع ژنوتایپ های HPV در زنان مبتلا به بیماری مولتیپل اسکروزیس تحت درمان با داروهای ایمونوساپرسیو جامعه آماری: این مطالعه مشتمل بر ۵۰ بیمار مبتلا به مولتیپل اسکروزیس زن و ۵۰ نفر زن سالم در گروه کنترل بود. نتایج: نتایج در بین دو گروه و در بین بیماران بر حسب نوع درمان دریافتی بررسی شد. نتایج حاکی از شیوع نسبتاً بالای ویروس HPV در ترشحات دهانه رحم بود. نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری بین گروه بیمار و کنترل وجود نداشت. همچنین تفاوت معنی داری بین بیماران از نظر نوع درمان دریافتی وجود نداشت.



نام و نشان پژوهشگر: مجتبی جعفری زنگلانلو

رشته تحصیلی: اقتصاد بهداشت

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه: ارزیابی فناوری سلامت HTA در رژیم دارویی گلساپروویر / پیرناتسویر و گرازوپروویر /

البازویر در مقایسه با داروهای ضد ویروسی HCV برای درمان بیماران مبتلا به هپاتیت C

ایران سال ۱۴۰۰

تاریخ اجرا: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

شناسه پژوهش: ۳۳۹۲

چکیده پژوهش

روش تحقیق: مطالعه حاضر از نوع ارزیابی فناوری سلامت می باشد که در چند بخش شامل مرور نظام مند و آنالیز بر روی مطالعات هزینه اثربخشی، مرور نظام مند بر روی مطالعات اثربخشی و استخراج اثربخشی، ایمنی و مطلوبیت مربوط به داروهای مورد بررسی، ارائه پروتکل درمانی برای داروی GLE/PIB، هزینه یابی بومی، مدل سازی برای درمان هپاتیت سی با استفاده از سه رژیم دارویی SOF/VEL، SOF/PIB و GLE/DCV، هزینه اثربخشی بومی، تحلیل حساسیت یک طرفه، شبیه سازی مونت کارلو و در نهایت تحلیل اثربودگی ای انجام شده است. در این مطالعه از نرم افزار Treeage و مدل مارکوف جهت بررسی هزینه اثربخشی رژیم های دارویی مورد بررسی و تحلیل حساسیت استفاده است. جامعه هدف در این مطالعه شامل تمام بیماران مبتلا به هپاتیت سی در ایران بوده است. فرضیات تحقیق: ۱. هزینه اثربخشی دو رژیم دارویی Glecaprevir/Pibrentasvir و Grazoprevir/Elbasvir در بیماران مبتلا به هپاتیت سی متفاوت می باشد. ۲. هزینه اثربخشی رژیم دارویی SOF/VEL بیشتر از رژیم دارویی SOF/DCV برای درمان هپاتیت سی در ایران می باشد. ۳. هزینه اثربخشی رژیم دارویی Glecaprevir/Pibrentasvir بیشتر از رژیم های دارویی موجود در ایران برای درمان بیماران مبتلا به هپاتیت سی می باشد. ۴. نتایج حاصل از هزینه اثربخشی با تغییر پارامترهای مطالعه تغییر میکند. ۵. هزینه های کلی نظام سلامت در درمان بیماران مبتلا به هپاتیت سی در صورت استفاده از رژیم دارویی Glecaprevir/Pibrentasvir کاهش می یابد. اهداف تحقیق: ۱. استخراج و مقایسه نتایج حاصل از بررسی نظام مند پیرامون هزینه اثربخشی دو رژیم دارویی Glecaprevir/Pibrentasvir و Grazoprevir/Elbasvir در مقایسه با سایر داروهای ضد ویروسی با عملکرد مستقیم در درمان بیماری هپاتیت سی ۲. استخراج و مقایسه اثربخشی مربوط به داروهای ضد ویروسی با عملکرد مستقیم در بیماران مبتلا به هپاتیت سی از طریق مطالعات پایگاه های معتبر علمی موجود ۳. استخراج هزینه های مربوط به داروهای ضد ویروسی با عملکرد مستقیم در بیماران مبتلا به هپاتیت سی در ایران سال ۱۴۰۲. ۴. بررسی هزینه-اثربخشی رژیم دارویی Glecaprevir/Pibrentasvir در مقایسه با رژیم های دارویی موجود در ایران جهت درمان بیماران مبتلا به هپاتیت سی ۵. مدل سازی رژیم های دارویی ضد ویروسی با عملکرد مستقیم در بیماران مبتلا به هپاتیت سی ۶. انجام تحلیل حساسیت جهت تعیین قوت نتایج حاصل از هزینه اثربخشی بومی ۷. تحلیل اثربودگی ای رژیم های دارویی ضد ویروسی با عملکرد مستقیم در درمان بیماران مبتلا به هپاتیت سی نتایج تحقیق: در بخش مرور نظام مند نتایج نشان داد که رژیم دارویی GLE/PIB دارای هزینه اثربخشی بالاتری از نظر شاخص ICER و INB در مقایسه با رژیم دارویی EBR/GZR بوده است و رژیم های دارویی GEL/PIB و SOF/DCV دارای INB بالاتری نسبت به سایر رژیم های دارویی بودند. همچنین از نظر شاخص پاسخ ویروسی پایدار (SVR) داروی GLE/PIB دارای بالاترین نرخ می باشد و متوسط SVR برای ۱۲ هفته ۹۸.۹ بوده است. بر اساس آنالیز مدل هزینه مطلوبیت، از منظر نظام سلامت، میانگین هزینه های بیماران مبتلا به HCV برای رژیم دارویی SOF/DCV برابر با ۳۵۴۴۵۹۱۲۸ ریال و برای SOF/VEL برابر با ۳۵۱۲۳۲۶۶۶ می باشد که تقریباً یکسان بوده است. در حالی که میانگین هزینه ها برای GLE/PIB برابر با ۴۸۴۲۹۱۹۶۳ ریال بوده است. از منظر اثربخشی، SOF/DCV دارای کمترین اثربخشی بود و بعد از آن SOF/VEL با ۰.۰۹۲ کالی بیشتر و GLE/PIB با ۰.۲۴۷ کالی بیشتر دارای اثربخشی بالاتری بوده اند. هزینه مطلوبیت افزایشی با همان ICER، رژیم دارویی GLE/PIB در مقایسه با SOF/VEL و SOF/DCV به ترتیب برابر ۸۵۷.۹۷۷۹۳ و ۵۲۵۱۱۳۸۴۳ ریال می باشد که کمتر از یک برابر حد آستانه می باشد. بنابراین GLE/PIB هزینه اثربخشی می باشد. بر اساس تحلیل حساسیت احتمالاتی در روش مونت کارلو GLE/PIB در تمایل به پرداخت های مختلف گزینه برتر می باشد و بر اساس نمودار مقبولیت GLE/PIB در ۷۰ موارد در مقایسه با SOF/DCV و SOF/VEL به عنوان استراتژی برتر انتخاب شد. با توجه به نتایج تحلیل اثربودگی ای با وارد کردن داروی GLE/PIB به بازار و با فرض اختصاص سهم ۱۰ بازار در سال اول تا ۵۰ سال پنجم، به ترتیب تقریباً ۲۸۸۱۶، ۵۸۳۴۷، ۵۸۴۶۰ و ۱۱۹۶۰۶ و ۱۵۱۳۶۳ میلیون ریال در سال اول تا پنجم در هزینه های نظام سلامت افزایش ایجاد خواهد شد.



نام و نشان پژوهشگر: وحید امیری ده نوئی

رشته تحصیلی: هماتولوژی آزمایشگاهی و بانک خون

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی الگوی بیان ژنی ۱۵۵-miR، LC3A و LncRNA-GAS۵ و بررسی متیلاسیون پروموتوری LC3A در بیماران مبتلا به AML

تاریخ اجرا: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

شناسه پژوهش: ۶۵۳۷

چکیده پژوهش

مطالعه‌ی حاضر از نوع مقایسه‌ای بوده و با استفاده از روش RT-qPCR و MS-HRM به بررسی بیان ژن‌های LncRNA-GAS۵، LC3A و ۱۵۵-miR و همچنین متیلاسیون پروموتوری LC3A در بیماران مبتلا به AML و افراد به ظاهر سالم پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت این ژن‌ها که می‌توانند موجب بروز بدخیمی شوند و در پیشرفت بالینی بدخیمی نقش دارند بود و فرضیه‌ی ما مشاهده‌ی تغییرات بیان این ژن‌ها در بیماران مبتلا به AML نسبت به گروه کنترل بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بیان این ژن‌ها می‌تواند به خوبی افتراق دهنده‌ی افراد سالم از بیمار باشد و همچنین بیان ژن LC3A تحت تاثیر هایپرمتیلاسیون در بیماران مبتلا به AML به شدت کاهش می‌یابد





نام و نشان پژوهشگر: محمود نواصر

رشته تحصیلی: فیزیک پزشکی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

عنوان پروژه:

طراحی الگوریتم های هوش مصنوعی بر مبنای تصاویر تشدید مغناطیسی با هدف افزایش

کیفیت طراحی درمان در پرتودرمانی سرطان پروستات

تاریخ اجرا: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

شناسه پژوهش: ۶۸۶۷

چکیده پژوهش

امروزه موفق ترین روش درمان سرطان پروستات، پرتودرمانی با پرتوهای یونیزان می باشد. بهره درمانی پرتودرمانی در مواردی حتی بیش از ۹۰ درصد است. از طرف دیگر، هوش مصنوعی موتور اصلی اتوماسیون در تصویربرداری پزشکی است. بطور مشخص پس از همه گیری کووید، یادگیری عمیق کلید موفقیت های زیادی در اتوماسیون وظایف پیچیده در بیمارستان ها بوده است. بنابراین نمی توان از پتانسیل های آن در کشور چشم پوشی کرد. مرزبندی دستی ارگان ها بوسیله پزشک، زمان برترین و طاقت فرسا ترین وظیفه کلینیکی در فاز طراحی درمان جهت پرتودرمانی بیمار می باشد. بدلیل حساسیت هدف درمانی و دوز بالای آن، هدف درمانی (پروستات) نیازمند بیشترین دقت در مرزبندی است. در انجام دستی مرزبندی خطای انسانی زیادی گزارش شده است. بدلیل اینکه توزیع دوز بر مبنای مرزبندی ناحیه هدف و ارگان های-در-خطر های اطراف انجام می شود، پس دقت در این فرایند کیفیت درمان را بشدت تحت تاثیر قرار می دهد. مدل های بنیادی، مدل های مبتنی بر یادگیری عمیق در مقیاس بسیار بزرگ هستند. این مدل ها بر مبنای مقدار زیادی از داده ها (غالباً توسط یادگیری خود نظارتی) (بشکلی آموزش داده می شوند که می تواند به طیف وسیعی از تسک های زیرمجموعه (مانند مرزبندی) تطبیق داده شود. مدل بنیادی SAM، اولین و بزرگترین مدل بنیادی مبتنی بر تصویر جهت مرزبندی است که در اوایل ۲۰۲۳ معرفی شد. این مدل دارای تطبیق بدون-شات است، پس می تواند تصاویر پیچیده MRI با کویل مقعدی یا المان های پرتودرمانی را هم مرزبندی کند. در حال حاضر برای طیف وسیعی از المان های پرتودرمانی، مدل های رایج یادگیری عمیق وجود ندارد. مدل های بنیادی مانند SAM، بر اساس پرامپت به کاربر پاسخ می دهند. پرامپت یک ورودی (نقطه هدایت کننده) است که همزمان با تصویر به مدل داده می شود. در این طرح جهت تسهیل فرایند و استفاده آسان بوسیله پزشک، یک رابط کاربری فارسی (سامانه هادی) جهت هدایت مدل SAM با امکان ثبت نقاط پرامپت مختلف طراحی شده است. در محدوده اطلاعاتی پژوهشگران این طرح، پژوهش فعلی اولین مطالعه پزشکی با مدل مهم SAM در کشور می باشد. جهت بدست آوردن بهترین نقاط پرامپت، یک الگوریتم مهندسی پرامپت طراحی شد. سپس عملکرد مدل SAM اصلی و مدل SAM مهندسی شده با پرامپت در انجام مرزبندی ارزیابی شدند. سپس این دو با یکدیگر مقایسه شدند. این ارزیابی ها با استفاده از شش مجموعه داده انجام شد که جمعا شامل تصاویر MRI از ۱۱۵ بیمار بودند. این تصاویر شامل پروتکل های تصویربرداری مختلف و همچنین تصاویر چالش برانگیز، مانند کویل های مقعدی روی تصاویر نیز بودند. در کل، مدل SAM مهندسی شده با پرامپت نسبت به مدل SAM اصلی در تمام موارد برتری داشته است. مقدار متوسط ضریب تشابه دایس برای همه تصاویر در مدل مهندسی شده ۷۱.۵۹ است که بهبود آن نسبت به مدل اصلی بصورت میانگین ۸.۹۹ است. در تصاویر دارای کویل، که مدل های رایج یادگیری عمیق روی آنها ضعیف عمل می کنند، مدل مهندسی شده در محدوده قابل قبول در مرزبندی پزشکی (۷۰) عمل کرده است. از نظر کلینیکی نتایج نشان می دهند که زمان اصلاح با استفاده از مدل SAM مهندسی شده با پرامپت بسیار کمتر از زمان لازم برای مرزبندی دستی پروستات بوسیله پزشک است (۲۹.۱۵) صرفه جویی زمانی. بنابراین مدل SAM عملکرد قابل قبول و پایداری در شرایط مختلف دارد. با وجود آنکه محدوده این طرح پروستات است، اما در فاز تکمیلی جهت تحلیل قدرت SAM، عملکرد خوب مدل در مرزبندی تصاویر CT ناحیه ریه و مغز بصورت کیفی در پیوست ارائه شده است. در نتیجه مدل SAM پتانسیل ایفای نقش در مرزبندی پزشکی روی اکثر ارگان ها را دارد. امید است با بهبود این مدل بتوان همزمان با کاهش بار کاری عزیزان کادر درمان، مشقت های بیماران سرطانی را نیز کاهش داد



نام و نشان پژوهشگر: حسن رسول زاده سفایش

رشته تحصیلی: بهداشت محیط

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه: بررسی عملکرد نانوکامپوزیت اکسید روی-دآپ شده با فلز نیکل در حذف داروی ضد ویروس رمدسیور با فرایند الکتروفوتوکاتالیزتی از محیط های آبی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

شناسه پژوهش: ۷۰۴۹

چکیده پژوهش

مقدمه: مواد دارویی به دلیل قطبیت بالا و فراریت کم، خاصیت تجمع پذیری بیولوژیکی و مقاوم بودن در برابر تجزیه بیولوژیکی یکی از انواع بیومولکول های خطرناک در محیط زیست می باشند که باعث تهدید سلامتی انسان و اکوسیستم شده اند. بنابراین حذف مواد دارویی قبل از تخلیه به محیط زیست و برای جلوگیری از اثرات مضر آنها بر روی انسان و اکوسیستم ضروری می باشد. در این پژوهش، حذف داروی رمدسیور با استفاده از فوتو آند نیکل دآپ شده با اکسید روی تثبیت شده بر سطح FTO در یک فرایند الکتروفوتوکاتالیزتی گزارش شده است. روش انجام کار: فوتوالکترود نیکل دآپ شده با اکسید روی با استفاده از روش اسپاترینگ با فرکانس رادیویی بروی سطح شیشه فلورین تین اکساید لایه نشانی شد. در این مطالعه از فویل های اکسید روی و نیکل به ترتیب با قطر ۷۶ و ۳ میلی متر در دستگاه اسپاترینگ استفاده شد. آنالیزهای ساختاری و مورفولوژی کامپوزیت ساخته شده با استفاده از تکنیک های SEM، XRD و EDX انجام شد. خواص نوری الکترود با استفاده از آنالیز های DRS و LSV سنجیده شد. اثر متغیرهای مختلف شامل (۱۱-۳) pH، غلظت الکترولیت (۰/۵-۰/۲۵ گرم بر لیتر)، جریان الکتریکی (۰/۰۵-۰/۱ آمپر بر سانتی متر مربع)، غلظت اولیه رمدسیور (۰/۵-۱۵ میلی گرم بر لیتر)، و زمان واکنش ۱۲۰ دقیقه در یک راکتور ناپیوسته مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات آزمون سمیت، محصولات جانبی، معدنی سازی، سینتیک، و مکانیسم های واکنش به عنوان مطالعات تکمیلی پژوهش حاضر در شرایط بهینه انجام گرفت. یافته ها: نتایج آنالیزهای صورت گرفته بر روی فوتوالکترود ساخته شده نشان داد که نانو ذرات با میانگین اندازه ذرات ۱۸/۰۹ نانومتر و باند گپ ۳/۱۸ الکترون ولت بر روی سطح زیر لایه به خوبی و با ضخامت لایه ۶۵۰-۶۹۰ نانومتر قرار گرفته اند. بر اساس یافته های حاصل از این مطالعه حداکثر تجزیه رمدسیور (۹۴) در ۷pH، غلظت الکترولیت ۰/۱ گرم در لیتر، شدت جریان ۰/۰۳ آمپر بر سانتی متر مربع، غلظت اولیه دارو برابر ۱ میلی گرم در لیتر، و زمان ۱۲۰ دقیقه تحت نور UV-A (۳۹۰nm) حاصل شد. مطالعه مدل های سینتیکی مختلف نشان داد که مدل سینتیکی درجه یک برای حذف دارو مناسب ترین مدل است. میزان معدنی سازی رمدسیور ۸۰/۱ درصد در شرایط بهینه به دست آمد. در این مطالعه، پس از تجزیه رمدسیور ۱۰ محصول حد واسط شناسایی شد. کارایی حذف دارو در حضور نور مرئی کمتر از نور فرابنفش بود. ارزیابی زیستی داروی مورد بررسی توسط دافنی مگنیا مشخص شد؛ نتایج بررسی محصولات نهایی واکنش بیانگر این است که کاهش سمیت محلول رمدسیور کاملاً مشهود هست. علاوه بر این، بررسی های انجام گرفته بر روی پایداری فوتوالکترود سنتز شده بیان کننده مقاومت آن در برابر استفاده های مکرر و توان استفاده از آن در بعد وسیع است. نتیجه گیری: نتایج کلی حاصل از این پژوهش قابلیت اطمینان به فرایند به کار برده شده با استفاده از فوتوالکترود ساخته شده، در استفاده از آن جهت تصفیه فاضلاب های حاوی داروهای ضد ویروسی را نشان می دهد.

نام و نشان پژوهشگر: **فرهاد تندرو انامی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه:

تزریق داخل دترسور سلول های اتولوگ مشتق از بافت ماهیچه ای جهت درمان مثانه کم کارتاریخ اجرا: **۱۴۰۲/۰۸/۰۱**شناسه پژوهش: **۶۰۵۸****چکیده پژوهش**

کم کاری مثانه و ضعف عضله دترسور از بیماری های شایع، به ویژه در زنان، هستند که با توجه به ماهیت ناشناخته آن ها، درمان های موجود نیز کارایی محدودی دارند. شیوع این بیماری تا ۱۵ درصد جمعیت تخمین زده می شود. با توجه به پاتوفیزیولوژی بیماری، استفاده از سلول های بنیادی و مشتقات آن مانند اگزوزوم، به عنوان درمانی نوین مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه به صورت پایلوت، اثرات تزریق اگزوزوم اتولوگ به عضله دترسور را بررسی کرده است. در این مطالعه ۱۲ بیمار مبتلا به کم کاری مثانه از بیمارستان امام رضای تبریز که به درمان دارویی پاسخ نداده بودند، انتخاب شدند. اطلاعات بالینی و یورودینامیک آن ها جمع آوری شد. سلول ها و اگزوزوم های اتولوگ استخراج شده و به عضله دترسور مثانه تزریق شد. بیماران سپس از نظر عوارض و نتایج بالینی پیگیری شدند. میانگین سنی بیماران ۴۱ سال بود و ۳۳ درصد آنان زن بودند. تنها ۱۷ درصد بیماران توانایی تخلیه موثر ادرار داشتند، درحالی که ۳۳ درصد گهگاهی و ۵۰ درصد به طور کامل به سونداژ متناوب وابسته بودند. پس از تزریق، عوارض جانبی شدیدی مشاهده نشد و تنها عوارض شایعی مانند علائم ادراری تحتانی (LUTS) و سیستمیت گزارش شد. معیارهای یورودینامیک و پرسشنامه های GRA و ICIQ تغییر قابل توجهی نشان ندادند، اما تفاوت در معیار UAB-q از نظر آماری معنادار بود. نتیجه گیری: تزریق اگزوزوم اتولوگ به عضله دترسور، روشی ایمن است و نتایج اولیه نویدبخش درمان این بیماری پیچیده می باشد. برای ورود این روش به کاربرد بالینی گسترده، انجام مطالعات بالینی بزرگ تر ضروری است.





نام و نشان پژوهشگر: سامان بقائی

رشته تحصیلی: دندان پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

منابع پیوند استخوان آلوئولی در بیماران مبتلا به شکاف کام و لب: مطالعه مروری نظام مند

تاریخ اجرا: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۶۱۲۴

چکیده پژوهش

شکاف آلوئولی، یکی از پیامدهای رایج و شایع شکاف لب و کام، چالش‌های مهمی در بازسازی ناحیه فک بالا ایجاد میکند و مشکلاتی در رشد فک، رویش دندان‌ها و زیبایی صورت ایجاد میکند. این مطالعه مروری نظام مند و متآنالیز، سه روش اصلی ترمیم شکاف آلوئولی را بررسی کرده است: ۱. استفاده از پیوند استخوان خود بیمار همراه با مواد جایگزین (گروه A)، ۲. استفاده تنها از مواد جایگزین (گروه B)، و ۳. پیوند استخوان از ناحیه استخوان ایلپاک خود بیمار (گروه C). مطالعات در پایگاه‌های PubMed, Scopus, Web of Sciences, Cochrane Central, EMBASE تا تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۲۴ بررسی شدند. پس از بررسی کیفیت مطالعات بر اساس چک لیست گایدلاین CONSORT، در نهایت، ۱۰ مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی شده با حضور ۱۸۶ بیمار برای تحلیل انتخاب شدند. نتایج شامل تراکم و حجم استخوان، ارتفاع استخوان، نرخ تشکیل استخوان، زمان جراحی و مدت بستری در دو بازه زمانی پیگیری (۶ و ۱۲) مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها از نظر آماری بر اساس نرم افزار CMA تحلیل و نتایج مشخص شدند. نتایج نشان داد که گروه A بهترین حفظ تراکم و حجم استخوان را دارد. گروه B به دلیل کمتر تهاجمی بودن، مزایای اجرایی بیشتری ارائه داد و گروه C با بالاترین نرخ تشکیل استخوان همراه بود اما عوارض بیشتری داشت. نتایج بر ضرورت انتخاب روش‌های درمانی متناسب با شرایط هر بیمار تاکید میکنند تا تعادل میان اثربخشی و نیازهای فردی برقرار شود. همچنین، بهبود مواد جایگزین استخوانی و تدوین پروتکل‌های استاندارد برای بهینه‌سازی نتایج را ضروری میدانند.



نام و نشان پژوهشگر: **ابراهیم حیدری فارسانی**رشته تحصیلی: **پزشکی**مقطع تحصیلی: **دکتری حرفه ای (پزشکی)**

عنوان پروژه:

شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر پنج بیماری اولویت دار در سطح استان اصفهانتاریخ اجرا: **۱۴۰۲/۰۶/۰۱**شناسه پژوهش: **۶۱۹۸****چکیده پژوهش**

بیان مسئله: بسیاری از مسائل موجود در نظام ارائه خدمات سلامت ماهیت اجتماعی فرهنگی اقتصادی دارند. بر این اساس اغلب بیماریهای واگیر، غیر واگیر و انواع اختلالات در فرد تحت تأثیر این عوامل قرار دارند. در واقع محیط یا وضعیت اقتصادی- اجتماعی شامل درآمد، اشتغال، بعد خانوار، برخورداری از بیمه و سایر عوامل مؤثر بر طبقات اقتصادی- اجتماعی خانوارهاست. به طور کلی، محرومیتهای اقتصادی- اجتماعی در سطح جامعه یک عامل استرس زا محسوب میشود که نقش مهمی در شکل دادن به سلامت انسان دارد. روش اجرا: در این مطالعه ابتدا بر اساس منبع GBD ۲۰۱۹ بیماری های استان اصفهان بر اساس DALYS دسته بندی و پنج بیماری با بار بالاتر انتخاب گردید این بیماری ها شامل ۱- LOW BACK PAIN ۲- IHD ۳- ROAD INJURIES ۴- STROKE ۵- DIABETES ۶- متخصص حوزه های مختلف عوامل سپس با استفاده از مطالعه اسکوپینگ ریسک فاکتور هر بیماری به صورت مجزا در کشور ایران استخراج گردید سپس این ریسک فاکتورها در اختیار متخصصین بهداشتی استان اصفهان قرار گرفت (۴ نفر) و ریسک فاکتورها بر اساس شرایط استان پالایش گردید. در مرحله بعد بر اساس دو جلسه فوکوس گروپ (۶ متخصص حوزه های مختلف) عوامل اجتماعی مؤثر بر هر بیماری به صورت جداگانه تعیین شد در انتها این عوامل اجتماعی برای هر بیماری دسته بندی گردید. نتیجه گیری: عوامل اجتماعی مؤثر بر پنج بیماری شامل مجموعه متنوعی از عوامل مثل سطح تحصیلات پایین، وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین، جنسیت، عوامل محیطی، شرایط کاری، سبک زندگی و... میباشد شناخت این عوامل برای برنامه ریزی درست در حیطه سلامت لازم است و سیاست گذار را در تخصیص درست منابع یاری میدهد و سبب کاهش بار بیماری و بهبود سطح سلامت میشود. انجام اینگونه مطالعات منجر به برنامه ریزی درست و سیاست گذاری هدفمند در حیطه سلامت میشود.





نام و نشان پژوهشگر: پوریا شکری

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

ارزیابی نظام مند تأثیر داروها و وسایل بیهوشی در بروز التهاب تارهای صوتی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۶۲۱۲

چکیده پژوهش

هدف: این مطالعه به طور گسترده عوارض شایع مرتبط با داروها و تجهیزات بیهوشی بر طناب های صوتی را بررسی کرده است. همچنین به عواملی مانند سیگار کشیدن، مدت زمان بیهوشی و روش های القای بیهوشی پرداخته است. به طور کلی، پژوهش به منظور شناسایی عوامل مؤثر برای ایجاد یک پروتکل بیهوشی عمومی با حداقل عوارض پس از عمل انجام شد. مواد و روش ها: ما پایگاه های Google، PubMed، Scopus، Web of Science و Scholar را برای یافتن مطالعاتی درباره تأثیر داروها و تجهیزات بیهوشی بر طناب صوتی تا ماه مه ۲۰۲۳ جستجو کردیم. پس از غربالگری و بررسی متن کامل مقالات، ویژگی های مطالعه شامل حجم نمونه، سن، دوز یا اندازه داروها و تجهیزات بیهوشی، مدت زمان مداخله، عوارض جانبی و نگهداری از عوارض جانبی استخراج شدند. ارزیابی کیفیت با استفاده از مقیاس نیوکاسل-او تاوا و مقیاس جاداد انجام شد. نتایج: مرور ما شامل ۳۹ مطالعه از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۲۳ بود. شایع ترین عوارض مرتبط با طناب صوتی VCAEs سرفه (۶۸.۵۱-۱۹.۸۴؛ CI ۳۹.۱۷)، گرفتگی صدا (۳۵.۳۲-۴۵.۶۰؛ CI ۲۵.۰۴-۷۵.۰۲)، و اریتم (۳۵.۰۹؛ CI ۴۸۴-۷۵.۰۲) بودند. فلج طناب صوتی نسبتاً کمتر شایع بود (۴.۱۶؛ CI ۵.۴۳). متارگسیون تفاوتی در فراوانی VCAEs با یا بدون تهویه تک ریه و سیگار کشیدن نشان نداد. با این حال، مدت زمان جراحی سه نتیجه را تحت تأثیر قرار داد؛ مدت زمان کمتر از ۱۲۰ دقیقه با نرخ پایین تر گرانولوم (۲.۷۴) در مقابل ۴۴.۳۰؛ p) کوچکتر از ۰.۰۵ و نرخ بالاتر سرفه ۴۸.۸۹ در مقابل ۱۵.۹۱؛ p) کوچکتر از ۰.۰۵ و فلج طناب صوتی (۴۲.۸۶) در مقابل ۰.۱۲؛ p) کوچکتر از ۰.۰۵ (مرتبط بود). نتایج کلی تحت تأثیر قرار نگرفتند. نتیجه گیری: شایع ترین عوارض مرتبط با بیهوشی شامل سرفه، اریتم و دیسفاژی است، در حالی که عوارض جدی مانند هماتوم و فلج طناب صوتی نادر هستند. همچنین، مدت زمان جراحی تأثیر قابل توجهی بر وقوع VCAE ها دارد.



نام و نشان پژوهشگر: رضا نژاد شاهرخ آبادی

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

ثبت رجیستری اختلالات اکتسابی ماده سفید در بیماران سنین ۱ ماه تا ۱۸ سال

تاریخ اجرا: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

شناسه پژوهش: ۶۳۱۵

چکیده پژوهش

مقدمه: سندرم های دیمیلینه سازی اکتسابی (ADS) در کودکان، از جمله اسکروز چندگانه (MS)، آنسفالومیلیت منتشر حاد (ADEM) و اختلال طیف نورومیلیت اپتیک (NMOSD)، نادر اما تأثیرگذار بر عملکرد عصبی هستند. هدف این مطالعه ایجاد یک ثبت جامع برای بیماران کودک مبتلا به ADS در شرق ایران بود تا خلأهای موجود در داده های اپیدمیولوژیک و بالینی منطقه را برطرف کند. روش اجرا: یک مطالعه بازنگری-پیش نگری در بیمارستان قائم مشهد از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ انجام شد. داده های ۱۲۱ بیمار کودک (≥ 18 سال) با تشخیص تأیید شده ADS جمع آوری شد که شامل ویژگی های دموگرافیک، ویژگی های بالینی، نتایج آزمایشگاهی/تصویربرداری و درمان بود. تحلیل های آماری با استفاده از SPSS انجام شد. نتایج: این گروه شامل ۳۶ مورد ADEM، ۳۰ مورد نوریت اپتیک ۲۱، (ON) مورد میلیت عرضی ۱۱، (TM)، ۶ مورد MS، ۷ مورد آنسفالوتی حاد نکروزه (ANEC)، و ۴ عدد بیمار CIS بود. ADEM در کودکان کوچک تر غالب بود (میانگین سن: 6.08 ± 3.24 سال)، در حالی که MS در نوجوانان شایع تر بود. در ON، درگیری دوطرفه عصب بینایی و از دست دادن شدید بینایی رایج بود. یافته های دموگرافیک، بالینی، آزمایشگاهی و رادیولوژیکی مربوط به هر نوع تشخیص ثبت و تحلیل شد. نتیجه گیری: این رجیستری، شیوع و پروفایل های بالینی متنوع ADS در کودکان شرق ایران را نشان می دهد. تشخیص زودهنگام و درمان های ویژه برای بهبود نتایج حیاتی است. یافته ها بر نیاز به ثبت های استاندارد منطقه ای برای بهبود درک و مدیریت بیماری تأکید می کند.





نام و نشان پژوهشگر: کسری چراغ پور

رشته تحصیلی: چشم پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری تخصصی

عنوان پروژه:
 نوع و الگوی آسیب، درمان و پیامد آسیب های چشمی ناشی از گلوله در بیماران بیمارستان
 امام حسین (ع) و پیشنهاد ایجاد رجیستری مرتبط

تاریخ اجرا: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

شناسه پژوهش: ۶۳۸۹

چکیده پژوهش

زمینه و هدف: ترومای ناشی از برخورد گلوله به چشم باعث ایجاد صدمات متنوعی می شود. اکثر این آسیب ها منجر به کاهش دائمی حدت بینایی می شود. در این مطالعه مواردی از ترومای چشمی ناشی از تفنگ را مورد بررسی قرار دادیم تا به درک درستی از انواع صدمات ناشی از این گونه آسیب ها دست یابیم و با ارائه آمار مستند به اتخاذ سیاست های لازم کمک نماییم. روش کار: مواردی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند بیمارانی بودند که دچار ترومای چشمی در اثر برخورد ساچمه و یا گلوله ی تفنگ شده و طی سال های ۱۴۰۱-۱۳۹۰ جهت درمان به بیمارستان امام حسین تهران مراجعه کرده اند. نتایج: مجموعاً ۹۷ بیمار و ۱۱۱ چشم وارد مطالعه شدند. متوسط سن بیماران ۲۸.۴ سال در بازه ی ۴ تا ۷۳ سال بود. در ۱۰۰ چشم آسیب باز و ۱۱ چشم آسیب بسته مشهود بود. در ۴۷ چشم تروماتیک کاتاراکت، ۳۱ چشم پارگی شبکیه و ۹ چشم خون ریزی زجاجیه وجود داشت. علیرغم درمان، بالای ۸۰ درصد از چشم ها دید ۲۰/۲۰ یا کمتر داشت. از نظر دموگرافیک آسیب، آسیب پذیرترین قشر مردان جوان بوده و خانه و خیابان شایع ترین محل رخداد آسیب بودند. درگیری شایع ترین علت آسیب بوده و آسیب در مناطق مرکزی و غربی کشور بیشتر از سایر نقاط روی داده بود. نتیجه گیری: پیش از این، هیچ مطالعه اپیدمیولوژیک در مورد آسیب های چشمی ناشی از اسلحه در ایران وجود نداشته است، که ممکن است متأسفانه این تصور را منعکس کند که این آسیب ها یا بسیار نادر است یا برای مطالعه بسیار بی اهمیت است. پیش آگهی نسبتاً ضعیف اما ماهیت قابل پیشگیری آسیب های ناشی از تفنگ، شناسایی عوامل خطر را در اولویت بالایی قرار می دهد زیرا برنامه های پیشگیری عمدتاً بر اساس داده های دقیق عوامل خطر می باشند.





نام و نشان پژوهشگر: علیرضا آروین

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

طراحی روشی غیرشیمیایی به منظور سلول زدایی بافت عصب محیطی بر مبنای
الکتروپوراسیون غیر حرارتی برگشت ناپذیر و ارزیابی آزمایشگاهی آن

تاریخ اجرا: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

شناسه پژوهش: ۶۴۴۵

چکیده پژوهش

هدف این مطالعه یافتن یک روش مؤثر برای حذف سلول های بافت عصب سیاتیک موش صحرایی به کمک الکتروپوریشن غیر حرارتی بود. ابتدا با استفاده از نرم افزار کامسول، پروتکلی استخراج شد که افزایش دما در حین الکتروپوریشن را به حداقل می رساند. سپس در آزمایش های *in vitro*، بافت عصب در معرض پالس های الکتریکی با پارامترهای متنوع (تعداد، فرکانس، عرض پالس و شدت میدان) قرار گرفت. همچنین تأثیر محیط های مختلف نظیر PBS، DMEM و نرمال سالین بر کارایی الکتروپوریشن و فرصت زمانی لازم برای وقوع مرگ برنامه ریزی شده سلولی بررسی شد. در آزمایش های *in vivo*، پروتکل های منتخب حاصل از آزمایش های *in vitro* (شدت میدان 2100 V/cm ، فرکانس ۴ هرتز، عرض پالس ۵۰ میکروثانیه و ۴۰۰ پالس) روی عصب سیاتیک موش های زنده اعمال و بافت ها در زمان های مختلف بررسی شدند. علاوه بر این، پروتکل بهینه روی رده سلولی SH-SY5Y نیز ارزیابی شد. نتایج رنگ آمیزی هماتوکسیلین-ئوزین و ایمونوهیستوشیمی نشان داد که پروتکل بهینه شامل پالس های مربعی با عرض کم، تعداد و فرکانس بالا و شدت میدان زیاد است که منجر به مرگ حدود ۶۰ درصد سلول ها می شود. محیط های با رسانندگی بالا مانند نرمال سالین و رینگر نرخ مرگ سلولی را افزایش دادند. همچنین نتایج فلورسانسی نشان دادند که سلول های SH-SY5Y طی کمتر از سه ساعت با نرخ بالای آپاپتوز از بین می روند. تفاوت در مرگ سلولی بین بافت عصبی و سلول های سوسپانسیونی به میلینه بودن بافت مرتبط بود. نتایج این مطالعه نشان دادند الکتروپوریشن با پروتکل های به کار رفته نمی تواند تمامی سلول های بافت عصبی محیطی را حذف کند؛ اما با بهبود شرایط محیطی، می توان از این روش به عنوان ابزاری کارآمد برای کاهش قابل توجه سلول های بافت عصبی استفاده کرد.





نام و نشان پژوهشگر: محمد عماد کرشاهی امجری

رشته تحصیلی: پزشکی

مقطع تحصیلی: دکتری حرفه ای (پزشکی)

عنوان پروژه:

نقش MRI در بیماری صرع: مطالعه یادگیری ماشین و علم سنجی

تاریخ اجرا: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

شناسه پژوهش: ۶۰۴۴

چکیده پژوهش

صرع از بیماری های شایع مغزی است که شیوع آن ۴-۱۰۰۰/۸ و بروز سالانه ۲۰-۵۰/۱۰۰۰۰۰ در کشورهای توسعه یافته است. تصویربرداری رزونانس مغناطیسی (MRI) می تواند بسترهای زمینه ای صرع را شناسایی کند و پزشکان را در تعیین درمان و پیش آگهی راهنمایی کند. از این رو در این مطالعه با هدف بررسی نقش MRI جهت پیش بینی و تشخیص بیماری صرع تلاش کردیم ضمن ترسیم نقشه علمی، به بررسی عوامل زمینه ایی موثر بر تشخیص بیماری صرع توسط MRI پردازیم. جهت جمع آوری داده ها از راهبرد جستجو بر اساس MeSH طی سال های ۱۹۶۵ تا ۲۰۲۳ استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش کلیه مقالات در پایگاههای وب آو ساینس، اسکاپوس و پابمد در زمینه ی بیماری صرع و MRI می باشد. به علت محدودیت بخش تحلیل پایگاه استنادی مورد استفاده، داده ها در فایل های ۱۵۰۰ رکوردی و در قالب متن ساده جمع آوری گردیدند. سپس با استفاده از نرم افزارهای R سایمت، ووس و یووئر، پربمپ و اکسل به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شد. در این بخش جهت بررسی محتوای واژگان و مفاهیم متون از روش های نوین تحلیل در علم سنجی بر پایه واژگان و مفاهیم استفاده گردید. لذا، با محاسبه میزان هم آیندی مفاهیم و خوشه بندی یادگیری ماشین، ساختار موضوعی حوزه های علوم ترسیم شد. نتایج مطالعه نشان داد که بین بیماری صرع و بیماری اوتیسم (ASD) ارتباط معنا داری وجود دارد به طوری که ۱۲٪ مبتلایان به اوتیسم دچار صرع شده و ۶٪ از موارد صرع دچار بیماری اوتیسم بوده اند. همچنین بررسی ضایعات توپر مغزی (TSC) در MRI می تواند موجب بهبود تشخیص صرع در بیماران اوتیسم و افزایش کیفیت زندگی این افراد گردد.

